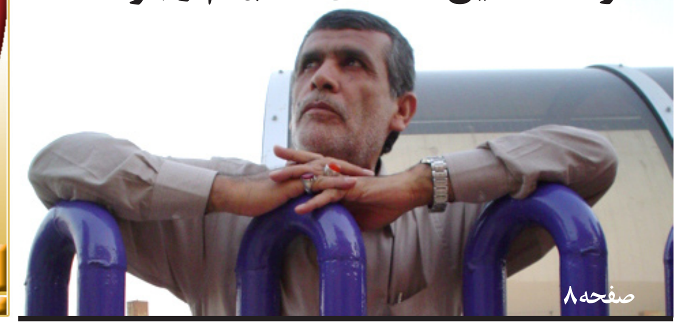
نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال دوازدهم – شماره ۵٦۹ – یک شنبه ۲٤ آبان ماه ۱۳۸۸ – ۸ صفحه – ۲۵۰ تومان

دوانی رئیس هیات فوتبال استان بوشهر:
اطراف شاهین هاله ای از ابهام وجود دارد



صفحه ۸

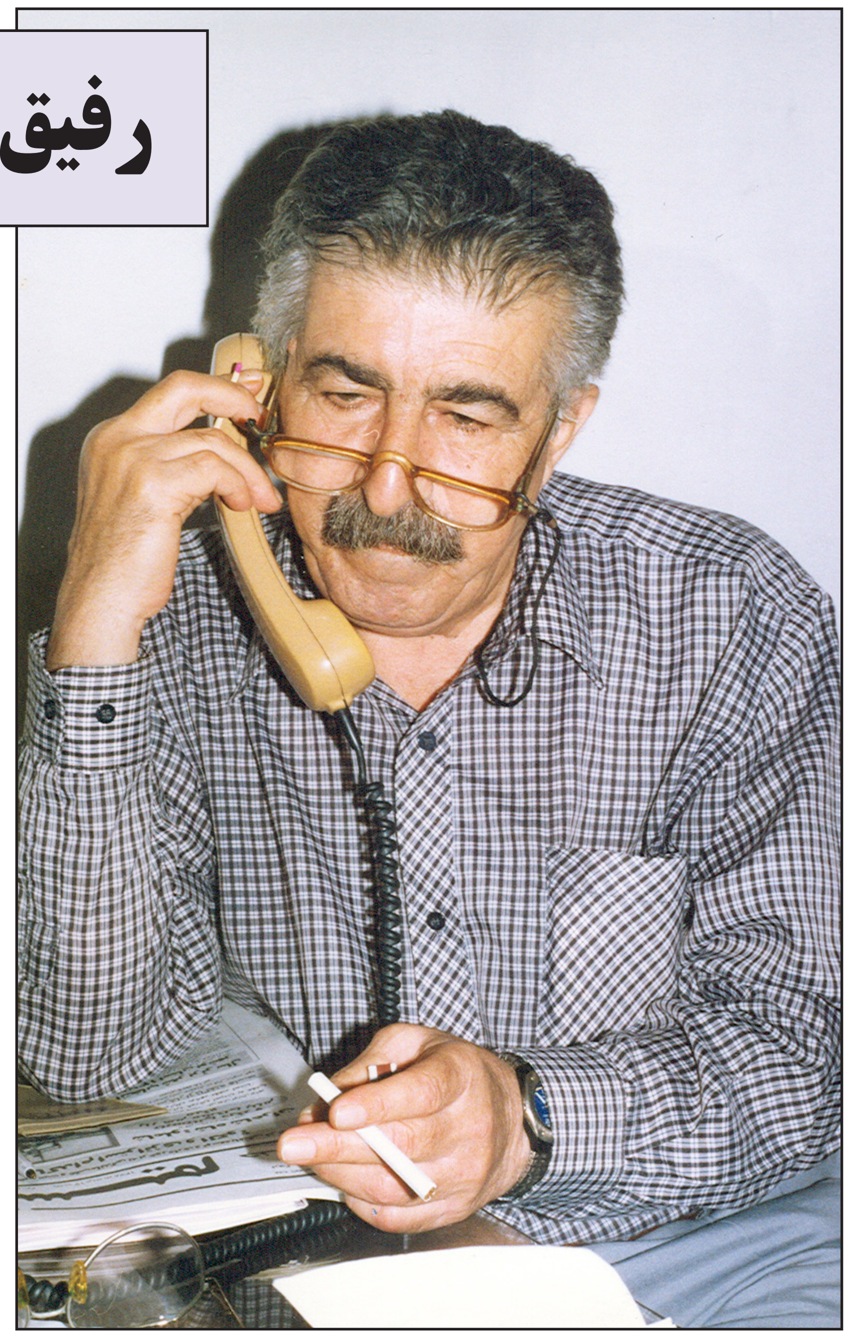
فقط یک نیم فصل تا ماندن یا رفتن فرصت داریم!



صفحه ۷

رفیق لحظه های تنهایی مردم جنوب

به مناسبت سالگوچ ابدی استاد منوچهر آتشی



عبور تخلف از دالان های خالی و خلوت شورا و شهرداری بوشهر؟!

استعفای شهردار بوشهر، زیر سوال رفتن شورای شهر!

پیامبر (ص) اهل مدارا با مردم بود

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



صفحه ٦

می توانیم به شرایط مطلوب باز گردیم

مجید اصلانی



صفحه ۷

پرواز غمگنانه در مارد

نجف اهو چهر



صفحه ٦

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۵۶۹ یک شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

۱۵نفر متقاضی مسوولیت شهرداری بوشهر هستند

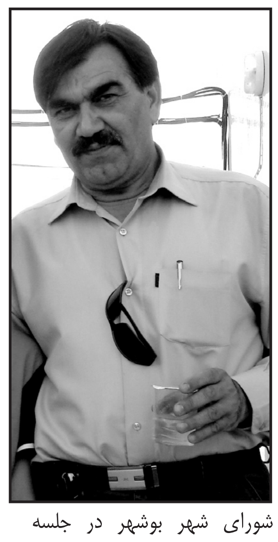
سخنگوی شورای اسلامی شهر بوشهر گفت: ۱۵ نفر خواهان در دست گرفتن مسوولیت شهرداری بوشهر به عنوان شهردار مرکز این استان هستند.
مسعود شکوهی در گفت وگو با ایرنا افزود:دربین آنان، افرادی با سابقه مدیریت موفق، شهرداری و متخصص در امور شهری نیز وجود دارد که شورای اسلامی در حال بررسی گزینه نهایی است.
وی بااشاره به اینکه تکلیف شهرداری بوشهر درجلسه اضطراری روز پنجشنبه جاری مشخص خواهد شد یادآورشد:مهندس شاهپور رجایی شهردار فعلی بوشهر مدتها است که استعفای خود را تقدیم شورا کرده است و اخیرا نیز بیان کرده است دیگر توانایی ادامه کار در این مسوولیت را ندارد و مصمم به گرفتن موافقت شورا با استعفای خود است.
شکوهی اضافه کرد:مسایل اخیر مربوط به پیمانکار شرکت خدمات شهری بوشهر نیز در پذیرش موافقت شورای اسلامی شهر بوشهر با استعفای شهردار تاثیر مثبت خواهد داشت.
رییس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر بوشهر گفت:در جلسه روز پنجشنبه شورای اسلامی شهر بوشهر سرپرست شهرداری معرفی می شود و تکلیف گزینه نهایی تصدی شهرداری نیز در هفته آینده مشخص خواهد شد.
سخنگوی شورای اسلامی شهر بوشهر یادآورشد: تخصص، تجربه و توانمندی فرد از مهمترین ملاک های انتخاب شهردار جدید بوشهر است.

دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ۳۲۰میلیارد ریال کسری اعتبار دارد



بوشهر- رییس دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر گفت: این دانشگاه امسال ۳۲۰میلیارد ریال در بخش اعتبارات هزینه ای کسری دارد.
دکتر عبدالعلی ابراهیمی در آیین تودیع و معارفه رییس شبکه بهداشت و درمان شهرستان دشتی و رییس بیمارستان زینبیه خورموج افزود: اخیرا برای پرداخت بخشی از مطالبات پرسنل بهداشت و درمان استان بوشهر ۶۸میلیارد ریال اعتبار اختصاص یافته است که ۴۳میلیارد ریال آن در حال پرداخت است.
وی اضافه کرد: اما به علت مطابقت نداشتن شاخص های آماری موجود با واقعیت آماری، دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر به همراه سه دانشگاه علوم پزشکی استانهای قم، مازندران و ارومیه دارای بیشترین مشکل اعتباری و کسری اعتبار در بین دانشگاههای علوم پزشکی کشور هستند.
ابراهیمی گفت: برغم همه کمبودها و مشکلات با تلاش پزشکان و کارکنان بهداشتی و راه اندازی ۲۲پایگاه اورژانس جاده ای آمار حوادث مرگ و میر در استان بوشهر نسبت به سال گذشته ۵۰درصد کاهش دارد و این امر باعث شده که استان بوشهر جزء سه استان برتر کشور به شمار آید.
وی یادآور شد: نخستین مرکز تحقیقات سلامت جوانان با همکاری سازمان ملی جوانان در بوشهر راه اندازی شده است و بزودی نخستین مرکز زیست فناوری خلیج فارس نیز در بوشهر راه اندازی می شود.
ابراهیمی بیان کرد: استخدام نیروهای بهداشتی درمانی از ۳۰درصد نیروی بومی به ۸۵درصد افزایش یافته است و سهمیه پزشک متخصص نیز از ۱۶پزشک در سال به ۳۷پزشک متخصص در سال افزایش یافته است.
فرماندار دشتی نیز در این آیین بر توجه به توسعه کمی و کیفی و ارتقای سطح بهداشت و درمان به عنوان یک اولویت ویژه تاکید کرد و گفت: هشت دستگاه آمبولانس مدرن و مجهز برای بیمارستان، مراکز بهداشتی و درمانی و اورژانس های شهرستان تهیه شده است که در امر خدمات رسانی بسیار موثر است.
رضا جمشیدی از تخصیص ۱۲۰میلیون تومان اعتبار از محل اعتبارات نفت برای تجهیز بیمارستان زینبیه خورموج خبر داد و از تلاش پزشکان و کادر درمانی شهرستان تقدیر کرد.
در این آیین دکتر سید شریف حسینی به عنوان رییس جدید شبکه بهداشت و درمان شهرستان دشتی و دکتر محمد رضا صالحی به عنوان رییس جدید بیمارستان زینبیه خورموج معرفی شدند.

موافقت شورای شهر بوشهر با استعفای شهردار و انتصاب سرپرست شهرداری

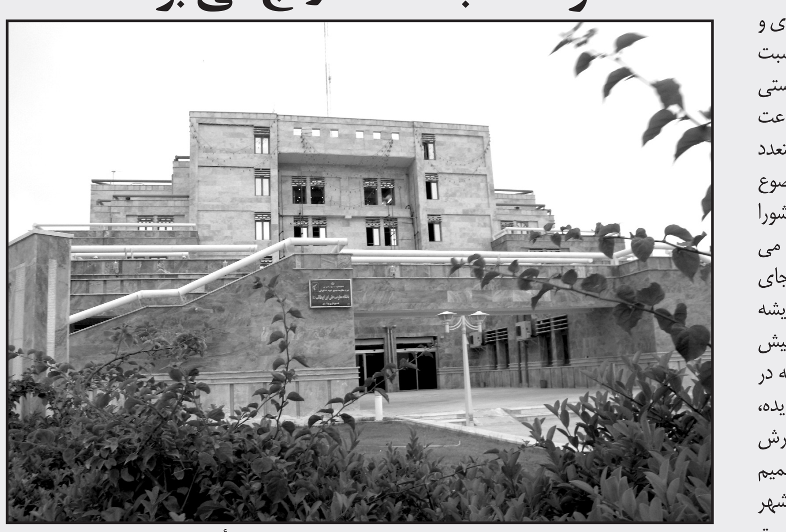


شورای شهر بوشهر در جلسه اضطراری خود با استعفای

شاپور رجایی از شهرداری بوشهر موافقت نمود. این جلسه در پی نامه رجایی به شورای شهر مبنی بر اینکه «دیگر توانایی اداره شهرداری بوشهر را ندارد»، تشکیل شد. رجایی ۵۰ روز پیش از شهرداری بوشهر استعفا داده بود، که گرچه شورا به طور ضمنی با استعفای وی موافق بود اما اتفاقات رخ داده در خصوص شرکت پیمانکار خدمات شهری و فرار این پیمانکار که برخی مدعی خسارت یک میلیارد و نیم میلیون تومانی شهرداری در این جریان هستند، باعث شد تا برخی از اعضای شورا بر این تاکید داشته باشند که تا مشخص شدن مسئول و مقصران این اتفاق، رجایی در منصب شهرداری بوشهر باقی بماند.
در این هفته کمیته حقیقت یاب شورای شهر در گزارشی، رجایی را به ناتوانی در اداره شهرداری و مسئول حادثه پیش آمده در خصوص مفقود شدن پیمانکار خدمات شهری دانست و خواستار پیگیری این موضوع شد. پس از آن رجایی با ارسال نامه ای به شورای شهر بوشهر، درخواست موافقت فوری شورا با استعفایش بدلیل «عدم توانایی اداره شهرداری» شد.
گویا تنها دو عضو شورا یعنی شکوهی و پوربهی با استعفای شهردار مخالف بوده و استعفای وی را منوط به مشخص شدن مسئولیت پذیرش زیان یک و نیم میلیاردی شهرداری در جریان مفقود شدن پیمانکار خدمات شهرداری، دانسته بودند که در نهایت با رای ۵ عضو باقی مانده، با استعفای رجایی موافقت می شود.
گفته می شود که شورای شهر در نظر داشته که فروزانی را به عنوان سرپرست شهرداری منصوب نماید که بدلیل عدم پذیرش از سوی وی، حکم سرپرستی فضل الله توسلی مدیر پیشین امور اداری شهرداری و از نیروهای باسابقه این شهرداری صادر شده است.

گزارش کمیته حقیقت یاب شهرداری بوشهر

شهرداری بوشهر از کمبود نیروی متخصص و کارآمد و در رأس آن یک مدیریت توانمند به شدت رنج می برد



جناب آقای اردشیر محمدی باغملایی
رئیس محترم شورای اسلامی شهر بوشهر
سلام علیکم، با احترام ؛ به استحضار می رساند در پی ابلاغ شماره ۱۲۴۵/ ش مورخ ۸۸/۷/۲۵ حضرتعالی که به استناد مصوبه ی دویست و سی و سومین جلسه ی علنی شورا (روز سه شنبه مورخ ۸۸/۷/۲۱) صادر گردیده بود، اینجانب به اتفاق آقایان سیامک احمدی و داریوش پوربهی در شهرداری مستقر و نسبت به رسیدگی و بررسی موضوع درخواستی شورای محترم اقدام نمودیم. پس از ساعت ها صرف وقت ، بررسی اسناد و مدارک متعدد و مصاحبه با افراد مطلع و درگیر با موضوع ، اکنون گزارش هیات ۳ نفره منتخب شورا جهت هرگونه اقدام لازم تقدیم حضورتان می گردد . در این گزارش تلاش گردیده تا به جای یافتن یک یا چند کارمند خاطی ، به ریشه های اصلی تخلف پرداخته و از هرگونه پیش داوری خودداری شود ، زیرا همان گونه که در ابلاغ مکتوب جنابعالی نیز به آن اشاره گردیده، وظیفه ی این هیات صرفاً ارائه ی گزارش روند شکل گیری این تخلف بوده و تصمیم گیری نهایی به عهده ی شورای اسلامی شهر بوشهر خواهد بود. آن چه که مشخص است و نمی توان از آن به راحتی عبور کرد این حقیقت تلخ اما واقعیت انکار ناپذیر است که شهرداری بوشهر از یک بیماری مزمن – که همانا کمبود نیروی متخصص و کارآمد و در رأس آن یک مدیریت توانمند، خلاق و همه جانبه نگر می باشد – به شدت رنج می برد که در اولین قدم ساماندهی منابع مالی و انسانی آن، از مهم ترین و اساسی ترین فعالیت هایی است که شورا و شهرداری می بایست به انجام آن همت گمارند .
البته این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که تغییرات و رفت و آمدهای مدیریتی اگر منطقی و حساب شده نباشد بدترین و مهلک ترین سم در یک سیستم سازمانی به شمار می رود و در این رهگذر زمزمه ی انتقال و جابجایی شهردار که متأسفانه از سال گذشته تا کنون توسط ایشان و نزدیکان وی بارها و بارها درمحافل خصوصی و عمومی مطرح گردیده و فضای عمومی را به خود مشغول نموده در ایجاد این گونه نابسامانی ها و بی نظمی ها دخیل بوده و باعث بی ثباتی و عدم نظارت و کنترل کافی گردیده و به نظر می رسد در این مدت کشتی شهرداری بدون قطب نما و سکان حرکت نموده که اکنون رساندن آن به ساحل سلامت ، زمان زیاد و درایت بالایی را طلب می کند . با ذکر این مقدمه اینک به روند شکل گیری تخلف صورت گرفته در پرونده مورد اشاره می پردازیم .
شرکت خدماتی جنوب ساحل کیان با مدیریت آقای سیروس نیکو درسال ۸۶ به عنوان پیمانکار خدمات شهری منطقه ی ۲ فعالیت خود را در شهرداری آغاز می نماید . پس از یکسال از فعالیت های ایشان و اعلام رضایت ازعملکرد شرکت تحت مدیریت وی ، شهرداری پیشنهاد می نماید تا شرکت مذکور علاوه برانجام امور خدمات شهری در منطقه ی۲، خدمات خود را که شامل جمع آوری زباله ، ضایعات ، نظافت و پاکسازی (تنظیف معابر) ، لایروبی و شستشوی کانال ها (روباز و روبسته) و جداول سطح منطقه وحمل آن ها می باشد، به منطقه ی۱ شهرداری نیز گسترش داده و قرارداد منعقده را – البته در صورت برنده شدن در مناقصه– از یک سال به پنج سال افزایش دهد. همه ی اقدامات قانونی این مسیر تا حدود زیادی انجام گرفته و فعالیت شرکت مذکور از تاریخ ۸۷/۹/۱ به عنوان پیمانکار خدمات شهری مناطق ۱ و ۲ آغاز می گردد. در این مدت تعداد اندکی خودرو نیز توسط ایشان اجاره و به جمع ناوگان خودرویی اضافه می گردد .
البته همان گونه که به یاد دارید، بر اساس ادعای مدیران شهرداری به هنگام تصویب لایحه مربوطه در صحن شورا، مقرر گردیده بود که برنده مناقصه ی خدمات شهری پس از عقد قرارداد ، خود رأساً اقدام به خرید خودرو های حمل زباله نماید که در حال حاضر مالک خودروها فرد دیگری است که اسناد مالکیت خودروها را نیز در اختیار داشته و ادعا می کند با شرکت کیان ساحل جنوب صرفاً قرارداد همکاری دارد .
براساس بند ۴ تصویب نامه ی مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۷ هیأت محترم وزیران ، شهرداری ملزم به افتتاح حساب مشترک نزد یکی از بانک ها با پیمانکار خدمات شهری برای پرداخت حقوق و مزایای کارگران بوده که این بند حیاتی و مهم را رعایت ننموده و عملاً زمینه چنین تخلفی فراهم گردیده است .
هم چنین در نیمه ی اول مهر ماه سال جاری اسناد ضمانت نامه ی بانکی پیمان مذکور به مبلغ دو میلیارد و نهصد و هفتاد میلیون ریال که به شماره ۹۸۴۵ مورخ ۸۷/۹/۵ بانک سپه شعبه بندر بوشهر صادر گردیده و در پرونده این شرکت نزد مدیریت مالی شهرداری نگهداری می گردیده به طرز ماهرانه ای از پرونده خارج و در تاریخ ۸۸/۷/۱۲ بدون هیچ گونه معرفی نامه ی کتبی از جانب شهرداری که البته از شرایط لاینفک ابطال هم می باشد توسط بانک سپه ابطال گردیده و به فاصله چند روز بعد از آن آقای سیروس نیکو مدیر عامل شرکت کیان ساحل جنوب ناپدید می گردد.
از آن جایی که تبانی در انجام این تخلف میان سه ضلع کارکنان شهرداری ، پیمانکار و بانک محتمل می باشد لذا پیگیری و تشخیص فوری این مهم توسط مراجع ذی صلاح ، مورد انتظار این هیات می باشد .
مضافاً این که نگهداری اسناد و مدارک مالی و تعهد آور در ادارات دارای اصول ، ضوابط و مقرراتی است که در شهرداری بوشهر متأسفانه نه تنها از قبل ، بلکه در حال حاضر نیز رعایت نگردیده و در صورت ادامه ی روال کنونی، تکرار چنین وقایع تلخی دور از انتظار نمی باشد . از جمله تخلفات دیگری که لازم است به آن هم اشاره نمود استفاده چندین ساله از مهر باطله در سیستم مالی شهرداری ، علی رغم ساخت مهر جدید است . طرفه آن که ابطال اسناد ضمانت نامه مورد اشاره نیز دقیقاً با استفاده از همین مهر باطله انجام گردیده که طبق اطلاع مدتی نیز در همین اثنی مفقود می گردد .
این هیات پیشنهاد می نماید شورا به منظور جلوگیری از وقوع اتفاقات غیر قابل جبران بعدی به شهردار محترم در خصوص اصلاح روند موجود، آموزش کارکنان و اختصاص مکان مناسب و ایمن جهت نگهداری اسناد و سوابق تذکر جدی دهد .
طبق اعلام شهرداری میزان پرداختی به شرکت مذکور از ابتدای پیمان تاکنون مبلغی بالغ بر ۲۳ میلیارد ریال بوده که علی رغم دریافت مطالبات خود تا پایان مرداد ماه از پرداخت حقوق ماه های تیر و مرداد کارگران خودداری نموده و اکنون شهرداری در صورتی که بخواهد حقوق از دست رفته کارگران بخش خدمات شهری را جبران نماید باید مبلغی بالغ بر دو میلیارد ریال پرداخت نماید که متاسفانه اگر ضمانت نامه سرقت شده موجود بود اکنون هیچ مشکلی برای جبران این خسارت وجود نداشت .
از دیگر تخلفات صورت گرفته که البته ربطی به این پرونده نداشته اما حکایت از تخلفات عدیده و روابط نا سالم اداری در شهرداری دارد ، پاسخ مثبت به نامه ی استعلام پلاک شماره ۴ و ۳۸۸۷/۱ است که بدون رعایت تشریفات قانونی و در قبال اخذ یک قطعه چک فاقد اعتبار از آقای سیروس نیکو صادر گردیده و این درحالی است که پاسخ به استعلام پلاک مذکور
می بایست پس از طرح موضوع در کمیسیون ماده صد و پرداخت مبلغی حداقل بین یک میلیارد و دویست میلیون ریال تا دو میلیارد و پانصد میلیون ریال صورت می پذیرفت.
لازم به یادآوری است که شهرداری در این مدت اگر چه اقداماتی را برای پیگیری و استیفای حقوق خود انجام داده اما به نظر می رسد با توجه به گستردگی ابعاد موضوع و تبعات سوء ناشی از این تخلف ، لزوم پیگیری جدی تر و خارج از روال مناسبات معمول اداری را دو چندان می کند. در این راستا پیشنهاد می گردد در اولین فرصت کمیته ای ویژه در شهرداری تشکیل و ضمن بررسی چالش های موجود ، ساماندهی فعالیت ها و انجام اقدامات مؤثر ، گزارش مستمر عملکرد هفتگی خود را به شورا و شهرداری ارائه نماید .
۱- مسعود شکوهی – رئیس هیات منتخب
۲- سیامک احمدی – عضو هیات منتخب
۳- داریوش پوربهی – عضو هیات منتخب

حادثه دریایی خارگ و مدیریت توجیهی آقای رییس

سایت خبری تحلیلی بُنا: دوشنبه شب ۱۸ آبان ، صدا و سیمای استان بوشهر حادثه تلخ غرق شدن اتوبوس دریایی در مسیر خارگ – گناوه که به کشته شدن سه تن از هموطنان انجامید را با حضور راستاد رئیس اداره بنادر و کشتیرانی بوشهر بررسی کرد.
در این حادثه که بدلیل کمبود امکانات اعم از کشتی ناجی و هلی کوپتر، این اداره در هیچیک از عملیات امداد و نجات توفیقی نداشت و این در حالی بود که جناب رئیس به جای قبول محدودیت امکانات و مدیریت ضعیف خود، علنا سعی درمدیریت توجیهی این حادثه داشت. وی در حالی از تمامی عملکرد زیرمجموعه خود در این حادثه دریایی دفاع کرد که تمامی عملیات نجات و حتی یافتن اجساد دو گم شده بعد از هشت روز تماما توسط قایق های ماهیگیری گناوه صورت گرفت.
وی مسئولیت خروج این اتوبوس دریایی با مجوز صادر شده از نماینده ایشان در اسکله خارگ را متوجه ناخدای این شناور دانست. این شناور که ظرفیت هیجده مسافر دارد با مجوزاین اداره بیست و پنج مسافر سوار می کند. و این سوال را برای بینندگان باقی میگذارد که آیا ناخدا می تواند هر تعداد مسافر را با مسئولیت خود سوار کند و این اداره هم مجوز بدهد. و اگر همه مسئولیت ها به گردن ناخدا است پس این تایید مجوز برای چیست.
وی در توجیه اینکه چرا بعد از گذشت زمانی حدود سه ساعت از حادثه، هیچ عملیات نجاتی صورت نگرفته و کشتی نجاتی به محل حادثه اعزام نگردیده، نه تنها دلیلی برای این گفتن ندارد که حتی این زمان تاخیر را نیز به زیر سوال می برد و این در حالی است که مصاحبه ای با ماهیگیرناجی پخش می شود و وی تمامی ماجرا را شرح می دهد.
وی عدم تخصیص اعتبار جهت نوسازی ناوگان دریایی و سنگ اندازی های اداری را در حالی منکر میشود که به گفته بخشدار خارگ از دو سال پیش به این سو، هیچگونه وامی با وجود متقاضیان فراوان صادر نگردیده است. وی در حالی از عملکرد بانک دفاع می کند که در حرفهایی متناقض ، از تغییر بانک عامل بدلیل عدم همکاری و سنگ اندازی خبر می دهد. وی همچنین از وجود شناوری که با هزینه شخصی خریداری شده و در این مسیر تردد می کند اظهار بی اطلاعی می کند.
وی حتی اظهارات بخشدار خارگ آقای حیدری و گلایه ایشان از مدیریت توجیهی وی و عدم پاسخگویی صریح ایشان را با پاسخی توهین آمیز، احساسی می خواند و وی را که خود در رشته دریانوردی تحصیل کرده غیر کارشناس می خواند!
وی با قبول اینکه تعدادی زیادی از عملیات های نجات در دریا توسط ماهیگیران و قایق های صیادی اشان صورت میگیرد بدون تشکر و قدر دانی، تقدیر از این ناجی های گمنام را در مراسم هایی کشوری و نه استانی وعده داد!
اظهارات توجیهی ایشان تا بدان جا پیش رفت که حتی مجری برنامه از سخنان وی به ستوه آمده و لب به اعتراض گشود و برنامه در حالی پایان یافت که هیچ پاسخ قانع کننده ای از طرف ایشان به بینندگان داده نشد. وی در این برنامه از گفتن حتی تسلیت به خانواده غرق شدگان این حادثه هم سر باز زد.

یکهزار و ۹۰ کیلومتر شبکه گاز رسانی در استان بوشهر انجام شد

مسوول روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر گفت: تاکنون ۹۰کیلومتر شبکه فولادی و یکهزار کیلومتر شبکه پلی اتلین گاز در این استان انجام شده است.
فرشید باغبان نژاد در گفت وگو با ایرنا افزود:هم اینک عملیات گاز رسانی در همه ۹ شهرستان استان بوشهر فعال و روند گاز رسانی نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار است.
وی با بیان اینکه گاز رسانی به شهرهای استان بوشهر از مصوبات سفر استانی هیات دولت است اظهارداشت : در راستای اجرایی کردن این مهم در مهرماه امسال ۲۲کیلومتر لوله فولادی و پی اتیلن برای خطوط تغذیه و انتقال انجام شد.
باغبان نژاد گفت: براساس مصوبه دور دوم هیات دولت در بهمن ماه سال ۸۶ باید تا پایان سال ۸۹به شهرهای این استان گاز رسانی شود که روند اجرای این مصوبه از برنامه زمان بندی جلوتر است.
این مقام مسوول اضافه کرد:با گاز رسانی به ۱۴ شهر و ۲۹ روستای استان بوشهر اکنون ۱۱ هزارو ۳۴۴خانوار این استان دارای گاز طبیعی لوله کشی هستند.
رییس روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر یادآورشد: این شمار مشترکین در قالب نصب ۲۴ هزارو ۳۳۱ علمک در شهرستان های جم، دیر ، کنگان، دشتی و بوشهر سکونت دارند.
باغبان نژاد اضافه کرد:به منظور فراهم کردن زمینه بهره مندی مردم از انرژی پاک گاز رسانی به سه جایگاه دو منظوره و تک منظوره CNG در شهرهای بوشهر و خورموج مرکز شهرستان دشتی انجام شده است و آماده بهره برداری است.
این مقام مسوول گفت: همچنین گاز رسانی به نیروگاه گازی بوشهر نیز در راستای صرفه جویی در مصرف گازوییل و بنزین انجام شده است و بزودی به بهره برداری خواهد رسید.
رییس روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر افزود:هم اینک ۱۴صنایع عمده اعم از پالایشگاهها، نیروگاهها و پتروشیمی های مستقر در منطقه عسلویه از مشترکین شرکت گاز استان بوشهر هستند.
باغبان نژاد گفت: تا پایان نیمه نخست امسال سه میلیاردو ۷۸۷ میلیون متر مکعب گاز در استان بوشهر مصرف شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۶۰درصد افزایش یافته است.
وی یادآورشد:بودجه مصوب سالجاری شرکت گاز استان بوشهر ۲۲۰ میلیارد ریال است که در بین شرکت های گاز استانی از نظر مبلغ رتبه ششم را به خود اختصاص داده است.
رییس روابط عمومی شرکت گاز استان بوشهر گفت: از مجموع اعتبارات شرکت گاز استان بوشهر ۴۵میلیارد ریال برای گاز رسانی به شهرها و حدود ۱۰ میلیارد ریال نیز مربوط به گاز رسانی به روستاهای واجد شرایط است و مابقی نیز برای اجرای خط انتقال، تغذیه، گاز رسانی به صنایع و بخش عمرانی این شرکت هزینه خواهد شد.

رییس مسکن وشهرسازی بوشهر:

متقاضیان از طرح مسکن مهر استقبال نمی کنند

رییس سازمان مسکن و شهرسازی استان بوشهر گفت: متقاضیان مسکن مهر از اجرای این طرح در استان استقبال نمی کنند و همین امر جایگاه استان بوشهر را در شاخص های ارزیابی پایین آروده است.
به گزارش ایرنا، علی مقاتلی شنبه در نشست شورای تامین مسکن افزود: این در حالی است که زمین مورد نیاز برای اجرای این طرح تامین شده است و عملیات اجرایی نیز آغاز شده و به مردم اطمینان لازم در این خصوص داده شده است.
وی اظهار داشت: این امر سبب شده است در روند اجرای طرح با مشکلاتی مواجه شویم و از تعاونی های مسکن مهر بطور رسمی درخواست کردیم برای حل این مشکل راهکاری اساسی ارایه کنند. مقاتلی بااشاره به کوتاهی تعاونی ها در این خصوص بیان کرد: زمین واگذار شده است، پروانه ساخت گرفته شده و آماده سازی نیر آغاز شده است اما تعاونی ها برای انعقاد قرارداد اقدام نمی کنند و این مساله تعارض های زیادی را در ارزیابی ها ایجاد کرده است.
وی ادامه داد: این کوتاهی تعاونی ها مشکل ساز شده است و فرمانداران باید با جدیت این مساله را کنترل و پیگیری کنند.
مقاتلی یادآور شد: همچنین مقرر شده بود دستگاه های خدماتی نظیر آب و برق و گاز برای کمک به تعاونی های مسکن، طراحی داخلی آماده سازی را انجام دهند که برغم پیگیری ها انجام شده تاکنون اقدامی در این خصوص نشده است. وی اضافه کرد: باتوجه به اینکه در دولت دهم تاکید بیشتری برای تسریع در اجرای طرح مسکن مهر شده است، تاخیر جایز نیست باید قراردادهای منعقد شده با تعاونی ها هرچه سریعتر اجرایی شود.
مقاتلی گفت: از ۵۰ هزار واحد مسکونی که در کشور در دهه مبارک فجر به بهره برداری می رسد، ۹۶ واحد اجاره به شرط تملیک مسکن جوانان در قالب مسکن مهر در استان بوشهر است. وی اضافه کرد: همچنین ۱۴۴ واحد مسکونی ساخته شده توسط بنیاد مسکن در اختیار مسکن مهر قرار گرفته است که در دهه فجر به بهره برداری خواهند رسید.

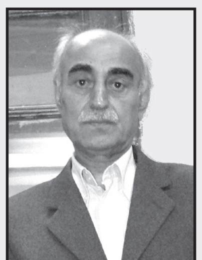
سه داستان نویس دیر بوشهر در مسابقات کشوری برگزیده شدند

مسوول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شهرستان دیر گفت: سه داستان نویس عضو این کانون در مسابقات داستان نویسی کشور به عنوان برگزیده انتخاب شدند.
به گزارش ایرنا، زهره ظفرمند در جمع اعضای این کانون افزود: از ۲۱ داستان نویس دیری که در این مسابقات شرکت کردند، نسترن رنجبر، عاطفه جهانگیری و شکیلا قنبری در گروه سنی" د" توانستند در مسابقات داستان نویسی "بهشت" مقام برگزیده کشوری را از آن خود کنند.
وی اظهار داشت: برای این افراد لوح تقدیر به همراه جوایز نفیسی در نظر گرفته شده است.
ظفرمند یادآور شد: همچنین به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی نمایشگاه بزرگ کتاب و سرگرمی فکری کودکان از ۲۴ آبان تا سوم آذر در این کانون برپا می شود.
وی ادامه داد: در این کانون ۹هزار و ۴۷۸ جلد کتاب با موضوعات مختلف موجود است که ۵۶۷عضو عادی و طرح کانون مدرسه از امکانات این کانون برخوردار می شوند.

شماره ۵۶۹ یک شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

محمد آذری (شاعر و نویسنده):

صداقت و درستکاری هنری، مهمترین دلیل ماندگاری آتشی



– به نظر شما مهمترین ویژگی شعر زنده یاد منوچهر آتشی چیست؟

– زمینه ساز اولیه ذهنی آتشی در شعر، محیط جغرافیاییِ ایران یعنی جنوب و بوشهر است. سه کتاب اول آتشی بیشتر شاعرانه است و بیشتر با زمینه های اقلیمی اش هماهنگی دارد ولی کتابهای اواخر آتشی بیشتر ذهن گرایی و یک نوع تجدید نظر در کارهای گذشته اش است.

– جهان بینی آتشی را چگونه ارزیابی می کنید؟

– آتشی جهان بینی عامی داشت؛ در وهله اول، جهان بینی او انسانهای محرومی بودند و در واقع بیشتر طبقات محروم جامعه را در بر می گرفت و شعرهای آتشی بیشتر جهان بینی عام بود. آرزوی آتشی رسیدن به جهانی خوشبخت و مردمی خوشبخت و آزاده بود؛ آرزویش تنعم و بهروزی برای جامعه اش بوده چرا که در خصوصیات اخلاقی آتشی چنین چیزی وجود داشت و هم در کارهای هنری اش. او آرزوی خوشبختی و بهروزی برای جامعه اش می کرد.

– به نظر شما شعر استاد آتشی به کدام یک از شاعران ایران زمین نزدیکتر است؟

– آتشی به هیچ شاعری جز خود منوچهر آتشی شباهت نداشت یعنی شعرهایش که به شاعران دیگر گرایشی نداشت البته درست است که راه نیما را می پیمود و در شعرهایش نظرگاه نیمایی داشت اما به نظر من آتشی همواره خود آتشی بود که برخاسته از یک منطقه گرمازده با مردمانی بسیار ساده، معقول و انسان دوست بود. با مردمانی بسیار خوب و مثل دریا، پاک و چون برخاسته از این خاک است هیچ گاه شعرهایش نزدیک به شاعری دیگر نبوده است البته در زمانی که فروغ فرخ زاد خیلی شهرت پیدا کرد و خیلی ها تحت تاثیر فروغ فرخ زاد شعر گفتند یکی دو شعر از آتشی زبان فروغی پیدا کرد.

– فکر می کنید دلیل ماندگاری منوچهر آتشی در فضای ادبی کشور چیست؟

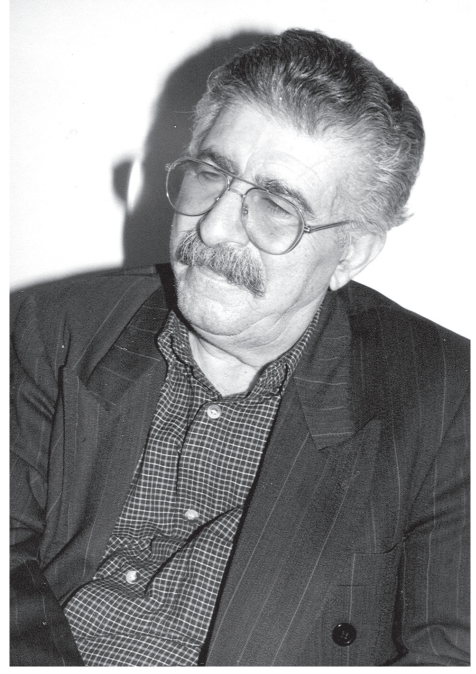
– صداقت و درستکاری هنری شاید مهمترین دلیل بر ماندگاری او باشد. هر هنرمندی که با خودش صادق باشد آن صداقت، در کار هنری اش هم به کمکش می آید. آتشی به دنبال مقام، پول یا موقعیتی نبود؛ او با همه مثل دوست و برادر زندگی کرد بنابراین همه شعرهایش از یک صداقت و درستی مُلهِم می شود. او در همه عمرش مثل کف دست زندگی کرد و به نظر من علت ماندگاری آتشی صداقتش است، البته هر شاعری از گذشته تا به امروز چند شعرش ماندگار خواهد ماند نه همه شعرهایش و ممکن است آتشی هم با گذشت زمان تعدادی از شعرهایش ماندگار بماند و به نظر من شعرهای آخر او ماندگاری نخواهد داشت، چون از یک ذهنیت تو در تو سرچشمه گرفته و آهنگ دیگر و میعاد در فلق و آواز خاک ماندگارتر خواهد ماند.

همیشه ی روزگار به درد و رنج گرفتاریم

به یاد آتشی که شاعر درد و رنج زمانه بود

ناصر علیخواه





صاف و صادقانه بگوییم: بازمانده نسلی هستم که در دهه ۳۰ در مقطع اول دبیرستان (کلاس هفتم) آن روز دانش آموز آتشی بودم، و این آشنائی زمنیه ساز چندین دهه علاقه مندی بین دونسل متفاوت دانش آموزی و معلمی پیوند خورد. تا حادثه ی تلخ و دلخراش درگذشت او در بیمارستان دی تهران که خیل عظیمی از خویشان و دوستان درآن روزهای پرتلاطم که آرزوی بهبودی وی داشتند، که مقدر نشد و او را از کنار حاضرین و منتظرین با چشمان باز بدرود گفت و...

شاید باورش قدری دور از ذهن به نظر برسد ولی همیشه استثناها تاثیر گذار ترین شکل برداشت های انسانی است. صمیمت و برخورد داریش بدون چشم داشت همه ی آنهائیکه از نزدیک با او در ارتباط بوده اند به این واقعیت معترفند که این گونه گرایش ها در طول زمان همراه بود، از آموخت ها و بهره مندی از فرهنگ و خرد و توانمندی وی که جزو وجود ذاتی ما شده بود. هنگامی که به چشمه زلال آب گوارا و جوشان و خروشان او نزدیک می شدی و آن روحیه مردمی و دانا محوری را در او می دیدی یک کنش و واکنش های مسئولیت پذیری در مخاطب زنده می کرد.

آتشی هم از آن آدم هائی بود که دوست داشت نسل جوان مستعد را به تعلیم و تربیت اجتماعی اش با رهنمودهائی دل سوزانه خود بها بدهد تا از این طریق دین خود را نسبت به مردم جامعه اش که ثمره اش جوانان دیارش بود، اهتمام خود را به انجام رسانده باشد. نسبت به مردم احساس وظیفه می کرد.

منحصر بفردترین هنرمند (شاعر) زمانه خود بود که نسبت به جاری کردن ذهن و زبان جوانها هر چه داشت در طبق اخلاص برای فراگیری آنان هزینه می کرد. از مال و مقام دنیوی فارغ البال گشت و به آبادی و جاری کردن چشمه جوشان جوانان و علاقمندان به شعر و فرهنگ وقت می گذاشت.

آتشی در بهم پیوستن ظرایف معنی و لفظ مهارتی بسزا دارد و نمونه این گونه اشعار او همان قطعه آهنگ دیگر که در آغاز کتاب آمده است.

حافظ نیم تا با سرود جاودانم/ خوانند یا رقصند ترکان سمرقند/ابن یمینم پنجه زن در چشم دختر، مسعود سعدم روزنی را آروز مندم/ من میروم تا شاخه دیگر بروید.

آتشی می گفت: «همه رویدادها و برخوردها و اظهار نظرها در خاطر تاریخی ذهنم در یک طبقه بندی خاص قرار گرفته و غلو آمیز شفیعی کدکنی و اسماعیل خوئی هم بی نصیب نماندم». که نشانی از فراست و ذکاوت اوست. او اضافه میکند شاعر فقط باید کارخودش را بکند و راه خودش را برود و هرگز از طبیعت شاعری فراتر نرود و درباره داروی زمانه هم گفته اند: حدیث خوب و بد ما نوشته خواهد شد، زمانه را سند و دفتری است و دیوانی است. او از فن نگاه کردن کاملا آگاه بود.

دیدگاه شاعران درباره آتشی: آتشی در میان شاعران متأخر از معدود شاعرانی است که شعرش مورد توجه اصحاب شعر قرار گرفته است. محمد علی سپانلو درباره شعر آتشی می گوید: او یک رمان تیسم مردانه است، آتشی بخاطر پیوند عوامل بومی با روح فرهنگ ملی بخاطر لیاقت و استعدادش شاعری است خدمتگزار و پاسدار فرهنگ وجدان ملی و از شاعران صاحب دید این ملک می شود که تعدادشان اندک است و کمیابند.

جواد مجابی: آتشی در شعر هیچگاه خصلت و محرومیت فضای روستائی ایام روستا نشین خود را توأم با صداقت و پندار نیک اندیشی در جان مایه دارد، از دست نداده و به یاد آن روزها و زندگی تلخ و محرومیت و مظلومیت جامعه بی سرانجام روستا را از دیدگاه زجر دیده خود همراه در روح و جسم خود زنده می کند. مثل نیما، نگاه زیرکانه و آشنای خود را به زوایای مختلف روستا از جلو چشمان به تفکر وامیدارد و به یاد می آورد که: کاش بودم باز دور از هر کسی، چادری و گوسفندی و سگی.

آتشی از بارزترین خصوصیاتش علاقه مندی و پای بند بودن به شعر دشتی و دشتستان و منطقه زادگاه خود بوده، هر چند که با اشاره های مختلف که چگونه و با کدام سبک و سیاق شعری و یا از کدام یک از شاعران دهه ۳۰ تحت تأثیر سروده شعری خود قرار داده اید که ضمن بر شمردن شاعرانی همچون مشیری، نادر پور و توللی و... سرانجام به فایز که میرسد او را دردمندترین شاعر سرزمین خود معرفی می کند و در همه جا در آثار خود فایز را بعنوان الگوی درد و رنج زمانه خود معرفی می کند. و با شوق و ذوق هر چه بیشتر او را مظهر پاکی و صداقت و آزاد اندیشی می پندارد. و در چند و چونی با فایز که از عشق پری و بی وفائی زمانه و درد هجران و رنج زندگی فایز سروده فایز را بعنوان نماد عشق راستین سروده که در نوع خود مورد توجه و تأئید اصحاب قلم قرار گرفته است. و معتقد است که: فایز منحصر بفردترین دوبیتی سرا بعد از بابای همدان رباعی سرا دو هزار سال قبل است که هنوز طنین غمناک غم و رنج زمانه فضای درونی ما را یادآور آزردگی زمانه را می نمایاند که به عنوان نماد راستین عشق سروده در نوع خود بی نظیر است و همواره مورد توجه شاعران و نویسندگان و مردم نیز قرار گرفته است. و در حقیقت بیان درد و رنج زمانه من و اوست:عمو فایز! پری دیدی، پریشان شد خیالت، پری رفت!/ پری با توبدی کرد! بیابان گرد مجنونم، پریشان مرد صاحب درد/ هم روستا! فایز، غم سنگین، غم تلخت، همین بود! چه شیرین بود، اگر این بود آخر. در کنگره فایز از آتشی سئوال می شود که در گفتاری همه ترانه سرایان جنوب را دعوت به سرایش شعر فایزانه کردید خودتان نیز آیا این راه رفته اید؟ او در پاسخ می گوید: «بله من با فایز بزرگ شده ام،شعرهای او بخشی از دوران کودکی من است. چنین است که در ترانه و دوبیتی نیز جا پای فایز بگذارم. فایز الگو و اسطوره ترانه سرائی جنوب ایران است»

و آنگاه چند ترانه سردوه خود را می خواند:

بلا گردون چشمان تو، سرنا/ فدای برق دندان تو سرنا / اگر صد گوهر جان داشت می کرد/ نثار لعل خندان تو، سرنا.

از آتشی درباره غزل سرائی و چرا به غزل کمتر پرداخته سئوال شده که در جواب می گوید: «ضمن ارج نهادن به غزل که هنر خالصانه ادبیات ما را تشکیل میدهد و اکثر شاعران و بزرگان ادبیات ما جان مایه شوی آنان نیزمحسوب می شود و دوستداران فراوانی دارد ولی من این هنر بزرگ که حافظ و بسیاری دیگر از شاعران و سردمداران قلعه شعر فارس، با ظرافت و احساس خاص به فرهنگ ما عرضه داده اند من بصورت تفنن به آن می نگرم و بعضاً نیز زمزه ای کرده ام. از جمله در آغاز کار شاعریم چند غزل سروده ام از جمله:

ترا دیدم سخن بر لب شکستم /پری دیدم نقاب عقل بستم / بیا بردامنم چون ژاله بنشین/ که من چون لاله در راهت نشستم... این غزل خیلی مورد توجه قرار گرفت ولی من به دنبال گم گشته خود نیما بودم. من با سایه نوگرائی نیما برگسترده شعر افتاده بود آشنا شدم و من با کشف این سایه های معطر خیلی سریع با ژرفای تفکر «نیمائی» آشنا شدم و شعرهائی سرودم که در سال۱۳۳۸ آهنگ دیگر را به چاپ رساندم بنابراین نیما معلم واقعی و اصلی من است و من یکی از شاگردان خلف او هستم و نمونه هائی از آن اشعار نیمائی اشاره می کند: من در سفر زاده ام، در کوچ طایفه خزان زده آدم ها، در بعضی عاطفه های وحش تاریک...

و یا: تکرار کن! تکرار کن فروغت را و رهائی را/ نیما بود که سخن را به حلاوت جدیدتر همراه با درد و درمان مردم جامعه زمان خود همراه کرد، طرحی دیگر انداخت و شعر را از پراکندگی و مستی رهائی بخشید.

و این اندیشه های درونی نوید و همراه من شد تا این که پس از این موارد و تحصیل روحی و فکری سرودم شعری با عنوان آهنگ دیگر که در ابتدای کتابم (آهنگ دیگر) آمده است و شعر با این ابیات آغاز می شود.شعرم سرود پاک مرغان چمن نیست/ تا بشکفد از لای زنبق های شاداب / در کلبه چوبین شعرم می پذیرم / افسانه می پردازم از جغد...

فهرست منابع

۱– گزینه اشعار منوچهر آتشی انتشارات مروارید۱۳۶۵
۲– آهنگ دیگر ۱۳۳۹ انتشارات
۳– پلنگ ریزاشکن نوشته فرخ تمیمی ۱۳۷۵
۴– دیدگاه شاعران درباره آتشی – فرخ تمیمی
۵– آتشی در مسیر زندگی نوشته سید قاسم یا حسینی انتشارت شروع ۱۳۸۲

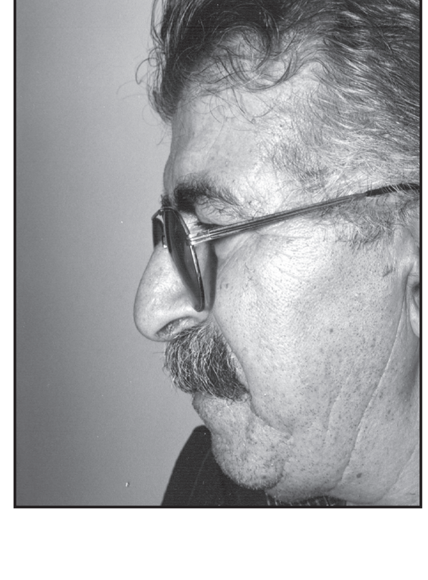
هم سخنی با شاعر بزرگ منوچهر آتشی

چرا شعر ایران جهانی نشده...؟!

محمد کاظمی-دیر

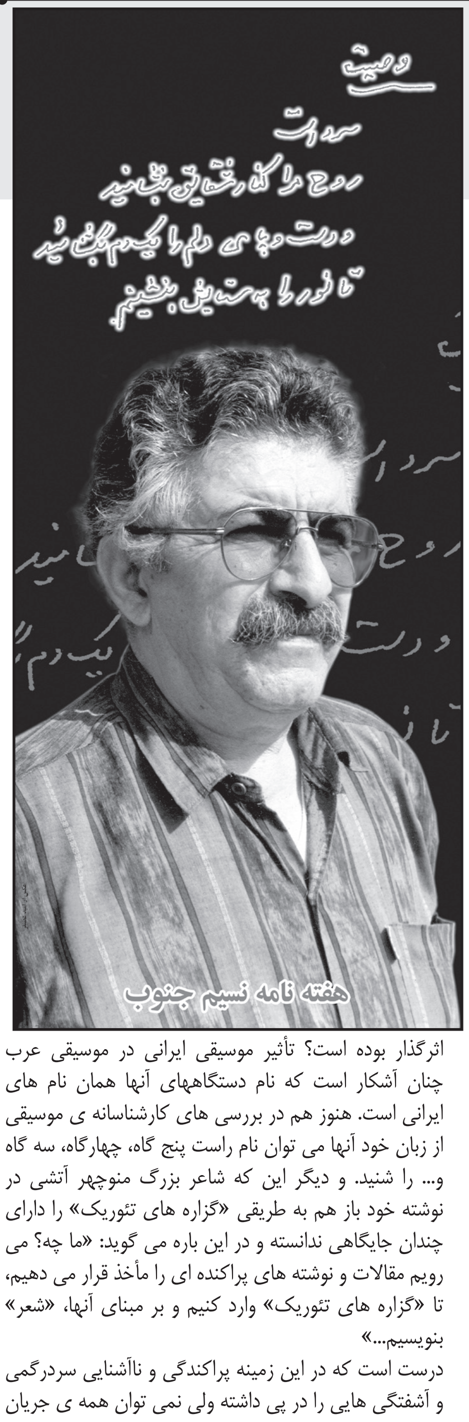
اشاره: در شماره های نخست نسیم جنوب، این نشریه این پرسش را با خدابیامرز منوچهر آتشی درمیان گذاشته بود: «چرا شعر ایران جهانی نشده؟!»و آتشی که نسیم را خانه ی خود می دانست و بخشی از مقالات و شعرهای خود را درآن منتشر می کرد، به این درخواست و اقتراح نسیم پاسخ گفت که پاسخ آن جاودان یاد واکنش مرا در پی داشت. همزمان با خواندن پاسخ او قلم را به دست گرفتم و این پاسخ را نوشتم ولی در میان نوشته های بی سرانجام من ماند و چاپ نشد تا این که خبر بزرگداشت او را شنیدم و در جست و جوی اوراق پراکنده آن را دیدم و تصمیم گرفتم که آن را برای نسیم بفرستم تا یاد و خاطره ی آن روزها را زنده کنم.

همان گونه که منوچهر آتشی می گوید: «به گمانم بیش از ۳۰ سال است، این پرسش در مقاطع مختلفی، یا به مناسبت هایی تکرار شده و می شود... چرا شعر ایرانی جهانی نشده...؟! چرا داستان نویسی ایران جهانی نشده...؟!» و هزار و یک سئوال دیگر که تقریباً هر شاعر و نویسنده و آشنای ادبیات امروز با آن دست به گریبان است. پرسش هایی از این دست ما را بر آن داشته تا به تاریخ خود یعنی روزگاران ایران نگاهی داشته باشیم تا شاید برای پرسش ها که با هویت ایرانی ما سر و کار دارد پاسخی بیابیم. همان طور که پاسخ آتشی نیز ما را به گذشته ی خود با همه ی فراز و نشیب هایش می برد. طبیعی است که ما خود را با عرب ها و ترک ها که در همسایگی ما زندگی می کنند ارزیابی کنیم و از خود سئوال نماییم که چرا عرب ها و ترک ها توانسته اند شعر و ادبیات خود را در جهان صاحب نام و عنوان نمایند. به عنوان مثال چرا نجیب محفوظ نویسنده مصری، جایزه ی نوبل را می گیرد و آثارش به زبان های زنده ی دنیا ترجمه می شود، حال آن که نویسندگان ایرانی سالها کوشش کرده اند ضمن توجه به دستاوردهای جهانی و بومی نمودن این دستاوردها، دست به آفرینش سبک و سیاقی بزنند که ریشه در ادبیات خودمان دارد ولی همه این کوشش ها و دستاوردها از چشم جهانیان دور مانده، به عنوان مثال هوشنگ گلشیری با کارهای قابل عرضه ای که دارد هم چنان درمیان وطن خود و در میان آشنایان داستان به عنوان نویسنده ای معرفی می شود که در زبان و فرم تجربه هایی را به داستان نویسی اضافه کرده، ولی در ترجمه تا امروزه روز، کاری از پیش نرفته که بتواند برآیند کوشش های او در فرم و زبان و داستان ایرانی باشد. طبیعی است که از خلال ترجمه ی آثار بزرگ ادبی جهان می توان دست به یک مقایسه تطبیقی زد و به این امر اذعان کرد که بعضی از نویسندگان امروز ایران توان برابری و عرض اندام با برخی از نویسندگانی که نوبل را دریافت کرده اند را دارند. علاوه بر این ها می توان گفت که بسیاری از نویسندگان که موفق به دریافت جایزه نوبل شده اند، محاق فراموشی آن ها را در برگرفته و آثارشان خوانده نمی شود. ولی بعضی از نویسندگان که از دریافت جایزه نوبل باز مانده اند هم چنان خواننده دارند و کارهای آنها روز به روز مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است.



زنده یاد منوچهر آتشی در ادامه پاسخ خود از دو قرن سکوت فرهنگ ایرانی پس از اسلام سخن می گوید. می توان این پرسش را پیش کشید که آیا دو قرنی که خلفا بر ما حکومت می کردند برای ما دو قرن سکوت بوده و فرهنگ ایرانی در سکوت و خاموشی مطلق روگار می گذرانده؟ و آیا ما صرفاً «ربع و اطلال و دمن عرب » را آبیاری می کرده ایم؟ پژوهشگران ایرانی پاسخ های دیگری هم به این پرسش داده اند ، درست است که زبان فارسی در این دو قرن با سکوت و خاموشی همراه می گردد و در حوزه ی زبان فارسی کاری انجام نمی گیرد که با آن امپراتوری که روزگار عظمت خود را از دست داده بود تناسب داشته باشد، ولی نهضت ترجمه در این دو قرن دارای کارکردی است که می تواند جنبه های از خاموشی و سرخوردگی زبان را جبران نماید. در این دوران ایرانیان اندیشه مند به دربار خلفا رفتند و اگر چه اغلب کارهایی که انجام می دادند تابع منویات و خواست خلفای عرب بود و کمتر کاری صورت می گرفت که از متن جامعه ی ایرانی برخاسته باشد، ولی از خلال نهضت ترجمه یعنی بازگردان کتاب های پهلوی به زبان عربی بخشی از فرهنگ ایرانی را به جامعه عرب انتقال دادند تا جایی که خلفا نوروز و جشن های ایرانی را پاس می داشتند و تا آن جا پیش رفتند که خود و شیوه ی حکومتی خود را به پادشاهان ساسانی نزدیک کردند و امروزه آن دوران را باید یکی از بهترین دوره های ترجمه فرهنگ ایرانی به زبان عربی دانست. ترجمه های ابن مقفع (روزبه دادویه) در این زمینه مثال زدنی است.

آتشی می گوید: «این نکته را هم باید در پاسخ پرسش اول می نوشتم که: پس از فتح اندلس (اسپانیا) به دست مسلمانان، آنها– عرب ها– چنان عرصه های فرهنگی یی به وجود آوردند که ما امروز می فهمیم ریشه ی زیبا شناختی و زبانی شاعرانی چون لورکا، البرتی و... حتی رمبو در فرانسه در اشعار مردمان و زنان اعراب در اندلس (در قرن نهم و دهم میلادی) تشخیص داده شده است». آیا صرفاً آن چه به اسپانیا رفته عربی بوده؟ عرب ها نخبگان و فرهیختگان کشورهای تازه مسلمان را در اختیار داشتند و همه ی هنرها و علوم و فنون و کشورهای غیرعرب را به نام خود صادر می کردند. پس نمی توان گفت آن چه به اندلس رفته صرفاً عربی بوده. به عنوان مثال در حوزه ی موسیقی شرقی، زریاب به عنوان یک موسیقی دان موسیقی را به اسپانیا برد و به موسیقی آن دیار اثر گذاشت. «زریاب موسیقی دانی است ایرانی و وی به اندلس می زیست و نزد اهل اندلس منزلت اسحاق بن ابراهیم موصلی را دارد، در صنعت غنا و معرفت وی بدین علم...»۱ با توجه به این که زریاب موسیقی ایرانی را به اندلس برد آیا نمی توان گفت که موسیقی او در شعر و ادب آن دیار که ملازم موسیقی بوده اثرگذار بوده است؟ تأثیر موسیقی ایرانی در موسیقی عرب چنان آشکار است که نام دستگاههای آنها همان نام های ایرانی است. هنوز هم در بررسی های کارشناسانه ی موسیقی از زبان خود آنها می توان نام راست پنج گاه، چهارگاه، سه گاه و... را شنید. و دیگر این که شاعر بزرگ منوچهر آتشی در نوشته خود باز هم به طریقی «گزاره های تئوریک» را دارای چندان جایگاهی ندانسته و در این باره می گوید: «ما چه؟ می رویم مقالات و نوشته های پراکنده ای را مأخذ قرار می دهیم، تا «گزاره های تئوریک» وارد کنیم و بر مبنای آنها، «شعر» بنویسیم...»



درست است که در این زمینه پراکندگی و ناآشنایی سردرگمی و آشفتگی هایی را در پی داشته ولی نمی توان همه ی جریان ها و همه ی گزاره های تئوریک را بی مبنا دانست و ترجمه ی آن ها را به زبان فارسی اقدامی فرخنده ندانست. از میان این ترجمه ها که جریان های فلسفی ادبی را به ما شناسانده اند ترجمه هایی یافت می شودکه شعر و داستان و نقدها را از ایستایی و رکود نجات داده و به تحرک واداشته. به عنوان مثال کتاب های عرفان و رندی داریوش آشوری و گمشده ی لب دریا نوشته تقی پور نامداریان را می توان برآمده از جریان تئوری های فلسفی و ادبی و گزاره های تئوریک دانست که جریان حافظ شناسی را به مسیر دیگری هدایت کرده اند. اگر چه زنده یاد آتشی هم در شعر دستی داشت و هم در نقد ولی جامعه ی ادبی با پاسداشت نقدهای او آتشی را شاعری بزرگ می داند شعرهای او در درازنای زمان خوانندگان بسیاری را به خود خواهد خواند.

۱ لغت نامه دهخدا مدخل زریاب

شعر آتشی از زندگی اش جدا نبود

امید غضنفر



مهترین ویژگی شعر استاد آتشی – همان گونه که بسیار گفته اند و نوشته اند– بومی گرایی، بهره جویی از عناصر طبیعت جغرافیای جنوب و ذهن و زبانی اقلیمی است که فضای غالب اشعار او در آثار اولیه اش نظیر: «آهنگ دیگر»، «آواز خاک»، و «دیدار در فلق» محسوب می شود و به نوعی همچون نیما که از برخی واژه ها و عناصر بومی و ویژگی های اقلیمی در اشعارش بهره گرفت، آتشی نیز با اسب سفید وحشی اش به راه می افتد و قلم را به مثابه یک دوربین به کف می گیرد تا در عبور از دشت و کوه و مسیله، تصاویری ناب را از طبیعت زادبوم اش ثبت کند. در شعر " بوشهر، دوباره بوشهر" او با قلم دوربین اش در کوچه های " قهر و آشتی" بوشهر قدیم حرکت می کند و تصاویری حیرت انگیز را ثبت می کند و سطرهای شعر به مثابه فریم هایی هستند که نماهایی نوستالژیک را در برابر دیدگان ما به تصویر می کشند.

شعر آتشی از زندگی و شخصیت اش جدا نبود. " فروغ"در مصاحبه یی به برخی شاعران اشاره کرده که فقط شعر می گویند شاعرند، اما آتشی در لحظاتی هم که شعر نمی سرود، شاعر بود و شاعرانگی ناب که در رگارگ او جاری بود، در روابط اجتماعی اش نیز رخ می نمود. صداقتی که در شعرو شخصیت آتشی فوران می کرد و عدم رویکرد او به بازیهای عبث زبانی و چیستان های تقطیع شده و زبانی روان و آهنگین، شعرش را در لایه های مختلف اجتماع منتشر کرد.آتشی برخلاف برخی مرکز نشینان پُر های و هوی، اهل یارکشی و محفل بازی و نوچه پروری نبود. او با اعتقاد به ضرورت انسجام اهالی قلم و تنش زدایی، همواره در تلاش بود تا "گسستن" را به "پیوستن" بدل کند و "فصل" را به "وصل". در عرصه ی ادبیات، او به مرزبندی "خودی" و "غیرخودی" اعتقادی نداشت و براساس همین باور، در میان دوستان و اطرافیان او طیف ناهمگونی را از هوشنگ گلشیری تا سهیل محمودی و از سیمین بهبهانی تا فاطمه راکعی را می توان برشمرد. این ارتباط گسترده با طیف های مختلف فکری در کنار ارزش ها و ویژگی های شعری، دانش گسترده و خصوصیات والای انسانی اش، مانایی و محبوبیت آتشی را در فضای ادبی رقم زد.

به سنت ها احترام می گذاشت هر چند شاعر مدرنی بود

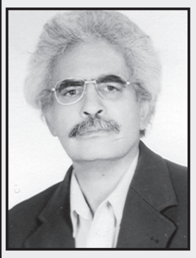
حمید اباذر (شاعر و روزنامه نگار)



آتشی یکی از برجسته ترین شاعران بوشهر در بومی سرایی ست. همان گونه که در ادبیات کشور چهره هایی چون نیما و برخی دیگر از نوپردازان به بومی سرایی پرداختند، آتشی از این عنصر مهم بهره های فراوانی برده است. طبیعت و روستا در شعر آتشی شکل خاصی دارد. به نظر من دلیل تاثیرگذاری شعر آتشی موضوع بومی بودن اشعار اوست. هر شاعر موفقی در ذهن مردم ماندگار خواهد بود، آتشی نیز چون شاعر موفقی ست مردم نیز او را دوست دارند. البته من اشعار اسب سفید وحشی و عبدوی جَط را موفق ترین اشعار او می دانم و اگر بگوییم که این دو شعر از برجسته ترین اشعار ادبیات فارسی ست راه دوری نرفته ایم هر چند دیگر آثار استاد از نظر معانی و بیان، اشعار بسیار قابل توجه در نزد ادیبان و منتقدان است.هر شاعر یا هنرمندی علاوه بر اینکه اثرش می تواند دلیلی بر محبوبیت او باشد شخصیت حقیقی اش در همان عصری که زندگی می کند نیز می تواند محبوبیتش را افزایش دهد. رفتار آتشی با مردم به خصوص جوانان متواضعانه بود. او به سنتها احترام می گذاشت هر چند شاعر مدرنی بود.

آتشی بال گشود

سید اسماعیل بهزادی (شاعر)



من هم مثل بقیه معتقدم که مهمترین ویژگی شعر استاد بومی گرایی است. آنجا که می گوید: «تو ظریفی/ مثل گلدورزی یک دختر عاشق/ که دل انگیزترین گلها را/ روی رو بالشی عاشق خود می دوزد» استاد در اشعارش آن چنان این عناصر را بیان می کند که گویی خود هنوز به آن اعتقاد دارد «پس خواهرم ستاره چرا در رکابم عطسه نکرد».

درباره دلیل ماندگاری استاد آتشی در فضای ادبی کشور باید گفت که استاد آتشی ۵۰ سال با شعرش حاکم دل و جان دوستدارانش بود، مرواریدی بود در صدف دلها هر چند می گفت «سعدی نیم که بال گشایم برآفاق» اما گشود با در نظر گرفتن مسعود سعد بودنش و«روزنی را آرزومند» اما در حقیقت آتشی، آتشی بود با همه خصلت هایی که داشت مردمی بود و درون مردم ماندگار شد. به عقیده من شعر ماندگار با خوب بودن شاعرش ماندگارتر می شود.زبان شعری استاد آتشی از آهنگ دیگر تا آخرین سروده اش تقریباً یک دست بود. استاد نه چون شاعران دیگر بعد از یک یا دو اثر زبان شعری خود را پیدا نکرده اند، بلکه از آهنگ دیگر زبان شعری مشخصی را پیدا و دنبال کردند و حتی سعی در تغییر دادن آن نکرده اند، زیرا زبانی که کامل باشد نیازی به تغییر نیست و امیدواریم زبان فاخرش سرمشی برای جوانان ایران و به خصوص جوانان این دیار باشد.

عوامل ماندگاری شعر آتشی:

اندیشه انتقادی، زبان عمیق، تنوع واژگانی، طبیعت گرایی



علی هوشمند اظهار داشت: اگرچه نیما بیش ترین بهره را از نمادها و نشانه‌های طبیعت زنده شمال برد و به جرات یکی از طبیعت گراترین شاعران معاصر است، شعر آتشی نیز آغوش خود را بر طبیعت خشک و خشن جنوب گشوده است.

هوشمند یادآورشد: در شعر آتشی طبیعت، نه در حد واژگان و عبارات، بلکه به عنوان شبکه‌ای منسجم از ارتباطات تصویری و بیانی مورد استفاده قرار گرفته است. طوری که طبیعت شعر آتشی، زنده است و با مخاطب خود حرف می‌زند.

به گفته وی بیش از ۵۰ سال سرودن مدام و خلاقیت ادبی، باعث شده منوچهر آتشی در ردیف پیش روترین شاعران معاصر قرار گیرد. هوشمند، اندیشه انتقادی، زبان عمیق، تنوع واژگانی، طبیعت گرایی، تخیل ناب و موسیقی روان را از جمله عوامل ماندگاری شعر آتشی در بین دوست داران فرهنگ و ادبیات فارسی ذکر کرد.

سردبیر هفته نامه‌های پیام عسلویه اضافه کرد: منوچهرآتشی، به دلیل این که ذاتا شاعر است و شعر تا اعماق جان او نفوذ کرده و ریشه داونده، به طبیعی‌ترین شکل ممکن از تشبیه و استعاره و کنایه و دیگر عناصر تخیل استفاده کرد.

او یادآور شد: شعر آتشی ناب و بکر است که از هر گونه تقلید و تکرار به دور است و سرشار از تخیل‌های شاعرانه است.

این شاعر معتقد است: زبان شعر آتشی در کتاب‌های اولیه‌اش یعنی "آهنگ دیگر"، "آواز خاک"، "بر انتهای آغاز" و "دیدار در فلق " زبانی است فخیم، آهنگین و خشن که موقعیت فرهنگی و اجتماعی جنوب را به بهترین شکل ممکن بازتاب داده است.

شاعر «از نستعلیق گیسوان حوا» تصریح کرد: اما مجموعه‌های آخر آتشی یعنی کتاب های "حادثه در بامداد"، "اتفاق آخر" و " زیباتر از شکل قدیم جهان" این شعار توانسته زبانی شهری و مدرن تر را در شعر تجربه کند.

به اعتقاد هوشمند، زبان مجموعه‌های "گندم و گیلاس "و " وصف گل سوری " را نیز می‌توان پل ارتباطی میان آثار قدیم و اخیر منوچهر آتشی دانست.

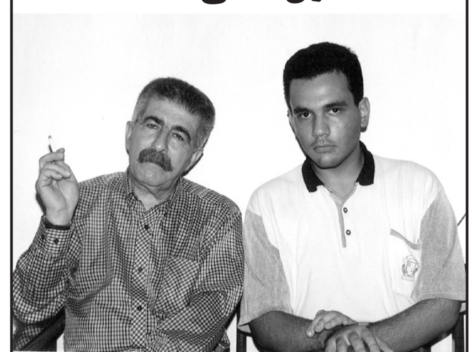
وی گفت: آتشی به عنوان شاعری پیش رو و یک چهره فرهنگی، همواره استقلال فکری خود را حفظ کرد و نسبت به جزیی‌ترین مسایل اجتماعی نیز حساسیت نشان داد.

هوشمند افزود: دو شعر "خنجرها، بوسه ها، پیمان ها" و " ظهور" که به نام "اسب سفید وحشی" و "عبدوی جط" شناخته می‌شوند دو شعر ماندگار آتشی است که برای همیشه در ذهن مردم باقی خواهند ماند.

وی با بیان این که آتشی به حساسیت و رسالت اجتماعی شاعر اعتقاد داشت، گفت: آتشی هیچ گاه اندیشه‌اش را به صورت ظاهری، یک لایه و رو شده در شعر ارائه نداد، بلکه او به جوهره ادبیات اعتقاد داشت و تفکر انتقادی‌اش را در زیر لایه‌های زبان، فرم و تصویر به نمایش می‌گذاشت.

نسیم جنوب ۴
ویژه سالکوچ
استاد آتشی
شماره ۵۶۹ یک شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

صداقت در شعر آتشی، حرف اول را می زند



سیامک برازجانی (شاعر): مهمترین ویژگی شعر آتشی، بهره بردن و بهره گیری بسیار گسترده از فضای اطرافش است. بیشترین شاخصه ای که در شعر آتشی وجود دارد بهره گیری های گسترده ای ست که از فضای اطرافش دارد به خصوص اشعار عاشقانه اش و به همین دلیل بود که حجم اشعار منوچهر آتشی در نیمه دوم شعرشان بسیار بالاتر بود و هم به سمت پدید آوردن زبان، حرکت کرده که ناشی از بهره گیری گسترده وی از طبیعت اطرافش بوده که همراه با صداقت آتشی سروده شده و باعث آفرینش شعرهای بزرگ و ماندگاری شده است. زبان، در شعر آتشی در دو مرحله قابل بررسی ست یکی در نیمه اول دوران شعری شان یعنی از دهه ۳۰ تا اواسط دهه ۶۰ که زبان به تبعیت از جریانهای اجتماعی حرکت می کند و به سمت آرکائیزم پیش می رفته و این گونه زبان بیشتر به سمت زبانی حماسی گونه حرکت داشته و بیان رشادتهای قهرمانان بومی در زبانی حماسی چون عبدوی جط، رئیسعلی دلواری و ... را نشان می دهد. ولی در نیمه دوم شعر آتشی که همنشینی بیشتری با زیبایی های طبیعت اجتماع دارد و باعث شد که از آن بیان سنگین و زبان آرکائیزم فاصله بگیرد، بزرگترین شاخصه ای ست که بین این دو دوره وجود دارد. صداقت، در شعر آتشی حرف اول را می زند و دلیل محبوبیت شعر آتشی این بود که ما هرگزبا دو شخصیت متفاوت در آتشی شاعر و شخص آتشی که وجهه اجتماعی دارد روبرو نبودیم. آتشی هیچگاه شخصیت مجزا و پنهانی از خودش نداشت و قطعا جامعه ای که اقلیت همواره در مناسبات فرهنگی سعی در از بین بردن صدای اکثریت جامعه دارد، هم قدر چنین شخص بزرگی را می داند.

زبان خود شاعر

زهرا رضایی طرهانی (شاعر و نویسنده) : طبیعت گرایی در شعر آتشی مهمترین ویژگی بود چرا که به طبیعت گرایی اهمیت زیادی می دادند، ضمن اینکه به رشد صنعتی در مقابل زوال طبیعت اهمیت می دادند و حس و حال خاصی در شعرشان بود که در



شعرهایشان به وضوح دیده می شود.
نگاهی که ایشان به صنعتی شدن روزگار دارد به گونه ای بود که مخالف صنعتی شدن نیست بلکه با توجه به اینکه صنعتی شدن خیلی از چیزها را نابود می کند، مخالف از بین رفتن طبیعت می باشد. به نظر من زبان شاعر روان، ساده ، گرم و صمیمی ست زبانی که زبان خود شاعر است و انگار از کسی قرض نگرفته باشد .
مردمی بودن شعر آتشی هم به خاطر صداقت در کلام، روان بودن کلام که موجب بیشتر شدن ارتباط مخاطب می شد. اما تصویرهای زیبایی هم که در شعرهایش می ساخت خیلی مهم بود. "بر کاج سفید، کلاغ، کلمه ای ست سیاه"
شاعر تشبیه سازی قشنگی دارد که باعث جذب مخاطب به سمتش می شود. شعر آتشی به دل می نشست و انگار که شعر را حس می کردی گویا وجود شاعر را احساس می کردی.

پیوند با طبیعت و اقلیم زادبوم خود

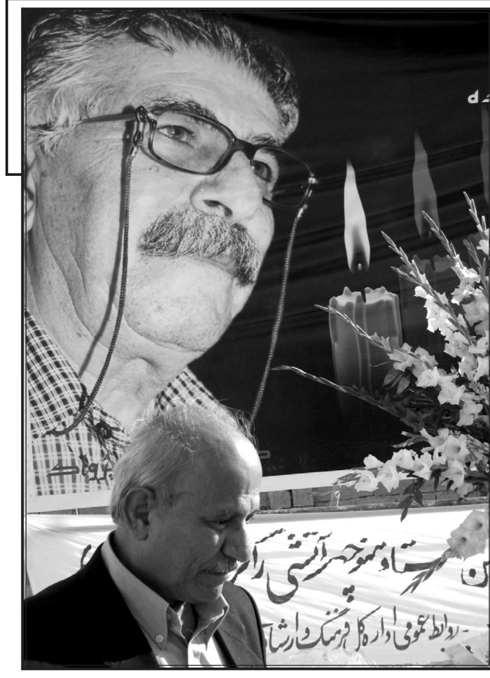
مهری کرمی (شاعر) : مهمترین ویژگی و خصوصیات شعر آتشی پیوند با طبیعت و اقلیم زادبوم خود بود بدون اینکه در ورطه تعصب و بوم گرایی در جا بزند، مثل مارکِز در عین اینکه ابزار و واژگانش طبیعی و روستایی بود به شدت جهانی و ملموس و امروزی می نمود همچنان که روح عُصیان گر آتشی بر خلاف خواستگاه اجتماعی



اش به تحسین و تجلیل «عبدوی جَط» که یک نفر از فروترین طبقات اجتماعی منطقه بود می پردازد. زبان آتشی مجموعه ای از تغزل، عشق به طبیعت و بدون اینکه به شعار نزدیک شود مردمی بود. زبان آتشی به دلیل تسلط بالایش به زبان و ادبیات فارسی، غنی از عناصر زیبایی شناسی و استتیک بود. مردم گرایی در زبان آتشی بدون تاثیر از فضای سیاسی خاص دوران متفاوت مثل رودخانه ای جاری و ساری ست و این سَیالیَت نه تنها ما که فضای بومی و اقلیم آتشی را لمس می کنیم بلکه برای کلیه شعر دوستان و مخاطبان شعرش لذتبخش و قابل دستیابی ست.
رابطه تنگاتنگ طبیعت و انسان در شعر آتشی و همچنان که مشهود است عدم موضع گیری در مقاطع خاص و روابط شخصی و عاطفی آتشی، موجب محبوبیت شعر آتشی ست و دیگری ویژگی برجسته معلمی اوست که می گویند شغل انبیاست؛ در سرزمینی که طی قرون، بخش عظیم دانسته های ما سینه به سینه به ما رسیده تحصیل علم، شفاهی ست و به همین خاطر است که معلمی منزلتی آسمانی می یابد.

آتشی محبوب و ماندگار

دکتر سید جعفر حمیدی



مهمترین ویژگی زبان آتشی

مهمترین ویژگی زبان آتشی را می توان در چند بعد بررسی کرد، حرکت ، وسعت و موسیقی. شعر آتشی دارای حرکت است سکون و یکنواختی در شعر او دیده نمی شود و شعرش محدود نیست، گستردگی واژه ها، تسلط برآهنگ ها و زنده بودن کلمات به شعر آتشی روح زنده و توقف ناپذیر داده اند، چنانکه خواننده از زبان آهنگین و موسیقایی شعر او خسته نمی شود.

زبان شعر آتشی

آتشی در طول دوره شاعری به زبان مختص به خود دست یافته است. چنانکه شاملو، اخوان، فروغ و سهراب نیز به زبان شاعری خود رسیده بودند. چنانکه می دانیم، فراتر از زبان معمولی روزمره، زبان دیگری وجود دارد که آن زبان شعر است. البته نه تنها در شاعری در تمام هنرها این موضوع تحقق می یابد که هنرمند، نویسنده، نمایش نامه نویس و دارنده هر هنری زمانی موفق است که به کشف زبان خویش برسد. زبان در حقیقت همان سبک است. همان روش بیان است چنانکه می گوییم زبان سعدی با زبان حافظ تفاوت دارد و شیوه بیان مولوی با نظامی متفاوت است. شیوه زبان باید به جایی برسد که شعر بدون ذکر نام شاعر برای خواننده قابل تشخیص باشدکه بداند این شعر از حافظ است، از شاملو، سهراب یا از آتشی است و منوچهر به این مرحله رسیده بود که شعرش حتی بدون ذکر نام شاعر برای خواننده آشنا و قابل شناسایی است.

اقلیم گرایی آتشی

اقلیم گرم و مدیترانه ای منطقه بوشهر برشعر و زبان آتشی تأثیر فراوان گذاشته است. طبیعت دست نخورده جنوب و عناصری که قبلاً در اشعار هیچ شاعری با این پیامد بالا معرفی نشده اند مثل نخل، گز، دشت، دره، دریا، گزدان، شتر، شتربان، کرمجی، کچه، شروه، خرگ، چله، ناطور، همچنین واژه های وحشی و سرکشی مثل پلنگ، پلنگستان،کوچ، قریه، گرگ، خار، پرچین، زاغ، مار و بسیاری دیگر در شعر آتشی، هم نقش اقلیمی شعر او را قوی کرده اند و هم به شعر او زیبایی خاصی داده اند. موضوع اقلیم گرایی آتشی. موردی نیست که او را فقط پای بند و دل سپار به کارگیری ادبیات اقلیمی صرف نماید، بلکه او ضمن احترام و عشق به این حوزه، از این بُعد جغرافیایی نیز پا را فراتر نهاده و یک شاعر سرزمینی و زمینی شده است. کتاب های آخرین آتشی دلیلی براین مدعا است.

جهان بینی شاعرانه آتشی

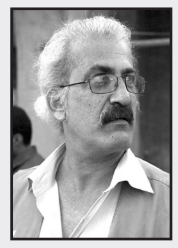
جهان بینی شاعرانه منوچهر آتشی در بیشتر اشعارش می توان احساس کرد من کجائیم؟/ کجاست/کشورم/ شهر، کوی،کوچه، خانه ام؟(دیدار در فلق)
مرد از غلاف کهنه چشم اندازش/ سُر می خورد درون زمان ها و خاطره ها (تا آخرین چکاوک)
هر چه از کتاب های اولیه آتشی فاصله می گیریم، جهان بینی و حتی جهان وطنی او وسعت بیشتری به خود می گیرند و آتشی تا آخرین روزهای حیاتش از شعرش زبانش و مردمش و جهان، فاصله نگرفت.

دلیل محبوبیت و ماندگاری شعر آتشی

دلیل محبوبیت مردمی شعر آتشی را در چند بعد می توان بازگو کرد. اولاً آتشی شاعری بود متواضع، مردمی و مردم دار. هیچگاه شکوه نام، او را سست نکرد، غرور شاعری در وجودش بود اما اهل تکبر نبود و همیشه به بوشهری بودن، روستایی بودن و ایرانی بودنش افتخار می کرد. همین خصلت های مردمی در شعر او نیز تأثیر نهاده و او را و شعر او را به محبوبیت مردمی رسانده است.
زبان آتشی، ساده، روان، پر از تشبیه و استعاره و درپاره ای موارد راز آلود و پر از رمز و راز است. آتشی در طول دوران شاعری خود کوشیده است تا زبان خود را به روز کند. این تحول در زبان باعث شده تا آتشی جامعه خود را فراموش نکند و همراه با جامعه گام بسپارد و اجتماع خود را فراموش ننماید و از اولین شعرهای خود در آهنگ دیگر یاد آور شده است که: « من یار آنانم که زیر آسمان کس یارشان نیست» اگر چه بعضی به این مصرع خرده گرفته اند و انتقاد کرده اند، اما گفتنی است که یاری کردن شاعر، بالا بردن سنگ و آجر به کمک دیگران نیست و منظورش ساختن کلبه ای برای بینوایان هم نیست، همین که شاعر درد جامعه خود را بیان می کند وظیفه اش به پایان رسیده است. شاعر باید بگوید و بگوید و یاوریش همین بیان اندوهان روزگاران است و دلیل ماندگاری آتشی در فضای ادبی یکی این است و دیگر در فضای ادبی تثبیت شدن و مستحیل گردیدن است.

فراز و نشیب های زندگی آتشی

پرویز هوشیار



مرحوم منوچهر آتشی شاعر نام آشنا، نوپرداز و شهیر معاصر در سال۱۳۱۲ در "دهرود سفلی" از روستاهای بوشکان از توابع شهرستان دشتستان به دنیا آمد.
بعد از مدت کوتاهی سکونت در دهرود مجبور به مهاجرت به "سَمَل" یکی دیگر از روستاهای شهرستان دشتستان می شود. مرحوم آتشی همیشه می گفت: " زندگی در سمل" برای من خیلی شیرین بود. با انتقال پدرش به کنگان، ساکن کنگان شده و در آنجا در سن ده سالگی وارد "مکتب خانه "می شود. به علت سن بالای او برای نشستن در کلاس اول دبستان و هوش و ذکاوتش، او را در کلاس دوم دبستان ثبت نام می کنند. پس از دو سال سکونت در کنگان به تبع انتقال پدرش به بوشهر از راه دریا به بوشهر مهاجرت کرده و در همین بوشهر مدرک ششم دبستان خود را از مدرسه گلستان و سوم دبیرستان(سیکل) را از دبیرستان سعادت اخذ می نماید.
مرحوم آتشی در دوران تحصیل در دبیرستان سعادت، فعالانه در کارهای تهیه روزنامه ی دیواری و نوشتن و اجرای تئاتر شرکت داشته اند. پس از اخذ مدرک سیکل(سوم دبیرستان) به دانشسرای مقدماتی شیراز جهت ادامه تحصیل رفته و در همان شهر توسط یکی از دبیران خود جذب فعالیت های سیاسی می شوند.
در سال۱۳۳۳ تحصیل در دانشسرای مقدماتی شیراز را به پایان رسانده و بنا به تعهدی که به اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) داده اند به عنوان آموزگار در مدرسه پهلوی مشغول به کار شده و پس از چند سال تدریس در کنکوری که برای معلمین شاغل گذاشته بودند، شرکت کرده و در سال ۱۳۳۸ به اتفاق مرحوم محمد رضا نعمتی زاده (شاعر نوپرداز بوشهری)، در دانشسرای عالی تهران پذیرفته شده و پس از چهار سال با اخذ درجه لیسانس زبان انگلیسی، با ارتقاء به شغل دبیری به بوشهر برگشته و به تدریس زبان انگلیسی در دبیرستان های بوشهر می پردازد و چون محیط محروم استان را مناسب فعالیت های ادبی – فرهنگی خود ندیده، پس از دو سال تدریس در بوشهر درخواست انتقال به تهران را می دهد.
چند سال بعنوان دبیر در دبیرستان های قزوین و تهران تدریس می کند تا به درخواست سازمان رادیو و تلویزیون به آن سازمان انتقال یافته و تا سال۱۳۶۱ که مجبور به بازنشستگی می شوند در آن سازمان مشغول به کار بودند.



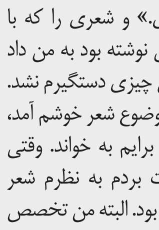
با چاپ اولین شعر مرحوم استاد آتشی در سال۱۳۳۳ در مجله فردوسی، ظهور شاعری نوپرداز و توانا در سردون شعر به مجامع ادبی آن زمان اعلام می شود.
اولین مجموعه شعر مرحوم آتشی به نام «آهنگ دیگر» به همت محقق بزرگ و ارجمند"رضا سید حسینی" به چاپ می رسد و با چاپ آن مجموعه، تولد شاعری نیمائی، متعهد و پویا، شاعری که در بیشتر اشعارش بار موضوع فقر، محرومیت، گرما و فرهنگ روستائی با توجه به طبیعت خشن و سرکش پیرامون خود در قالب کلماتی محلی همسو با آن دیار فریاد می زند را نوید می دهد.
تحقیق و تفحص علمی و اصولی در زندگی مرحوم آتشی، فراز و نشیب های هنری و اجتماعی او و پروسه تطور و تحول فکری و هنری استاد آتشی نیاز به تخصص و دانش خاصی دارد که نه در توان این راقم و نه در مجال این مقال است.
دوازده مجموعه شعر از مرحوم آتشی به جا مانده که هر کدام چندین بار تجدید چاپ شده اند. به جرأت می توان گفت چندین مجموعه شعر از دست نوشته های بجامانده از مرحوم آتشی قابل چاپ است،که متاسفانه تاکنون هیچ کار خاصی در رابطه با تنظیم و آماده نمودن آنها برای چاپ صورت نگرفته است.
مجموعه شعر" اتفاق آخر" استاد آتشی بعنوان کتاب سال انتخاب شده، و از طرف رادیو و تلویزیون، به عنوان چهره ی ماندگار مورد تقدیر قرار گرفت.
علاوه بر سرایش شعر، نوشتن مقالات اجتماعی و نقد و بررسی شعر و نثر مرحوم آتشی، توانمندی خاصی در ترجمه نیز داشت، ترجمه رمان "فونتامارا" نوشته نویسنده ایتالیائی "اینیاتسیوسیلونه"(از روی این کتاب فیلمی به همین نام ساخته شده است) و "جزیره پنگوئن ها" را انجام داده که در سال۱۳۴۶ ترجمه "جزیره پنگوئن ها"جایزه ترجمه برتر را به خود اختصاص داد.
غزلیات و رباعیات مرحوم آتشی توسط شاعر و محقق ارجمند آقای «زنگوئی نژاد» جمع آوری شده و در کتابی به نام "باران برگ ذوق" به چاپ رسیده است. استاد در سالهای آخر عمر پر عزت خود چند کتالب در نقد و بررسی اشعار بزرگ معاصر (نیما یوشیج، اخوان ثالث، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد) نوشته و به چاپ رساندند.
حضور استاد آتشی در تهران دو جنبه، مثبت و منفی داشت که هر کدام تبعاتی نیز برای استاد، بوجود آورده بود. جنبه های مثبت آن حضور استاد در بین بزرگان شعر و ادب بود و دسترسی به امکانات و عوامل مختلف موثر در چاپ و انتشار کتابهایش و سهولت در ارتباط با مسئولین و علاقمندان به انتشار نوشته های استاد. و جنبه های منفی آن اجبار در انجام کارهای مختلف غیر مرتبط با شعر و شاعری در جهت کسب درآمد و تامین مخارج سنگین هزینه های زندگی یک خانواده که گاهاً مجبور بود غیرمنظم و غیر موظف در چند جا کار کند و خستگی حاصل از این کارها، اثرات مستقیم در چگونگی سرودن شعر برای او داشت و همچنین ایجاد محیط پراسترس و غیر متعارف تهران که هر روز او را پیرتر و پیرتر می کرد و بر رنج ها، آلام و... می افزود و همین موجب مرگ زودهنگام او و خاموش شدن یکی از شاخه های سرایش شعر نو شد.
مرحوم آتشی تا آخرین لحظه ی حیات با تمام مشکلات عدیده ی مالی و جسمی، بدون کوچکترین وقفه به کارهای ادبی و هنری خود ادامه داده و سرشار از امید به آینده ای روشن فکر می کردند. مرگ او لطمه ای بزرگ بود (مرگ چنین خواجه نه کاری است خرد).
واگویه ی خاطره ای کوتاه از همراه بودن با استاد در پایان این مقال خالی از لطف نیست.
جهت اطلاع خوانندگان عزیز باید گفت در طول چند سالی که مرحوم آتشی در تهران سکونت داشتند، نگارنده چند روز در هفته را در خدمتشان بودم، در اکثر نشست های خصوصی ادبی و شعر خوانی با او همراه می شدم و باید اذهان کنم استاد به گردن من حق بزرگی دارند. او مرا با مجامع بزرگ ادبی آشنا کرد و در همین نشست های ادبی و هنری بود که من با بزرگانی چون احمد شاملو، فرخ تمیمی، محمد حقوقی، محمد علی سپانلو، سیمین بهبهانی، جواد مجابی، حافظ موسوی، عنایت اله سمیعی، مفتون امینی، عمران صلاحی، خشایار دیهیمی، خلیلی، فرقانی، عبدالملکیان، خانم راکعی، سهیل محمودی، ساعد باقری، محمد محمد علی، سید علی صالحی ، بهزاد فراهانی آشنا شدم.
یک شب در خدمت استاد بودم بعد از کمی اختلاط گفت: «پرویز امروز شعری باب طبیعت گفتم، حتما می پسندی.» و شعری را که با مداد روی کاغذی کاهی نوشته بود به من داد تا بخوانم. درخوانش اول چیزی دستگیرم نشد. چند بار آن را خواندم ازموضوع شعر خوشم آمد، خواهش کردم. خودش برایم به خواند. وقتی شعر را خواند واقعاً لذت بردم به نظرم شعر خوش فرم و پرمحتوائی بود. البته من تخصص شعر شناسی ندارم که نظر تخصصی و فنی در این زمینه به دهم، اما از نظر من خواننده، واقعاً محشر بود. «نون و القلم» خواهش کردم، بدهد آنرا تایپ کرده، نسخه ای هم برای خودم نگه دارم، هر وقت درخدمت استاد بودم لطف می کرد و اشعار تازه سروده اش را برایم می خواند. اشعاری همچون «سمفونی دهم»، «میخانه کشف من است»، و.... مرحوم آتشی شاعری توانا، منتقدی بی پروا و محققی بی بدیل بود که از بین ما رفت و چه زود رفت. ای کاش می بود تا ما هنوز از اشعار و نوشته های او بهره می گرفتیم: روحش شاد و یادش مانا باد.

عبدالمجید زنگویی (شاعر و محقق ادبی):

تلخ، ولی خالی از نومیدی و احساس شکست



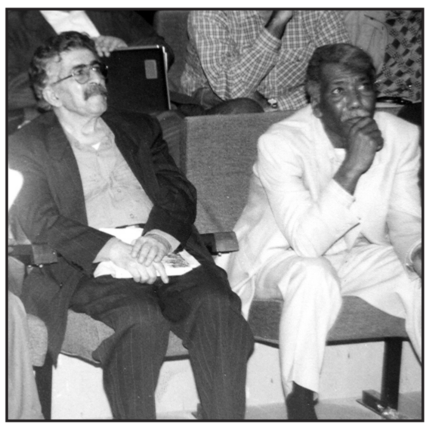
– به نظر شما مهم ترین ویژگی شعر استاد منوچهر آتشی چیست؟
– یکی از مهمترین ویژگی های شعر منوچهر آتشی، بومی گرایی ست. منوچهر آتشی شعر را از فایز شروع کرده و اولین غزلیات خود را تحت تاثیر دوبیتی های محلی و اقلیمی سروده، بنابراین آتشی سهم بزرگی در شعر و ادبیات بومی دارد چرا که از آن استفاده کرده تا به این طریق بتواند ادبیات ملی را سرشارتر کند. استفاده آتشی از شعر بومی چنان است که ادبیات ملی ما هم می تواند از آن بهره مند شود.
– به نظر شما شعر استاد آتشی به کدام یک از شاعران ایران زمین نزدیکتر است؟
– به نظر من منوچهر آتشی بیشتر پیرو نیما یوشیج است ؛ در واقع او یکی از یاران وفادار و ماندگار نیما یوشیج است و بعد هم که به شعر احمد شاملو نزدیکترمی شود ولی بزرگترین سهمی که آتشی در ادبیات دارد پیروی و ارادتش نسبت به نیما یوشیج است و اینکه راه نیما را ادامه داده است.
– فکر می کنید دلیل ماندگاری منوچهر آتشی در فضای ادبی کشور چیست؟



– دلیل ماندگاری شعر آتشی در فضای ادبی کشور توجه به بومی گرایی و مردم است. شعر آتشی مردمی ست و توجه به بومی گرایی دارد و بالاتر از همه نوآوری در شعر اوست. شعر آتشی شعری ست که اگر چه در بوشهر و جنوب زندگی می کرده تلخ به نظر می رسد ولی هیچ وقت نومیدی و احساس شکست در آن نیست بنابراین آتشی از این لحاظ که هم نوآور است و هم به مسائل مردمی توجه دارد و کهنه گرا نیست و همیشه با تازگی ها سرو کار دارد و با مردم است، شعرش نیز در خدمت مردم است که دلیلی بر ماندگاری شعر آتشی ست و آتشی هم یکی از چهره های ماندگار شده؛ منوچهر آتشی از نظر تاریخ و از نظر مردم یک چهره ماندگار شعر معاصر ایران است.
– جهان بینی و ایدئولوژی شعر آتشی در چه جهتی بود؟
– جهان بینی شعر آتشی، بیشتر مردمی بود. منوچهر آتشی داری سعه صدر بالایی ست و به گونه ای انسانی و فراتر از زمینی فکر می کند. آنچه که برای منوچهر آتشی مهم است انسان و انسانیت است و هیچ وقت از این موارد منحرف نشده و آتشی در این زمینه یکی از شاخص های ادبیات ماست. آتشی در هر زمینه ای که از شعر صحبت می شود کم نمی آورد. دارای سعه صدر بالایی ست، ایدئولوژی و هر ایده ای را نمی پذیرد اما به کسی یا ایده ای هم اهانت نمی کند، بلکه با سعه صدر و صبر و حوصله ایده ها را می شنود و به آن پاسخی منطقی و علمی می دهد بدون آنکه بخواهد طرف مقابل را ناراحت کند.

زبانی جهانی با استفاده از اشیا و عناصر بومی

خورشید فقیه (نویسنده): یکی از ویژگی های شعر آتشی



بومی گرایی ست که به نوعی با دید جهانی به آن نگاه می کند. جهان نگری آتشی در عین اینکه دیدی بومی نسبت به اشیا دارد و اشیا را از حالت بومی گرایی به صورت جهانی می بیند (آتشی با نگرشی جهانی به درخت گز نگاه می کند)، ساده گویی آتشی در ضمن رعایت ایهام و ایجاز و ویژگی های شعری ست. ما شعر آتشی را می توانیم براحتی درک کنیم بدون اینکه ایشان ساده شعر گفته و یا با یک بینش و رفتار ساده ای شعر گفته باشد. زبان شعری آتشی زبان خاص خودش است. معمولا شعرای ما در ابتدای سراییدن، شعرشان متاثر از بزرگان شعر هستند ولی آتشی از ابتدای کار زبان خاص خودش را دارد به گونه ای که می توانیم بگوییم پدیده ای بنام «زبان آتشی» در شعر معاصر ایران داریم. نقش اقلیم و طبیعت بوشهر در شعر آتشی همان چیزی ست که ما در شعر نیما می بینیم، منتها آتشی زبان را هم با توجه به اشیا و پدیده هایی که جنبه محلی دارند و جهانی به آن نگاه می کند، بکار می برد که ویژگی اشیا و عناصر اقلیمی خودش است؛ آتشی با زبانی جهانی با اشیا برخورد می کند و زبان آتشی زبانی ست جهانی با استفاده از اشیا و عناصر بومی.

شعر آتشی شعری غریزی است

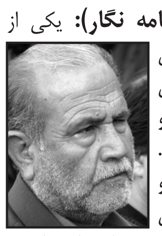
مجید اجرایی (شاعر و نویسنده):



آتشی شعر موقعیت مند را در ایران تَشَخُص بخشید. طبیعت گرایی که یکی از عناصر اصلی شعر اوست در راستا و در ذیل همان ویژگی معنا می یابد و تعریف می شود. شعر آتشی شعری غریزی است و شعر غریزی بازگشتی به خود شعر دارد.
آتشی مردم را به عنوان عنصری تزیینی در شعر وارد نمی کرد. او خصلتی عمیقاً پاپیولار داشت. ارتباط با بدنه اجتماعی و هم ذات پنداری با آنها شاید مهمترین دلیل محبوبیت او باشد. مولفه های فرهنگی اجتماعی و زیستی مردم بوشهر یکی از جان مایه های اصلی شعر، اندیشه و رفتار آتشی ست.
شعر او بر عکس بسیاری از شعرها و شاعران مطرح ایران دارای لحن و لهجه است. بدون اینکه واگشتی ارتجاعی داشته باشد. شعر آتشی نماد و نمود نوعی مدرنیته شرقی و بومی ست و همین است که او را در چشم مردم بالا برده است.

یک زبان فراگیر

اسکندر احمدنیا (شاعر و روزنامه نگار): یکی از بهترین ویژگی های شعر آتشی، بومی گرایی ایشان است که منجر به شهرتش شده و یک سبک و زبان خاص و استثنایی برای ایشان بوجود آورده است. شعر آتشی ضمن اینکه تغزلی است و تا حدودی به سمت حماسه هم پیش



رفته، همان ویژگی استثنایی یعنی بومی گرایی اش است. زبان شعر آتشی زبانی ست که ارتباط بین مخاطب (چه عام و چه خاص) را براحتی و سهولت انجام می دهد و این زبان یک زبان فراگیر است، زبانی ست که از مرزهای فرهنگی هم فراتر می رود، زبانی ست که اگر به زبانهای دیگر ترجمه شود جهانی می شود و ایشان را مُبَدل به یک چهره استثنایی خاص کرده. شهرت آتشی به صداقت و عاطفه ای ست که در شعرش وجود دارد و پیامی که شعر ایشان از زبان مردم دارد به شکلی با زندگی مردم ملموس است. زندگی مردمی که نه تنها در عصر حاضر بلکه آیندگان هم به طور مطلوبی به آن نگاه می کنند.

فروتن ، مردم دار و مهربان

محمد سرخوش (شاعر): شعر آتشی به گونه ای بود که مخاطب را به خودش جذب می کرد. مطالب آتشی در هنگام انتقال به مخاطب، مملوء از جملات زیبنده و آموزنده بود و مخاطب را از خود نمی رنجاند. ایشان شاعری بومی خالص و به هر طریقی که اراده

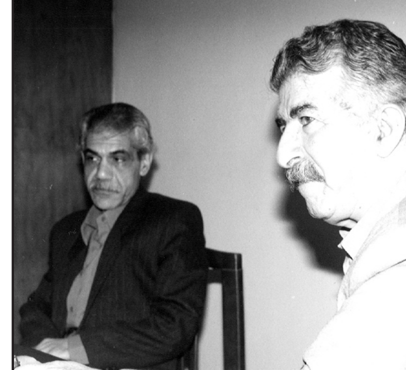


می کرد شعر می سرود. آتشی را از زمانی که معلم بود می شناختم، شخصی فروتن ، مردم دار و مهربان و با سواد بود؛ هیچ گاه برتری خود را به دیگران نشان نمی داد. آتشی از زمانی که نوجوان بود تا زمانی که دنیای فانی را در دیار غربت بدرود گفت هیچ کس به اندازه یک دانه خردل از ایشان ناراحتی ندید. فردی ثابت قدم و مهربان بود و یکی دیگر از خصوصیات ایشان این بود که در هر جا به زبان مردمش سخن می گفت. وجود همین خصوصیات بود که مردم را به خودش جذب می کرد. خانواده آتشی هم خانواده ای بسیار خوب، متفکر و انسان دوستی هستند.

نسیم جنوب
ویژه سالکوچ
استاد آتشی
شماره ۵۶۹ یک شنبه ۲۴ آبان ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

بومی گرایی مهمترین ویژگی شعر آتشی

محمد حسن آرش نیا (شاعر و دبیر ادبی دوشنبه های نسیم جنوب): بومی گرایی مهمترین ویژگی شعر



استاد آتشی ست. پرداختن به اصلاحات و تصویرهایی که مخصوص جنوب ایران و به خصوص بوشهر است. «آهنگ دیگر»، «آواز خاک» و «دیدار در فلق» سه کتابی است که آتشی بر اساس آنها نام آور شد و شاعریِ آتشی مبنا و زیربنایش همین محتویات سه کتاب است. پرداختن به مسائلی که مخصوص جنوب است، روستانشینان و ساحل نشینان و اعتقادات مذهبی جنوبی، شیوه ارتزاق مردم جنوب و ... عناصری هستند که به شعرهای این سه کتاب شکل داده اند و زبان آتشی، دومین زبان بعد از نیما است که به بومی گرایی یا بومی سُرایی پرداخته است ولی متأسفانه در فرهنگ ما چنین معضلی وجود دارد که هنرمند تا زمانی که در قید حیات است از او حمایتی نمی شود و اکثراً در اوج فقر و بدبختی به سر می برند.

حافظ در این زمینه شکواییه های زیادی دارد از جمله:

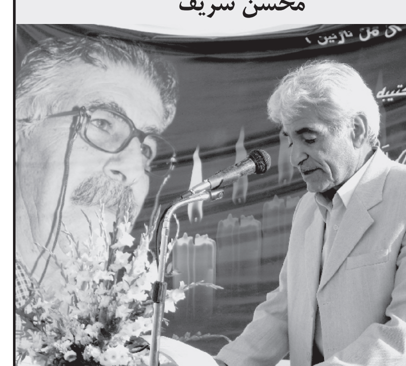
هنر نمی خرد ایام و غیر از اینم نیست
کجا روم به تجارت به این کساد مطاع

و از این گونه گفته ها در شعر شاعران دیگر هم وجود دارد که مُبَین این است که در دوران پیری روزگار سختی را گذراندند و حتی رودکی اولین شاعر فارسی سرای ایران، در شعر حسب حال خود این گونه شرایط و ناگواری های آخر عمرش را بیان کرده. آنجا که می گوید:

مرا بِسود و فرو ریخت هر چه دندان بود...

آتشی شریک غم مردم بود

محسن شریف



آتشی همواره دل مشغول نامرادی های مردم بود، غم کودک فلسطین داشت. درد آشنای زن هزاره، غمگین بازیار خسته دشتی و دشتستان.

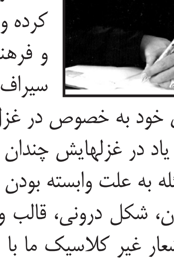
دلا دل دیگر آن نان تنور گرم خشبو نیست
که لای چاشت بند بازیارانش توان پیچید
که پشت بازیارانش تواند قوتی بخشید

شعر او بازتاب حول انگیز بی عدالتی و تحقیر است درد اقلیم و بار سنگین بوم را به تعمیم جانی شان در کلام شعری آمیخت. با بیان اقلیم و حماسه و همواره در اتاب آزار دهنده موج بر می داشت، که آیا بین رودخانه ها کجایشان جنگ در گرفته است که با آستین پر از قلوه سنگ به گلوگاهشان هجوم می برند؟

شعر او با همین دل مشغولی ها شریک غم مردم می شود تا به دل می نشیند.

آتشی همواره بر این ایمان بود و پافشاری داشت در کلام تا به طبیعت زبان برسد یا که نزدیک شود و در همین محله است که بازی های نامربوط زبانی را به هرزه گرفتاری نسبت می داد و با چنین پنداری واژگان زمینی را جوری که انگار التماس دعای زمینیان باشد تا مینای آسمان، ارتقاء بخشید ویژگی های مهم زبانی ایشان بود که با زبان مشهور شعر از نیما تا شاملو در نیامیخت و خود در اشعارش از سطر به سطر و از کتاب به کتاب زبان اقلیم بود و زبان جغرافیا و زبان تلخ محرومان.

واقع گرایی در شعر آتشی

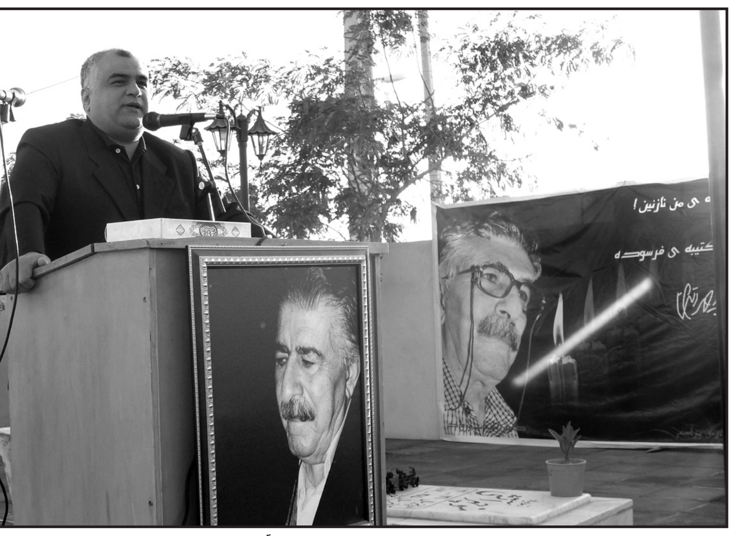


فرح راوردشیری (شاعر): زبان زنده یاد منوچهر آتشی همچون شاعران دیگر معاصر شاملو، اخوان، فروغ فرخ زاد و... از گذشته ادبی ایران به عنوان یک سنت ادبی استفاده کرده و اندیشه خود را از فکر و زبان و فرهنگ کمال یافته در آن بستر، سیراف ساخته اند و این امر را در شعرهای خود به خصوص در غزل هایش می بینیم. به اعتقاد آن زنده یاد در غزلهایش چندان نمی توان به نوآوری رسید و این مسئله به علت وابسته بودن این نوع قالب به مقوله هایی چون وزن، شکل درونی، قالب و چیدمان کلمات ارتباط دارد اما در اشعار غیر کلاسیک ما با زبان جدید و اندیشه امروزی روبرو هستیم مثل کتاب وصف گل سوری.

از ویژگی شعر آتشی می توان به واقع گرایی اشاره کرد و در این زمینه باید گفت که زنده یاد آتشی مانند نیما در بسیاری از موارد از جمله مجموعه «آهنگ دیگر»، از طبیعت به عنوان یک بستر مناسب برای بیان افکار و اندیشه های خود بهره می جوید یعنی شعر آتشی به واقعیت بیرون تکیه می کند اما همچنان به عنوان کارهای نمادین و سمبُلیک، تحولهای فراوانی پیدا می کند. یکی دیگر از ویژگی های شعر آتشی بومی گرایی ست و او با استفاده از نمادها و سمبلیک های جغرافیایی جنوب به گونه ای علاوه و رسم کردن فضای مردمان جنوب یک شعر طبیعت گرای خشن، زمخت و خشک تولید کرده است که بیانگر فقر و نادارایی و تهی دستی و اعتراض مردمان جنوب می باشد که ما امواج این برخورد را در شعر عبدوی جط و اسب سفید وحشی می بینیم.

آتشی غیر شاعر

سید قاسم یاحسینی



عنوان مطلب من «آتشی غیر شاعر» است. شاید این عنوان در وهله اول پارادوکسیکال به نظر برسد، زیرا «شعر» و «شاعری» با جان و روان منوچهر در هم آمیخته بود. اگر چه شاعری عصاره زندگی و اندیشه او بود و شاعر به دنیا آمد، شاعر زیست و سرانجام شاعر از دنیا رفت، اما دیگر ابعاد زندگی ایشان، زیر سایه شخصیت شاعرانه اش قرار گرفته و مغفول مانده است. در این مجال کوتاه می کوشم کارنامه حیات غیر شاعری منوچهر آتشی را به طور بسیار موجز و فشرده مورد بررسی قرار دهم، تا نشان داده شود این بزرگ مرد، در چه ابعاد مختلف و حتی متضادی کار و تلاش می کرده است.

شاعران و نویسندگان ادبی در باره ویژگی های شعر آتشی و به خصوص دوره های شعری او، به اندازه کافی سخن گفته اند. من هم کم و بیش در سخنرانی ها، مقالات و به خصوص کتاب خاطرات شفاهی آتشی (آتشی در مسیر زندگی)، در حد توانم، کنکاش های لازم در این زمینه را انجام داده ام. اما خیلی جالب است بدانیم که آتشی افزون بر شاعری چه خصلت های فرهنگی و هنری دیگری داشته است.

آتشی روشنفکر

در رأس همه خصلت های فرهنگی و هنری آتشی، او یک روشنفکر به تمام معنی بود. آتشی یک روشنفکر تمام وقت و حرفه ای بود. چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب. در همه تکاپوهای فرهنگی، هنری و بعضاً سیاسی که داشت، البته در بخش کوتاهی از زندگیش، صبغه روشنفکری غلبه داشت. بحث اینکه روشنفکر کیست و چیست و آیا به قول «آنتونی گرامشی» هر طبقه و قشر اجتماعی روشنفکر خاص خودش را دارد یا ندارد و آیا می توان قائل به «روشنفکر بی طبقه» و عام شد یا نه، بحث های غامض نظری و تئوریکی است که جای طرح و نقدش اینجا نیست، اما با هر معیاری که به تعریف روشنفکری بپردازیم، منوچهر آتشی را باید یک «روشنفکر» تلقی کرد و به شمار آورد. مردم و جامعه فرهنگی نیز او را به عنوان یک روشنفکر شاخص می شناختند و به رسمیت شناخته بودند. کسی که برای اندیشه و با اندیشه، می زیست و در مقولات مختلفی گام زد.

آتشی معلم

بعد از بُعد روشنفکری، آتشی یک «همیشه معلم» بود. چه در بعد اداری و رسمی و چه در بعد زندگی شخصی و غیر رسمی، او یک معلم بود. وقتی کارنامه پربار زندگی این مرد را ورق می زنیم، می بینیم در شهرهای مختلف ایران، سال های سال آموزگاری، معلمی و دبیری کرد، درس داد و هزاران نفر شاگرد پروراند؛ بعضی از آن شاگردها، امروزه خودشان از چهره های نامدار علمی و فرهنگی ایران به شمار می روند.

آتشی وقتی هم که بازنشسته شد و مجال معلمی به طور رسمی از او گرفته شد، باز یک معلم ماند و سلوک معلمانه داشت. خوب به یاد دارم در نیمه اول دهه هفتاد، وقتی آتشی در هفته نامه «آیینه جنوب» کار می کرد، یک معلم به تمام معنی بود. مردی که شاعر شناخته شده ای در ایران و جهان بود، و شعرش یاد آور جنوب و بوشهر بود، با صبر و بردباری می نشست و شعرهای شاعران تازه کار و نوپا را، با دقتی مثال زدنی، تصحیح و ویراستاری می کرد. حتی با خط خودش بازنویسی می کرد. من خودم یکی دو بار شاهد چنین صحنه هایی بودم. یک بار دختر خانم دانش آموز شانزده ساله ای ازمنطقه «دشتی» آمده بود و منوچهر نه تنها پدرانه به او طریق شعر گفتن آموخت، بلکه شعر خام و ابتدایی او را اصلاح و بازنویسی کرد. این میزان از معلمی توأم با فروتنی، ما در شاعران هم نسل آتشی کمتر می بینیم. معمول چنین است که وقتی شاعری از شهرت عام برخوردار شد و نام و آوازه اش بر سر زبان ها می افتاد، کمتر حاضر به معلمی می باشد. «بزرگان» دیار ما بیشتر خوش دارند «رهنمود» بفرمایند و دیگران هم فقط «اطاعت» کنند! اما همه ما گواهی می دهیم که آتشی تا آخرین روزهای عمرش، یک معلم باقی ماند. در نیمه دوم دهه هفتاد که هفته نامه «نسیم جنوب» راه افتاد، آتشی از همان شماره اول به این نشریه پیوست و با برپایی نشست های شعری دوشنبه ها، معلمی و شاعر پروری کرد. «دوشنبه های نسیم جنوب» نشان بیین و آشکاری است از معلمی آتشی. محفل ادبی و هنری که باید آن را «میراث ماندگار آتشی» نامید و قدرش را دانست. در جامعه ای که همه چیز لحظه ای، ناپایدار و فصلی است و نهاد های هنری مردمی، معمولاً استمرار ندارند و مثل حباب های روی آب عمر کوتاهی دارند، به همت معلمانه آتشی، بیش از یک دهه است که نشست های ادبی دوشنبه های نسیم جنوب هر هفته برپا می شود و شاعران زیادی در دامان این محفل ادبی، پرورش یافته و کتاب شعر منتشر کرده یا خواهند کرد. سال ها او خودش حضور داشت و اکنون به یاد او این نشست ها برگزار می شود.

آتشی وقتی هم از بوشهر به تهران مهاجرت کرد، در پایتخت، معلم بود. در مجله «کارنامه» و جاهای دیگر، کلاس درس شاعری برپا کرد. درس داد و باز شاگرد پروری کرد. در یک کلام زیست آتشی یک زیست معلمانه بود. تا زمانی که جان در بدن داشت و می توانست حرف بزند و بیاموزاند، یک معلم ماند. او معلم نیز مُرد.

آتشی ژورنالیست

اشاره ای کردم به فعالیت های مطبوعاتی آتشی. چند سال قبل از رحلت منوچهر مقاله ای با عنوان «آتشی ژورنالیست» نوشتم و ابعاد تکاپوهای مطبوعاتی شادروان آتشی را شرح دادم. آتشی از دوران تحصیل در دبیرستان سعادت بوشهر به فعالیت های مطبوعاتی رو آورد. در سال دوم یا سوم دبیرستان با کمک مرحوم «محمد رضا نعمتی زاده» و آقای «گنجو»، نشریه ای دانش آموزی را در دو نسخه منتشر می کردند که آتشی نخستین شعرهای خود را در آن منتشر می کرد. او همان طور که خودش در کتاب خاطراتش گفته، در طول زندگیش پربارش با نشریات زیادی در تهران و دیگر شهرستان های ایران همکاری داشت. با نزدیک به شصت نشریه همکاری قلمی و قدمی داشت. یا سردبیر بود، یا دبیر سرویس یا دبیر صفحه و یا در برخی نشریات گرداننده پنهان و همه کاره نشریه. در ایام کار در مجله «تماشا» صدها شعر، داستان کوتاه، معرفی کتاب، نقد کتاب، خبر، گزارش، مصاحبه و مقاله نوشت. اگر کسی یا کسانی کمر همت ببندند و نوشته های مطبوعاتی آتشی را گرد آوری کنند چندین جلد کتاب خواهد شد.

اما این ها همه ابعاد آتشی ما نیست. او دارای ویژگی های برجسته دیگری هم بود.

آتشی قصه نویس

آتشی ذوق روایت و قصه نویسی داشت. کسانی که دهه پنجاه شمسی را به یاد دارند، می دانند که «قصه های شب» نوشته منوچهر آتشی که از رادیو ملی ایران پخش می شد، تا چه اندازه پر طرفدار بود. این قصه های چنان جذاب و پر کشش بودند که چندتای آن پس از انقلاب نیز از صدای جمهوری اسلامی پخش شد.

در «مجله تماشا» نیز منوچهر چندین قصه کوتاه و نقد قصه نوشت. همچنین به مناسبت پخش سریال «دلیران تنگستانی»، که منوچهر نیز در ساخت آن دستی داشت، وی یک سلسله قصه مسلسل در باره مجاهدت های تنگستانی ها در جنگ جهانی اول نوشت، که جالب بود. چند سال قبل من به آتشی پیشنهاد کردم تا آن سلسله قصه ها را در کتابی گرد آورد. اما او گفت:

ـ باید در آنها دست ببرم. کار کهنه شده ای است و نیاز به بازنویسی دارد. به هر حال امیدوارم داستان ها و قصه های شادروان منوچهر آتشی نیز به دقت گردآوری و در کتابی به چاپ برسند.

آتشی نمایشنامه نویس

آتشی در حوزه ادبیات نمایشی هم کارهای زیادی کرده است. در دهه سی و هنگام تحصیل در دبیرستان سعادت، چند نمایشنامه نوشت که خودش در آنها بازی کرد. در دهه چهل و هنگام دبیری در دبیرستان های بوشهر، چندین نمایشنامه نوشت، که توسط هنرمندان بوشهری، از جمله با بازی «منیرو روانی پور» به روی صحنه رفت. در دهه پنجاه یک نمایشنامه به نام «دلاله» از انگلیسی به فارسی ترجمه کرد. چندین نمایشنامه رادیویی برای برنامه پر مخاطب «قصه شب» نوشت که تا امروز و با وجود ده ها سال، هنوز هم بارها باز پخش شده و می شوند. یک نمایشنامه بلند هم در باره «سُرنا» سردار بزرگ اشکانی نوشت، که قرار بود در سال ۱۳۵۷ «انتشارات سروش» آن را چاپ کند، اما به دنبال پیروزی انقلاب و تغییر مشی فرهنگی این انتشاراتی، این نمایشنامه هرگز به چاپ نرسید. منوچهر شیفته سرنا بود و در غزل نیز «سرنا» تخلص می کرد. یادم است چند سال قبل از مرگ استاد، روزی سراغ این نمایشنامه را از او گرفتم. با حسرت گفت:

ـ چندی پیش متن دستنویس و اصلاح شده نمایشنامه سرنا را دوستی آمد و از من گرفت و دیگر هم پس نداد. نمی دانم اکنون بر سر نمایشنامه سرنا چه آمده است، اما امیدوارم روزی پیدا و چاپ شود. یکی از کارهای مدرنی که باید انجام شود، این است که فردی باید با جستجو در آرشیو صدا و سیما، همه «قصه های شب» و نمایشنامه های رادیویی آتشی را گرد آوری کند و آنها را به صوت «کتاب گویا» منتشر کند. این کار خدمت بزرگی به میراث ادبی و نمایشی منوچهر آتشی و تاریخ نمایش های رادیویی در ایران است. دوست هنرمند آقای «جهانشیر یاراحمدی» درکتاب «نمایش در بوشهر» و در یک مقاله مستقل دیگر، کارنامه نمایشی آتشی را به خوبی و عالمانه بررسی و تحلیل کرده است. دوستانی که مایل اند اطلاعات بیشتری در این باره به دست بیاورند، می توانند به این منابع رجوع کنند.

آتشی مترجم

آتشی مترجم بود. نسبتاً مترجم پرکاری هم بود. اولین کار ترجمه ای او رمان «فونتامارا» نوشته نویسنده مشهور ایتالیایی «اینیاتسیوسیلونه» بود، که مورد استقبال بسیار خوبی قرار گرفت. چندین بار در سال های قبل از انقلاب تجدید چاپ شد. این کتاب به دلایلی در سال های پس از پیروزی انقلاب، تجدید چاپ نشده است و اکنون نایاب است. همان طور که گفتم یک نمایشنامه هم به نام «دلاله» نوشته « ترونتولا وایلدر» نمایشنامه نویس آمریکایی ترجمه کرد، که این نمایشنامه نیز یک بار بیشتر مجال نشر پیدا نکرد و امروزه نایاب است. دو کتاب به نام های «مهاجران» و «جزیره پنگوئن ها» را به فارسی برگرداند و منتشر کرد که یکی از آنها کتاب سال کودکان شد.

در سال اول انقلاب و در آن فضای آرمانی و ایدئولوژیک، منظومه بلندی از «مایاکوفسکی» شاعر معروف روسی به نام «لنین» را از انگلیسی به فارسی ترجمه و منتشر کرد. در دورانی که در پالایشگاه گاز ولیعصر کنگان کار می کرد، ده ها شعر از شاعران کره ای را ترجمه کرد. شعرهای «هایکو» فراوانی به فارسی در آورد. شاید حدود صد هایکورا ترجمه کرد. کتاب شعری نیز از «اسکار وایلد» ترجمه کرد. آن طور که من به یاد دارم مدتی نیز مشغول ترجمه رمان بسیار قطوری به نام «کارل و رُزا» بود که زندگی داستانی «رُزا لوکزامبوک» متفکر مارکسیست و مشهور لهستانی و عشقش به «کارل لیبخنشتاین» بود. در اوایل دهه هفتاد که من «نشر شروه» را در بوشهر راه انداخته بودم، ترجمه این رمان را به منوچهر سفارش دادم، که متأسفانه به دلیل غم نان و تکاپو برای گذر ایام، او نتوانست ترجمه آن رمان جذاب را به پایان برساند.

جالب آنکه آخرین کارش که در زمان حیاتش منتشر نشد، باز ترجمه ای برای کودکان بود به نام «آفتاب مهتاب». امیدوارم خانواده محترم ایشان و دوستدارانش هرچه زودتر این ترجمه ها را مدون کنند و به چاپ برسانند، تا خوانندگان آثار آتشی از آنها استفاده کنند.

آتشی محقق

منوچهر آتشی در عرصه ی تحقیق و پژوهش های ادبی، هنری و به خصوص فرهنگ عامه و فولکلور نیز انسان توانایی بود. من خیلی متأسفم که جامعه ما از این توانایی او تقریباً هیچ استفاده ای نکرد. وی اگر غم نان نداشت و در وادی تحقیقات ادبی و مردم نگاری می افتاد، بی شک یکی از نام آوران این دو رشته در ایران می شد. اگر کسی فرصت کند و تحقیقات ناتمام آتشی در باره ناصر خسرو، سنایی و پروین اعتصامی را، که در سال ۱۳۵۸ در مجله «سروش» منتشر کرد، بخواند، پی خواهد برد که این مرد اگر مجال می یافت و به او میدان می دادند، چه کارهای تحقیقاتی ارزشمندی که نمی توانست انجام بدهد. رساله ها و مقالات او در باره فایز، نیما، سهراب سپهری، اخوان ثالث، احمد شاملو و فروغ فرخزاد نمونه های دیگری از کارهای پژوهشی آتشی می باشند. علاوه بر این آتشی مقالات و یادداشت های نسبتاً زیادی در باره شعر و موسیقی محلی بوشهر نوشت که برخی از آنها در نشریات محلی چون «آیینه جنوب» و «نسیم جنوب» به طبع رسیده است.

آتشی و ادبیات کودکان

کودک درون آتشی تا دوران پیری او همچنان در درونش زنده بود. به یک معنی آتشی یک کودک پیر بود! به همین خاطر برای کودکان هم کار کرد. علاوه بر دو– سه ترجمه برای کودکان، در اوایل دهه پنجاه برای «کانون پرورشی کودکان و نوجوانان» کتابی نوشت به نام «سرگذشت کشور کوچک» که متأسفانه هرگز تجدید چاپ نشد. چندین کتاب دیگر هم برای کودکان نوشت که به نام این و آن منتشر شد. این مطلب را من برای اولین بار است که افشا می کنم. در سال هایی که خاطرات شفاهی آتشی را کار می کردم، خودش به من گفت که چندین کتاب برای دیگران نوشت که به نام خودشان چاپ شد. هر اندازه اصرار کردم که نام آن کتاب ها را ببرد، حاضر نشد و زیر بار نرفت.می گفت:

– می آمدند و به من مراجعه می کردند و با پرداخت مبلغ ناچیزی در حد ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان، برایشان قصه کودکان می نوشتم. آخر برج بود و ناچار بودم کرایه خانه و مخارج زندگیم را یک جوری تأمین کنم. خرج های خودم هم بودند.

از این دست غم و غصه ها، در زندگی آتشی فراوان بود. فقر و غم، انیس و جلیس آتشی بودند. نداری و بی پولی همزادش بود. سرنوشتش با غم، اندوه ابدی، درد و رنج های روحی عجین شده و رقم خورده بود.

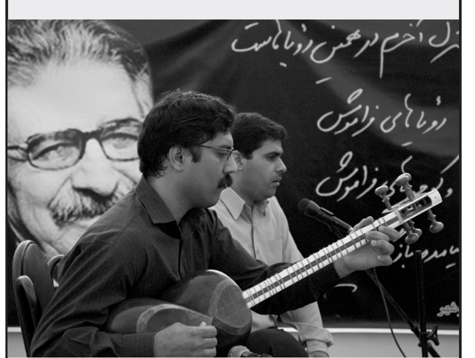
آتشی یک انسان دوست داشتنی بود.
در یک کلام زنده یاد منوچهر آتشی:
«بزرگ بود
از اهالی امروز بود
و با همه درهای باز نسبتی داشت.»

(متن سخنرانی سید قاسم یاحسینی در مراسم سومین سال درگذشت زنده یاد منوچهر آتشی. بوشهر–۳۰ آبان ۱۳۸۷)

روح نوگرایی و هم گام زمانه بودن

حسام حق پرست

ویژگی های شعر آتشی را با تجربه هایی که در موسیقی کلاسیک ایران باعث و بانی حرکت و بسط داشته ها و ابزارهای



پایه ای و اساسی این هنرشدند می توان ابراز نمود که همان روح نوگرایی و هم گام زمانه بودن شعر شاعر است که درک امروزی خویش را متناسب با زمان و مکانی که در آن قرار دارد و جاریست همراه می سازد و این مهم که خود بسیار فنی– تخصصی می باشد بی شک بی آن که پشتوانه ها و علم آن مهیا و فراهم باشد کاری سطحی ست که تاثیر گذار هم نمی تواند باشد تا راهی را نشان دهد و خود حتا تجربه ای که بتوان از آن نام برد. حضور همواره ی آثار بزرگان و درواقع ریشه هایی که آنها برای جاودانگی موسیقی ایران در دل خاک دیارشان نهادند، برای هرآن که در این وادی گام نهاده به جد ، مایه و پایه ای ست تا حضور پوینده و جوینده و ناایستای زمانه ی خویش را و آفرینه هایش را تهی از اعماق و ژرفای گذشته نگذارد .هم از این روی نوگرایی ها و کشف دگرگونی روحی و فیگورهایی که می خواهند روایتی متفاوت از انسان، هنر و تاریخ داشته باشند رگ برگ های گذشته و دیروزشان را درون اقیانوس خیال و اندیشه ی خود سبزمی دارند تا این تکیه گاه ذهنی را همیشه در کنار خود داشته باشند و حفظ کنند.

در شعر آتشی هم ما با وجود همه ی سازه های شعری نو و شعر زمان خویش بودن شاعر، حضور و هستی عناصر و بن مایه های شعر کهن فارسی در تعامل با نگاه همواره آمیخته با جنس و رنگ جهان امروز را می یابیم ضمن آن که در اینجا تسلط، شناخت و احاطه ی منطبق با اصول زیباشناسی شاعر بر طبیعت از دیگر ویژگی های شعر آتشی است که باید نام برد که آمیزش شعری با عناصر و جغرافیای زادگاهش است که آن را به کار گرفته و این حضور بومی گرای آتشی در میان دیگر شاعران با صلابت و آواز بیشتری به چشم می خورد و زبانزد است و هم در این مشخصه است که خلاقه و توانمندی شاعر در خلق تصویر و تجسم شعری قابل لمس می شود. به مانند این که با شنیدن قطعه ای، گستره و نشانه های تصویری موسیقی را پی بری و این چشمه سار شعری را آتشی خود به خوبی دریافته بود. برای بیان ساختار اندیشگی مبتنی بر سیاست در شعر، شاعر وجه سیاسی گری شعر را با ابتلا به نوع نگاه تک بعدی مواجه دانسته و خصلتی نازیبا در شعر می داند و چنین می پندارد: «سیاسی گری در شعر باید از کشف حقیقت و توانمندی زیبایی مایه و زور بگیرد و آماجش زشتی ها و پلشتی های جامعه و روان آدمی باشد.در واقع شاعر باید به جای شعر سیاسی، سیاست شاعرانه ارائه دهد.»

آتشی، شاعری ست که توانست شعر و شاعران نسل های متفاوت را به هم پیوند زند و هیچ گاه از دیار خویش و مردمانش با همه ی آوا و نواهایی که عاشقشان بود جدا نشد و همواره به عشق ایشان زیست و با ناملایماتش مبارزه کرد تا آیندگان هم...

رفیق لحظه های تنهایی مردم جنوب

سید محمد رضا هاشمی زاده



بومی گرایی، یکی از ویژگی های موجود در اشعار منوچهر آتشی ست؛ یعنی آتشی نشان می دهد که از چه سرزمینی ست و انعکاس بومی گرایی در شعر اولیه آتشی بسیار بالاست و دوست دارد که فرهنگ استان بوشهر و جنوب در شعرهایش منعکس باشد، دوم اینکه شعرهای اولیه آتشی آب و رنگ حماسی دارد و این است که شعرهای اولیه آتشی وزین تر و محکم تر از شعرهای اخیرش است. حماسه و بومی گرایی از ویژگی های بارز شعرهای اولیه آتشی ست که آتشی به مرور زبان حالت ویژگی اولیه را ندارد و بر روی همین اصل، آثار اولیه آتشی انعکاس بهتری دارد. من شخصاً شاعری را شاعر می دانم که در همه قالبها مسلط باشد و زیربنای شعر او شعر کلاسیک است؛ ایشان در شعر کلاسیک استاد شد و بعد در مرحله شعر نیمایی به اوج رسید و بعد به شعر سپید رسید و من شاعری را که این مراحل را با کمال طی کند شاعر توانایی می دانم منتهی بعضی از شاعران هستند که فقط بر روی شعر سپید تکیه می کنند. آتشی در همه قالبها مسلط بود حتی مجموعه غزلیاتش که آقای زنگویی آنها را جمع آوری کرد غزلهای بسیار نابی ست. آتشی در شعر نیمایی هم بالا بود.

دلیل ماندگاری آتشی تمرکز تعصبش به ویژگی های جنوب است که نشان از دوستی و عشقش به جنوب است و دیگر حماسه سرایی ست. آتشی بر خلاف خیلی از شاعرانی که با سرودن چند شعر، جواب سلام کسی را نمی دهند، صمیمی بود حتی با پایین ترین شاگردان خودش هم گرم می گرفت و با کوچکترین دوستش رفت و آمد می کرد، خودش را بالا نمی گرفت. رفیق لحظه های تنهایی همه مردم جنوب بود چرا که دوست داشت محبتش را بین مردم تقسیم کند.

نگاه به آفتاب

طاهره غمخوار



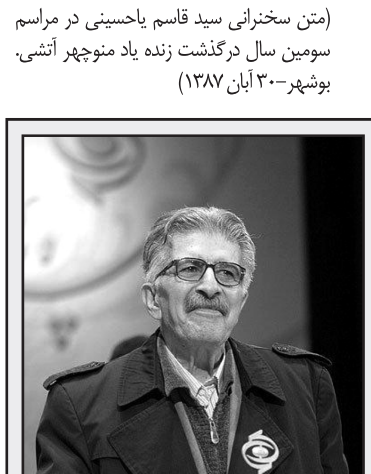
آتشی از کنار مردم و دوستدارانش پر کشید و رفت در حالیکه اگر به اطراف خود به دقت دل نگاه کنیم آَتشی را در همه جای دنیا می بینیم. سر کوچه و خیابان نزدیک خانه شان، زیر درخت های حافظیه شیراز، در کنار ساحل دریا و امواجش، در هوای دود گرفته پایتخت، در دفتر مجله فردوسی، روبروی استانداری در دفتر جمع و جور نسیم جنوب. در بین یک عالمه آدم هایی که دوستش دارند و هنوز هم از آن سالها می گویند. در منزل آقای شریف، دوست دیرینه اش، میان پروانه های رنگارنگی که شعر می خوانند، ایشان سری به تایید یا شاید چیزی که من هنوز آن را کشف نکرده ام سر تکان می داد و خیلی قشنگ و استادانه و پدرانه می گفتند خوب بود، ادامه بدهید، شعر است دیگر... باید نوشت... باید خواند و ارائه داد... و این جمله ها یا کلمه ها با آن وقار و نجابت آسمانی اش طوری به دوستدارانش ادا می شد که فکر نمی کنم کسی بتواند آن را از یاد ببرد. آتشی چه صادقانه می گوید...

باید حصارها را ویران کرد تا نخل های تشنه در آغوش هم روند/ تا قمریان وحشی و مهر دختران رطب چین آموخته شوند / و چاه آب، چشم درشتش را بر هم نفشرد / و"بازیار"خسته رویای چشم های طلایی را از سر بدر کند (آواز خاک)

وقتی که شعرهای کتاب آهنگ دیگر و یا آواز خاک و کتابهای قدیمی ترش را می خوانیم ویژگی هایی که در این آثار ادبی و هنری و ماندگار می بینیم بیشتر طبیعت گرایی، بومی گرایی و حتی بومی سرایی ست. یعنی نگاه آتشی هر جا که باشد به سمت آفتاب است. روح حماسی شعر آتشی مربوط به جبهه و جنگ، اورانیوم غنی شده یا غنی نشده و این جور چیزها نیست. بیشتر کتاب آهنگ دیگرش و آواز خاکش و ... یا همان شعر معروفش عبدوی جط یا اسب سفید وحشی اش وابستگی به طبیعت و خصائل جغرافیایی منطقه جنوب را بیان می دارد که شاعر خیلی زیبا آن را در قالب نو با زبان و لحن ساده و صمیمی و در کمال صداقت آن را مثل یک نقاش چیره دست به تصویر می کشد ولی به مرور به شعرهایی که در کتاب های اتفاق آخر "چه تلخ است این سیب" و یا به کتابهای هنوز تازه ترش نگاه می کنیم متوجه عناصر تازه ای در شهرهای آتشی می شویم که آن سالها و شعرها و عناصر فاصله گرفته است و در قالبهای تازه تری شعر می سراید و این معلوم می کند که شاعر به کشفیات و عناصر جدیدی دست یافته است و اینها همه ویژگی های شعر آتشی هستند و آتشی به زبان دل مردمش شعر می گفت؛ مردمی که آتشی سالها در کنارشان زندگی کرد و مردمی بودن و اصالتش را در هر جا یا هر مقطعی که بود حفظ کرد و این که صمیمیت و صداقت در گفتار ، رفتار و هر هنرمند یا انسان دیگری هم که باشد همان طور که او مردمش را دوست می دارد، مردم هم او را دوست و عزیز می دارند و با تمام دل او را می پذیرند. آقای آتشی اینگونه بود.

آتشی با مردم گریه کرد، لبخند زد و عاقبت چمدانش را بست و به سفر رفت ولی هرگز از مردمی که او را دوست داشتند جدا نشد.

آقای آتشی عزیزم سلام
این شعر را روی بال چلچله هایم برایت پست می کنم، می دانم حتما به دست خواهد رسید:

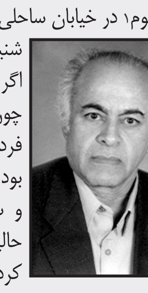


صیاد لحظه ها/ چلچله وار قیچی کردی / آسمان را شکافتی/ من و سایه در گریز / من به سایه نمی رسیدم / تو صیاد سایه و لحظه ها / من آهویی در خلوت / تو بندی به دست / دامی بر سر راه / آسمان را شکافتی / قیچی کردی چلچله وار/ لحظه هایم را/ هنوز نمی دانم کیستی/ نمی دانم چیستی/ نمی دانم!

نسیم خاطره

پرواز غمگنانه در مارد

نجف آهو چهر



حاج غلوم۱ در خیابان ساحلی به طرفم آمد و گفت مبارک باشد شنیده ام راهی جبهه هستی. گفتم اگر خدا بخواهد گفت همسفر هستیم چون اسمت را در لیست اعزامیهای فردا دیدم. از اینکه حاج غلوم همراهم بود خوشحال شدم و قرار دیدار فردا و ساعت و حرکت گذاشتیم. او در حالیکه موتورش را آماده ی حرکت کرده بود گفت چیز زیادی همراهت نیاور همه چیز در اختیارت قرار می دهند. تشکر کردم و به پیاده رویم در خیابان ساحلی ادامه دادم. دریا با همه زیبائی و عظمتش در برابر ایثارگریهای فرزندان ایران زمین نمودی نداشت و من رویدادهای روزهای آینده را نوید بخش پیش بینی می کردم. آن روز غروب خورشید شکوه خاصی داشت با تاریک شدن هوا بطرف خانه حرکت کردم. در بین راه یکی دو نفر از دوستان دوره دبیرستان را دیدم که مشغول خریدن میوه و مایحتاج خود بودند. پس از سلام و احوالپرسی از حال و روزگار هم و پرسیدن و بازگو کردن چند خاطره دوران تحصیلی خداحافظی کرده و راهی خانه شدم. وقتی رسیدم فرزندانم را سرگرم نوشتن تمرینات دروس خود و در حال مطالعه دیدم.

پسر بزرگم پرسید کی به جبهه می روی؟ گفتم: فردا. گفت: برای رفتن به مدرسه وسیله ای تهیه کرده ای یا با تاکسی های عبوری برویم؟ گفتم: شما ماشاءا... دیگر بزرگ شده اید باید خودتان مشکلات را حل کنید ولی با وصف این به راننده سفارش کرده ام بموقع دنبالتان بیاید، ضمناً مواظب مادرتان هم باشید پدربزرگ هم دائم با شما تماس می گیرد ناراحت نباشید. شب را با خوابهای گوناگون و رویدادهای مختلف روز قبل به صبح رسانیدم، ساعت هشت زمان حرکت بود سریع حاضر شدم و به محل اعزام نیرو رفتم. حاج غلوم زودتر آمده بود و چون هوا سرد بود چفیه ای به دورش پیچیده و محکم گره زده بود گفتم تو که هنوز به جبهه نرفته ای چفیه کجا گیر آورده ای؟ گفت همسایه ام چند بار به جبهه رفته و او بمن داد تا استفاده کنم پس از سلام و احوالپرسی از چند نفر دیگر که آنان نیزاعزامی بودند سوار اتوبوس شدیم و راهی سرزمین ایثار و مقاومت. در بین راه حاج غلوم با یکی از همسفران خوب گرم گرفته بود و برایشان حکایت های خنده دار تعریف می کرد من در لاک خود فرو رفته و حوادث چند سال جنگ را مرور می کردم. از خرابیها و دربدریهای هموطنان جنوبی و تلف شدن نیروی انسانی بخصوص جوانان پرشور وطنم. از محله ما فرهاد و عباس و چند نفر دیگر شهید شده بودند. از صبر و حوصله و بردباری خانواده های آنان و روحیه قوی و بالایشان به وجد می آمدم. من مادر شهیدی را دیدم که با گشاده روئی حجله ای زیبا برای فرزند شهیدش می بست و هر پارچه ای که نصب می کرد کِلی۲ میزد و شادی می نمود. آفرین براین زنان متدین و بردبار که پرورش دهنده ی انسانهایی بودند و هستند که از بهترین لحظات زندگی و عمر خود گذشتند و شیرین ترین ودیعه الهی یعنی جان خود را فدای عقیده و ایمان و کشور خود نمودند.

طرفهای عصر به محل استقرار نیروها یعنی جراحی رسیدیم، پس از بازرسی مختصری به داخل اردوگاه هدایت شدیم و بلافاصله دستور گرفتن پلاک شناسایی و لباس نظامی برای ما تازه واردان صادر شد و به سبک و سیاق سایرین درآمدیم. نماز مغرب و عشا را با افراد حاضر در اردوگاه بجای آوردیم از صفای ظاهر و باطن افراد لذت می بردم دو روز بعد به ما مأموریت دادند برای ثبت نام رزمندگانی که در خط مقدم جبهه و مستقر در شهر تسخیر شده ی فاو عراق بودند حرکت کنیم. اولین مقصد ما مارد بود به آنجا که رسیدیم محو روحیه و آمادگی هم وطنان غیرتمند و ایثار گر شدم. در بین رزمنده ها جوانی خوش بر و بالا وجود داشت بنام نعمت تا ما را دید با خوشروئی سلام کرد و چند دقیقه بعد برایمان بشقابی خرما آورد و تعارف کرد. هر کدام چند دانه خرما برداشتیم و بطرف ساحل رودخانه روانه شدیم تا از جریان آب گذر عمر را تماشا کنیم. لحظه ای نگذشت که هواپیماهای عراقی حمله کردند و به بمباران منطقه مشغول شدند. تنها کسی که شهید شد نعمت بود، پسر شاد و خندانی که هزاران امید داشت، ولی به اندازه ی عبور چند قطره آب که ما در کنارش ایستاده بودیم فرصت زیست نیافت.

چه غمگنانه بود پروازش و چه زود خاموش شد آن همه قیل و قال و شادی و سرور. آن صحنه و آن جایگاه هیچگاه از خاطرم محو نمی شود و مارد نقطه پایان یک زندگی زود گذر و آغاز مرحله ای جاودان بود.

۱- مرحوم حاج غلام تمجیدی
۲- کِل: نوعی ابراز شادیف

استعفای شهردار بوشهر، زیر سوال رفتن شورای شهر!

محمد محبوبی



مدتها پیش درگیری بین شورای شهربوشهر وشهردار بوشهر، به گونه ای بسیارزیرکانه و ابهام آمیز با کلی مسائل پشت پرده که ارتباط مستقیم با بیت المال و حقوق حقه شهروندان بوشهری داشته و دارد، رخ نمایان کرده بود. بنابراین شورای شهر بمنظور حراست ازمحتوی پشت پرده و جلوگیری از افشاری زودهنگام سناریو، پروژه را با فاصله ای دورتر از اصل موضوع اینگونه طراحی و مطرح نمود که شهردار مشکل خستگی و گرفتاری شخصی دارد، تا شاید پرده داران درون شورائی فرصتی مغتنم یافته از کناررفتن پرده ابهام آمیز جلوگیری کنند. لذا بازهم با ترفندی ازنوعی دیگر و بسیار پیچیده و مبهم، مدت قابل توجهی با توجیهاتی نه چندان عقلائی و با ارائه پاسخ هائی بسیارناامید کننده به هزاران پرسش مردمی درخصوص دلایل استعفای شهردار، عدم موافقت بااستعفای مشارالیه ودر نهایت چگونگی برنامه و تصمیمات جایگزینی نامبرده، شهردار را در کار خود ابقاء و عملا شهرداری بوشهر را در انجام امورات مردم از گردونه فعالیتهای مفید خارج کرده معطل نگاه داشتند. ولی سرانجام نسیمی از خانواده حقیقت وردّه حق الناس به سیاقی نامرئی پرده را کنار زده پرونده میلیاردی درون شهرداری را ب رروی میزهای عاملین و دست اندرکاران انعقاد این قرارداد عجیب وغریب باز کرد.ماجرا ازاین قراراست که شرکتی خدماتی با مدیریت شخصی بنام آقای نیکو جهت انجام جمع آوری زباله های شهری و کارهای مشابه با شهرداری وارد انعقاد قراردادی با تسهیلات میلیارد تومانی می گردد. می دانیم که در انعقاد قرارداد یکی از ارکان تصمیم گیری و صدور مجوز انعقاد، قبل از شهردار شورای شهرمی باشد. بنابراین شورای شهر نیز اولین مجموعه ای است که باید پاسخگو باشد. به هر روی عمل مذکور با اجماع و به نیت رفع مشکلات شهری بسته شد، بعد ازاین مرحله مدیریت شرکت مذکور با فراغ بال و آزادی بدون نظارت و کنترل و پیگیری و پرسش از طرف مسئولین ذیربط، با در دست داشتن مجوز مربوطه و درخواستهای مکرر و جدید، کلیه تسهیلات لازم میلیارد تومانی را جمع آوری کرده و دیار بوشهررا به سرای دیگر ترک می کند. هزارافسوس که این همه مردان پرمدعا پشت این قضیه بودند! اما چگونه یک نفر توانست ادعاهای پوچ و توخالی همه آنها را به راحتی اثبات کرده پرده ای سیاه بر مدیریت شهری آنان بکشد؟! همه ابهامات پرونده اززمان طرح موضوع و درخواست معطل کردن عدم موافقت با استعفای شهردار بی ربط با انعقاد قرارداد مزبور بنا شد. شاید اگر همان روزهای آغازین طرح استعفای شهردار، موافقت شورای شهررا به دنبال می داشت، این قرارداد به چنین محتوائی نمی رسید. بعد از افشای موضوع، شورای شهر جهت تکمیل اطلاعات خود از پرونده مذکور کمیته سه نفره حقیقت یاب خود را مامور رسیدگی به پرونده می نماید، کمیته نیز پس از صرف ساعتها کار مفید، مسیر عبور و گذر کلیه چکها، درخواستها، دریافتها، وخرجیها تا انتهای ماجرا را با ریز موضوع تکمیل و در اختیار شورا و مسئولین ذیربط و جراید می گذارد. جالب اینجاست ،حال که شورای شهر از کم و کیف دقیق و چگونگی ریز کامل این تخلف قرار گرفته است باید با استعفای شهرداری موافقت نکند و ایشان را در رأس پاسخگوی اصلی در کنار خود شورا بشناسد. ولی متاسفانه بدون درنظرگرفتن حقوق مردم واینکه ما نمایندگان مردمیم، بعد از مشخص شدن کامل موضوع تخلف و محرض بودن آن با سرعت مافوق صوت با استعفای شهردارموافقت می گردد. چرا؟! در اینجا نیز حرف و حدیث و بحث و گفتگو و ابهام به زیادت مفتوح خواهد بود. زیرا در روزهای آرامش و صلح، موافقت با استعفای شهردار توجیه دارد لکن درزمان بحران شهرداری، استعفا موافقت می گردد تا طرف پاسخگوئی به پرونده حذف گردد.

به حق جای سئوال از شورای شهر باقی است که اگر قرار داشتید طرف پاسخگوئی به پرونده را تبرئه کنید، دلیل ماموریت به کمیته سه نفره چیست؟ آیا موافقیت با استعفای شهردار دال برعدم پیگری عاملی و فاعلین ساخت پرونده مذکورخواهد بود؟ آیا تصور دارید که شهردار مستعفی از تخلف پرونده مبراست؟ و هزاران سئوال دیگر.

از نظر حقوقی، شهردار وقت در خصوص کلیه موارد مندرج در پرونده مسئول پاسخگوئی و پایه اصلی محاکمه خواهد بود حتی در صورتیکه نامبرده از خدمات دولتی بازنشسته شوند بازهم تخلف مربوطه اززمان مدیریت مشارالیه ساقط نگردیده ایشان قابل پیگرد قانونی خواهند بود. از طرفی چون تعرضی آشکار به بیت المال و حق الناس وارد گردیده حقوق شهروندی شهروندان بوشهری نقض گردیده است و شورای شهر نیز که نمایندگان اصلی مردم در اینگونه تصمیم گیریها هستند، به دلیل شناخت از مدیریت شرکت مورد نظر و اطلاع دقیق از چگونگی انعقاد قرار داد و تنظیم مفاد آن باید پاسخگوی عدم نظارت و کنترل و پیگیری کارهای مدیریت شرکت مزبور باشند. از جهتی دیگر دلایل وعلت العلل ها، سهل انگاری ها، بی تفاوتی ها و بی خبری های خود از گردش کار قرارداد مربوطه را به مردم شریف بوشهر توضیح داده به نمایندگی ازمردم به عنوان شاکی شکایت خود را علیه عاملین ردیف اول پرونده تسلیم مقامات ذیصلاح نماید در غیر اینصورت شورا خود در ردیف اول اتهام و پاسخگوئی قرارخواهد گرفت.امید است درآینده مدیران شورائی و شهرداری مشورت پذیر شوند. غفلت را از سرلوحه اهداف مدیریتی خویش حذف کنند. خدا را درنظر گرفته مردم را ببینند. تا شاهد اینگونه زیان و ضررها نباشیم.

عبور تخلف از دالان های خالی و خلوت شورا و شهرداری بوشهر؟!



شورای شهر نهادی نظارتی از جانب مردم و دستگاه های نظارتی از جانب دولت بر عملکرد شهرداری می باشد و شهرداری می بایست در برابر این دستگاه های نظارتی و شورا بطور مکرر پاسخگو باشد. متأسفانه با توجه به عدم نظارت کافی شورای شهر بوشهر و حمایت بی چون چرای بعضی از اعضای شورا از شهرداری، گویا شهرداری، شورا را دور زده و شورا را از سیستم نظارتی خود خارج کرده و با توجه به روابط نزدیک بعضی از مسئولین، دستگاه های ناظر دولتی تاثیرگذار بر شهرداری، این دستگاه ها از حالت نظارتی خارج شدند و وقتی خیال آقایان از تمامی مراکز نظارتی راحت شد، انحراف در حوزه های مختلف مدیریت شهری رخ داده و سیستم های نظارتی بجای اینکه کار نظارتی را انجام دهند در مقابل عملکردهای غیرقانونی شهرداری به بَه بَه و چَه چَه مشغول شده و شهرداری را تشویق کرده و این کار باعث ایجاد انحراف از ضوابط و قوانین گردیده است.

۷۰ نفر بدون مجوز در شهرداری بکار گرفته میشوند، تخفیف ها و پاداش های غیرقانونی به افراد داده میشود، مُهر شهرداری و ضمانت نامه ۳۰۰ میلیون تومانی به سرقت می رود، خزانه شهرداری خالی می شود، پروژه های عمرانی سال ۸۸ که هم اکنون ۸ ماه از سال می گذرد بدون مناقصه و بلاتکلیف بر زمین می ماند، ده ها مصوبه شورا بر زمین مانده است و آنگاه آقای شهردار با پشت کردن به این همه مشکلات براحتی استعفای خود را تقدیم شورا می کند و شورایِ مات شده بر سر دروازه شهر (تراس ساختمان امیریه) سر در گم، دست در گریبان به چه کنم! می نشیند.

حال شورای شهر بوشهر نمی داند به دنبال سیروس نیکو مدیرعامل شرکت خدماتی جنوب ساحل کیان یا افراد خاصی در شهرداری و یا به دنبال اموال بر باد رفته باشد و یا به دنبال حل مشکلات مطالبات پیمانکاران و یا حقوق پرسنل و یا به دنبال استعفای شهردار؟! این است ریاست مهندس رجایی و نظارت بعضی از اعضا محترم شورای شهر...

نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند
نه هر که آینه سازد سکندری داند
نه هر طرف کله کج نهاد و تند نشست
کلاهداری و آئین سروری داند (حافظ)

به ناچار جهت رهایی از این مخمصه، شورا پرونده مدیرعامل فراری شرکت خدماتی جنوب ساحل کیان را با همه مصیبت هایش کنار می گذارد و با تلاش های فراوان، رای بعضی از اعضا شورا جهت قبول استعفا شهردار گرفته می شود و فضل اله توسلی به عنوان سرپرست شهرداری انتخاب می شود تا شاید چند روزی فضایی آرام ایجاد شود. اما حل مشکلات باقی مانده از توان چه کسی ساخته است؟ آیا توسلی و یا بعد از توسلی می تواند این مشکلات را حل کند؟ سوالی است که بی پاسخ مانده است.

اگرچه بنای شهرداری بر این بود که مهندس رجایی را تا پایان بسته شدن پرونده شرکت خدماتی جنوب ساحل کیان و وضعیت بغرنج پاکبانان در شهرداری نگه دارد اما بنا به مقصد نرسید و پیش از بسته شدن پرونده شهرداری، سرپرستی دیگر بر کرسی شهرداری جای گرفت.

در گزارش ۴ صفحه ای که چندی پیش از سوی هیئت ۳ نفره شورای شهر تهیه شد مسائل تلخ و مهمی آورده شده که براحتی نمی توان از کنار آن گذشت.

در قسمتی از آن آمده است: «آن چه که مشخص است و نمی توان از آن به راحتی عبور کرد این حقیقت تلخ اما واقعیت انکار ناپذیر است که شهرداری بوشهر از یک بیماری مزمن - که همانا کمبود نیروی متخصص و کارآمد و در رأس آن یک مدیریت توانمند، خلاق و همه جانبه نگر می باشد - به شدت رنج می برد که در اولین قدم ساماندهی منابع مالی و انسانی آن، از مهم ترین و اساسی ترین فعالیت هایی است که شورا و شهرداری می بایست به انجام آن همت گمارند... در این رهگذر زمزمه ی انتقال و جابجایی شهردار که متأسفانه از سال گذشته تاکنون توسط ایشان و نزدیکان وی بارها و بارها درمحافل خصوصی و عمومی مطرح گردیده و فضای عمومی را به خود مشغول نموده در ایجاد این گونه نابسامانی ها و بی نظمی ها دخیل بوده و باعث بی ثباتی و عدم نظارت و کنترل کافی گردیده و به نظر می رسد در این مدت کشتی شهرداری بدون قطب نما و سکان حرکت نموده که اکنون رساندن آن به ساحل سلامت ، زمان زیاد و درایت بالایی را طلب می کند.»

درباره تخلفات آشکار شرکت خدماتی جنوب ساحل کیان با مدیریت سیروس نیکو که وظیفه جمع آوری زباله ، ضایعات ، نظافت و پاکسازی (تنظیف معابر) ، لایروبی و شستشوی کانال ها (روباز و روبسته) و جداول سطح منطقه را داشته است، در این گزارش سخن به میان آمده که با سهل انگاری شهرداری بوشهر بوقوع پیوسته از جمله عدم خریداری ماشین آلات از طرف شرکت مذکور (بر اساس ادعای مدیران شهرداری به هنگام تصویب لایحه مربوطه در صحن شورا ، مقرر گردیده بود که برنده مناقصه ی خدمات شهری پس از عقد قرارداد، خود رأساً اقدام به خرید خودرو های حمل زباله نماید که در حال حاضر مالک خودروها فرد دیگری است که اسناد مالکیت خودروها را نیز در اختیار داشته و ادعا می کند با شرکت کیان ساحل جنوب صرفاً قرارداد همکاری دارد)، عدم افتتاح حساب مشترک نزد یکی از بانک ها با پیمانکار خدمات شهری برای پرداخت حقوق و مزایای کارگران، خروج ابهام آمیز اسناد ضمانت نامه ی بانکی پیمان مذکور (در نیمه ی اول مهر ماه سال جاری اسناد ضمانت نامه ی بانکی پیمان مذکور به مبلغ دو میلیارد و نهصد و هفتاد میلیون ریال که به شماره ۹۸۴۵ مورخ ۸۷/۹/۵ بانک سپه شعبه بندر بوشهر صادر گردیده و در پرونده این شرکت نزد مدیریت مالی شهرداری نگهداری می گردیده به طرز ماهرانه ای از پرونده خارج و در تاریخ ۸۸/۷/۱۲ بدون هیچ گونه معرفی نامه ی کتبی از جانب شهرداری که البته از شرایط لاینفک ابطال هم می باشد توسط بانک سپه ابطال گردیده و به فاصله چند روز بعد از آن سیروس نیکو مدیر عامل شرکت کیان ساحل جنوب ناپدید می گردد)، استفاده چندین ساله از مهر باطله در سیستم مالی شهرداری، علی رغم ساخت مهر جدید (ابطالِ اسناد ضمانت نامه مورد اشاره نیز دقیقاً با استفاده از همین مهر باطله انجام گردیده که طبق اطلاع مدتی نیز در همین اثنی مفقود می گردد)، پاسخ مثبت به نامه ی استعلام پلاک شماره ۴ و ۳۸۸۷/۱ (بدون رعایت تشریفات قانونی و در قبال اخذ یک قطعه چک فاقد اعتبار از سیروس نیکو، در حالی که پاسخ به استعلام پلاک مذکور می بایست پس از طرح موضوع در کمیسیون ماده صد و پرداخت مبلغی حداقل بین یک میلیارد و دویست میلیون ریال تا دو میلیارد و پانصد میلیون ریال صورت می پذیرفت) که برای بررسی قانونی این تخلفات حتما باید مراحل قانونی طی شود.

در هر صورت با وجود تخلفاتی به این شدت، در جلسه ای که بیش از ۴ ساعت و در پشت درهای بسته در ساختمان امیریه بوشهر برگزا شد، فضل اله توسلی قانونا از تاریخ ۸۸/۸/۲۰ به عنوان سرپرست شهرداری انتخاب گردید و مهندس رجایی برای همیشه با کاخ شهرداری وداع گفت. جلسه تودیع رجایی و معارفه فضل اله توسلی در شنبه در دفتر شهرداری برگزار گردید. (امضاء محفوظ)

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت (۷)

پیامبر (ص) اهل مدارا با مردم بود

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



پیامبر اسلام با مردم مسلمان و غیر مسلمان با رفق و مدارا رفتار می کرد با آنان دوست و مهربان بود و چون یک طبیب در میان مردم می گشت و دست گمراهان را می گرفت. برای همین مهر و محبت و گذشت و عفو آن حضرت(ص) نسبت به خطاهای آنان بود که گروه گروه به ایشان می پیوستند و جان و مالشان را در راه اهداف پیامبر فدا می کردند.

«فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفظوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم» به لطف رحمت الهی، با آنان نرم خوی و پر مهر شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه. (سوره آل عمران/۱۵۹.)

پیامبر(ص):«امرنی ربی بمداراه الناس کما امرنی باداء الفرائض» پروردگارم مرا به مدارا با مردم فرمان داده است، آن سان که مرا به انجام واجبات فرمان داد. (اصول کافی/ ج۲/ ص۱۱۷.)

امام صادق(ع):«جبرئیل به نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت سلام می رساند«و یقول لک دار خلقی»و می فرماید: با خلق من مدارا کن» (کافی/ ج۲/ ص۱۱۷.)

خداوند در قرآن فرمان می دهد به پیامبر(ص)که: «خذالعفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» گذشت پیشه کن، و به نیکی فرمان ده، و از نادانان روی برتاب، پیامبر(ص)از این اخلاق به نتایج بلند و بسیاری رسیده بود لذا خود می فرمود:«من اعطی حظه من الرفق فقد اعطی حظه من خیر الدنیا و الآخره» کسی که بهره ای از رفق و مدارا دارد، بهره اش از خیر دنیا و آخرت داده شده است. (تنبیه الغافلین/ ص۴۰۵.)

پیامبر(ص)فرمود:«ما پیامبران همگی امر به مدارا با مردمان شده ایم» (امالی طوسی/ ج۱/ ص۱۳۵.)

موفقیت در زندگی و سیاست اداره ی مملکت و اجتماع، مدارا و محبت با مردم است. حکومت هایی که چنگ و دندان به مردم نشان می دهند وقدرت خود را به رخ مردمشان می کشند، از چشم مردم می افتند و کلید نابودی و شکست خود را رقم می زنند.

علی(ع): «نعم السیاسه الرفق» و «اذا ملکت فارفق» بهترین سیاست رفق و مدارا است. (غررالحکم/ ج۲/ ص۲۹۴.)

و هرگاه زمامدار شدی باید رفق و مدارا پیش گیری. (غررالحکم/ ج۱/ ص.۲۷۵)

پیامبر(ص)بیش ترین لطف را به مردم داشت.

به قول مولانا:

مهر و رقت وصف انسانی بود
خشم و شهوت وصف حیوانی بود

یکی از یاران پیامبر(ص)می گوید: عده ای از مردم پیامبر را مجروح کردند و آن حضرت(ص) در حالی که خون از چهره ی خویش می زدود دعا می کرد که:«رب اغفر لقومی فانهم لا یعلمون» پروردگارا قوم مرا ببخش که آنان نمی فهمند. (سیره ابن هشام/ ج۴/ ص۲۶.)

پیامبر(ص) نرمخوترین مردمان بود. «کان الینهم عریکه». (تاریخ المدینه المنوره/ ج۲/ ص۶۰۵.)

به قول استاد مطهری: اسلام قانون محبت است پیغمبر اکرم را رحمه العالمین معرفی می کند. «و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین» نفرستادیم تو را مگر که مهر و رحمتی باشی برای جهانیان. (سوره انبیاء/۱۰۷.)

یعنی نسبت به خطرناک ترین دشمنانت نیز رحمت باشی و به آنان نیز محبت کنی. (جاذبه و دافعه علی(ع)/ ص۱۴.)

خشونت و سخت گیری آهسته آهسته دوستان را از پیرامون انسان پراکنده می کند و سر تنهابی حاکمان نیز همین است که مغرور قدرت خود به سپاهیان و سربازان خود می شوند و مردم و دلسوزان را از دست می دهند و روزی می رسد که دیگر کسی از دوستان و یاران سابق ندارند. لذا با اسلحه مردم را نشانه می گیرند اما هیهات که اسلحه به اصلاح نمی انجامد و یک وقت می بینند مؤمن و با تقوای دیروز، دستش به خون آغشته است و سعید دیروز شقی امروز شده است.

علی(ع) به مالک اشتر به عنوان یک زمامدار توصیه می کند که: «و اشعر قلبک الرحمه للرعیه و للمحبه لهم و اللطف بهم...»

احساس مهر و محبت به مردم را و ملاطفت با آن ها را در دلت بیدار کن... از عفو و گذشت با آنان بهره ای بده همچنانکه دوست داری خداوند از عفو و گذشتش تو را بهره مند گرداند.

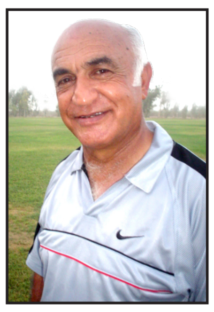
چون حاکم سالم کسی است که در فکر گلستان کردن مملکت است نه در فکر پادگان کردن آن و با «فرهنگ» مملکت را اداره می کند نه با «سرهنگ».

به قول استاد مطهری:«علت گرایش مردم به پیغمبر اکرم [در قرآن] علاقه و مهری است که نبی اکرم نسبت به آنان مبذول می داشت» (جاذبه و دافعه علی(ع)/ ص۶۲.)

او به تیغ حلم چندین خلق را
وا خرید از تیغ، چندین حلق را
تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر
بل ز صد لشکر، ظفر انگیزتر (مثنوی معنوی)

ناصر ابراهیمی سرمربی ایرانجوان بوشهر:

استعفا داده ام اما می مانم



– در برابرشهر داری تبریز بازی خوبی انجام ندادیدو شکست سنگینی متحمل شدید؟ متاسفانه یکی از ضعیف ترین بازی هایمان را انجام دادیم و به بدترین شکل پنج گل دریافت کردیم .

– مثل اینکه پس از بازی،شما از سمت خودتان استعفا دادید؟ بله.

– یعنی دیگر در ایرانجوان فعا لیت نمی کنید؟ چرا فعالیت خواهم کرد.

– شما گفتید استعفا دادم و حالا اعلام میدارید که سرمربی هستم؟ خواستم شوک به تیم وارد شود.

– گمان می کنم کسی شما را از استعفا دادن پشیمان کرده باشد؟ جناب آقای جعفر پورکبگانی با استعفای من مخالفت کرد ومن هم قبول کردم در ایرانجوان ادامه دهم.

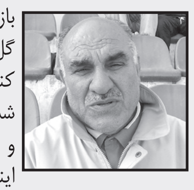
– خودت هم دوست داری در ایرانجوان کار کنید ؟بله، من با علاقه به بوشهر آمدم تا در ایرانجوان خدمت کنم شما میدانید که قرارداد من ۳۰ میلیون تومان است.

– در یکی از سایت ها از قول شما نوشته شده بود شما گفتید من مربی نیستم که برای ۳۰۰ میلیون توامن مربی گری کنم ،آیا این موضوع صحت دارد؟ نه اصلا، من این حرفها رانزده ام و تکذیب میکنم ترا خدا بگوئید این چیز ها را ننویسند.

– خبرهای مبنی بر برکناری دو همکار شما از کادر فنی به گوش می رسد، آیا این مسله هم صحت ندارد؟ نه بابا چنین چیزی نیست اگه هم باشد من در این رابطه چیزی نمی دانم.

شاهین را کاندیدای سقوط نکنیم

عباس سالارپور



بازیکنی که انتظار میرفت مشکل گل زنی خط حمله شاهین را حل کند و برای همین منظور جذب تیم شده است انتظارات کادر فنی، تیم و هواداران برآورده نکرد. شکرون تا اینجا کاری برای تیم شاهین کاری انجام نداده است. از چند و چون قضیه که با کدام شناخت و از چه تیمی و با چه میزان از آمادگی و با چه مبلغی به تیم شاهین اضافه شده اطلاع دقیقی ندارم و آیا توان بازی کردن در تیم های لیگ برتر را دارد یا خیر؟

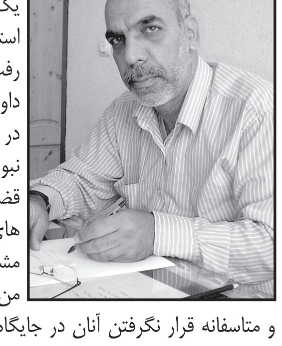
شاهین برای رفع مشکل گلزنی به بازیکنان تراز اول و



تأثیرگذار و تمام کننده نیاز دارد، تا مشکل خط حمله تیم بهبود بخشیده و بهتر شود. شکرون با سایر بازیکنان تیم فرقی ندارد و در این دو یا سه بازی که به عنوانِ یار تعویضی به زمین آمده کار خاصی از او ندیده ایم، معمولاً برای تقویت تیم بازیکن آماده بخدمت می گیرند، چرا که لیگ میدان آزمایش و دادن تست فنی و آماده کردن بازیکن نیست؛ این بازیکن اگر آماده است چرا حتی بطور کامل برای تیم بازی نمی کند، و اگر آماده نبوده؛ چرا قرار داد با شاهین امضاء کرده، و چنانچه این بازیکنان بدرد تیم میخورند، پس والنته برزیلی که فیزیکی تر و جنگنده تر از شکرون بود باید حفظ می شد تا اینهمه بار مالی و مسئله اقتصادی برای شاهین نداشته باشد. به هر تقدیر شاهین بنظر نمی رسد با این نوع بازیهائی که انجام میدهد بتواند موفق باشد و کاری از پیش ببرد. از طرفی راه آهن، فولاد و پاس یعنی ته جدولی ها تهدیدی های جدی هستند. کار محمود یاوری که اکثر تساویها خانگی بوده، جالب بنظر نمی رسد و چنانچه تیم در نیم فصل دوم تقویت نشود و بهمین منوال بازیها شروع و ادامه دهد، بیم آن می رود که یکی از نامزدهای سقوط باشد. برای درک یک حقیقت باید به آن نگاه کنیم، نه اینکه از آن بگریزیم.

امید به داوری های با حداقل اشتباهات

مجید مشایخ – رئیس کمیته داوران هیات فوتبال استان بوشهر



سرانجام لیگ برتر با یک بازی باقیمانده به استراحت نیم فصل رفت. بررسی وضعیت داوری های انجام شده در مجموع رضایت کننده نبود. اگر کارشناسانه به قضاوت ها بنگریم ضعف های بزرگی در قضاوتها مشاهده شد که به نظر من دلیلش ضعف داورها و متاسفانه قرار نگرفتن آنان در جایگاه اصلی که همانا لیگ های پاین تراست می باشد.

بحث بر سر جوانگرایی و جوان بودن داوران است و علت اشتباهات را به این موضوع ربط می دهند. سئوال من این است مگر داوری که برای لیگ برترانتخاب شده حداقل ۸ سال قضاوت کشوری نداشته؟ مگر اجرای قانون و قوانین داوری در همه حال یکسان نیست؟ باید بگویم اشکال بر سراصل عدم کفایت داوری و ترس و نداشتن قوانین داوری علت ضعف آنان بوده که قادر به اجرای صحیح آن در زمین نبوده اند. تیمهای زیادی ازاین ضعف ها زیان دیدند که یکی از آنان شاهین بوشهر بود. به هر حال امیداوریم با دقت خاص توسط مسئول کمیته داوران تجدید نظر درگزینش ها، در نیم فصل دوم این عیب ها ازبین برود و شاهد داوری های با حداقل اشتباهات باشیم.

خوشبختانه ما به حق واقعی خودمان که قضاوت داوریهای بوشهردر لیگ برتر بود رسیدیم و با توجه به شناختی که از بچه های بوشهر دارم و شاهد بودید که آقای عامری قضاوت خوبی داشتند. امیدوارم درآینده داوری ما به جایگاه اصلی خود که قضاوت های بیشتردر لیگ برتر است برسیم.

فقط یک نیم فصل تا ماندن یا رفتن فرصت داریم!

رضا سیاهوشی



تیم شاهین با انجام ۱۶ بازی و کسب ۱۶ امتیاز (از نظر آماری هربازی یک امتیاز) که حاصل از ۳ برد – ۷ مساوی – ۶ باخت –۲۱ گل زده – ۲۴ گل خورده – تفاضل منفی ۳ و قرار گرفتن در مکان ۱۵ جدول بازی های نیم فصل خود را به پایان برد که از مجموع امتیازات کسب شده ۲ امتیاز از ۵ بازی مربوط به دوره سرمربیگری کللی فرد و ۱۴ امتیاز دیگر نیز از ۱۱ بازی و توسط یاوری می باشد که ۲ امتیاز آن هم بخاطر تخطی تیم پاس و استفاده از بازیکن ۳ اخطاره بود. اما در مجموع و با توجه به بازی های که میزبانی آنرا بعهده داشتیم نمی تواند آمار قابل قبول و منطقی باشد و دیگر شانس خوبی که نصیب ما گردید عدم نتیجه گیری تیم های پاس ، فولاد، ابومسلم بود که در رتبه های ۱۶ تا ۱۸ جدول جا خوش کرده بودند و بدون تردید اگر در دور برگشت نیز همین روند ادامه داشته باشد یکی از نمایندگان سقوط به لیگ یک خواهیم بود و سرنوشت شوم شیرین فراز کرمانشاه به ما هم سرایت خواهد کرد.

ولی برای جلوگیری و پیشگیری



از آن و با توجه به فرصت نسبتاً مناسبی که در بازی های برگشت داریم که به مراتب هم بسیارسخت و مشکل ساز است لازم است تدبیری اساسی همراه با شور و مشورت با صاحب نظران و اهالی فن اندیشه شود و در اتاق فکری برای آینده شاهین و فوتبال بوشهر تصمیمات مهم و کارساز اتخاذ و اجرا گردد تا ضمن جلوگیری از هدر رفتن میلیاردها پول و بودجه ایی که برای صعود و حضور در لیگ برتر صرف شد، دل هزاران جوان مشتاق و علاقمندی که به عشق شاهین و برگزاری مسابقات به ورزشگاه پیر شهید بهشتی بوشهر سرازیر می شوند شکسته نشود و این بارقه امید و انگیزه ای که در بین بازیکنان استان ایجاد شده است و تلاش مضاعفی برای حضور در تیم شاهین و لیگ برتر را دارند، از بین نرود وهمانطور که سرهنگ خود بارها از تماشاگران، مدیریت و امکانات موجود در باشگاه شاهین اعلام رضایت نموده و می داند که اگر یکی از این موارد ردیف نباشد، می تواند اثرات منفی و جبران ناپذیری بر یک تیم وارد نماید و علیرغم کسب نتایج نه چندان مطلوب باز هم مورد حمایت جدی می باشد و نتیجه اینکه عوامل پشتیبانی کار خود را به نحواحسن انجام داده و دیگر وظیفه کادر فنی است که جبران مافات نماید. زیرا دیگر فرصت و توان پرداخت اشتباهات نداریم و لازم است یاوری در این ۲۰ روز تعطیلی مسابقات ضمن برطرف نمودن عیب های فنی، کارهای تکمیل، ترمیم و تمرین تیم خود را به درستی و بادقت کامل انجام داده تا ضمن خروج شاهین از بحران به فکر جمع آوری امتیازات لازم بخصوص از بازی های خانگی باشد. ضمن اینکه لازم است در انتخاب بازیکنان جدید بیشترین دقت انجام دهد و مانند خرید بی حاصل ناصر شکرون نگردد که هم از نظر مالی و هم از بُعد فنی متضرر گردیم!

هرچند که پرداختن ما به این موارد فقط از سر دلسوزی و قصد تضعیف و تخریب کسی نبوده و نیست اما گاهی هشدارهای جهت هوشیاری و رعایت جانب احتیاط لازم و ضروری است زیرا که بعضی از آقایان بازیکن و مربی چه خوب و چه بد مهمان ما آنهم بخاطر حرفه اشان بوده و ماییم که با شاهین و فوتبال بوشهر زندگی می کنیم و لازم است ضمن حمایت و پشتیبانی منطقی چشمان بصیرت خود را جهت دیدن همه چیز به خوبی باز نماییم تا ضعف ها را برطرف و قوت ها را ارتقاء و تقویت بخشیم.

در اوج انتقادات، می توانیم به شرایط مطلوب باز گردیم

مجید اصلانی



اجازه بدهید مردم قضاوت کنند، همواره تماشاگران سکونشین و بینندگان علاقمند به فوتبال بهترین واکنش ها را نسبت به مسایل نشان داده اند و با شعوربالایی که دارند قدرت تجزیه و تحلیل خوبی داشته و بهترین عکس العمل را نشان می دهند مردم با شاخک های حسی خود خوب می فهمند و بهترین قضاوت را در مورد مسائل روز ورزش و فوتبال دارند. تنها با صداقت می توان محبوبیت بدست آورد، وقتی قراراباشد اصل صداقت و اخلاق خدشه دار شود، آنگاه می بایست منتظر تبعات آن بود (فلانی حیا کن– تیم ما را رها کن).

امیدواریم که سرمربی باسابقه حاضر فوتبال ایران این پیغام سکونشین های قابل احترام و اعتماد را شنیده باشند. ژست مشاوره پذیری می گیرند ولی به طورواقعی مشاوره پذیرنیستند. به هرحال به شعور مردم نمی توان توهین کرد، سکونشین ها مسایل را خوب می فهمند.

نیم فصل اول مسابقات لیگ برتر



با یک بازی کمتر به اتمام رسید و کیفیت بازیهای این دوره بنا به عقیده واظهارات کارشناسان و صاحب نظران اهل فن این لیگ به مراتب ضعیف تر از دوره های پیشین بود. تیم ها در انتخاب واجرای تاکتیک نوسان و در سطح متوسط روبه ضعف عمل نمودند. مشکلات آمادگی جسمانی شادابی و طراوت و روانی بازی ها را خدشه دار ساخت و به جای آن درگیریهای فیزیکی و برخوردها درمیانه میدان (برابر آماراستخراجی از ۱۴۴ بازی ۳۱ کارت قرمز و ۴۶۱ کارت زرد سهم بازیکنان شد که معدل هر بازی ۳/۴ کارت می باشد) و خارج نمودن توپ از جریان بازی جایگزین نمودند وهمین موضوع در دیدگاه نهایی مربیان مبدل شد که به حربه ضعیف بودن قضاوت داورها و یا این که در حد لیگ برتر نیستند! روی آورند و مستمسکی قرار دادند تا با انجام مصاحبه های زیر و درشت در پشت این موضوع سنگر گرفته وعمده ضعف و نقیصه های خود را لاپوشانی نمایند. خب حالا با این اوضاع و احوال بگردید دنبال پدیده و یا پدیده های لیگ نهم (علی کریمی پدیده دهه ی هفتاد با ۱۰ گل زده و ۷ پاس گل با جمع ۱۷ امتیاز پدیده نیم فصل لیگ نهم می شوند!) در کنگره علم و فوتبال از جانب برخی عنوان شده بود که مربیان جوان و آکادمیک توانمندی و کارایی به تناسب با مربیان سنتی و با تجربه را ندارند و کارنامه موفقی ارایه نداده اند.

با احترام به تمامی آنان فعلاً که بارعلمی همگی کارنامه متوسط و رو به ضعیف برابر خروجی آمارها مشاهده می گردد، عده ای از مربیان کاسب کار و پیمان کار بدون این که ازتوانایی ذهنی و قابلیت های جسمانی بازیکنان خود به درستی آگاه باشند و استفاده نمایند با اتخاذ تمریناتی با بارعلمی نازل موجب گردیدند که بازیکنان با بی میلی و یا اجبار تن به تمرینات و خواسته های تحمیل گرایانه مربیان تن دهند که نتیجه اش اظهرمن الشمس است. تازمانی که مربیان فعلی درلیگ های ایران به خصوص لیگ برتر «بین المللی اندیشه» ننمایند به هیچ وجه به سمت ساختارسازی وایده های نوین و شیک و شکیل قابل اندازه گیری علمی نخواهیم رفت.

چنان چه تاکنون به خوبی روی خط امواج وآنتن مسابقات لیگ برتر بوده اید متوجه شده اید که عملا نه حرف و پیام جدیدی شنیدید و نه شاهد عمل و اجرای تاکتیک منحصر به فردی بودید و به جای عمل نو و خلاق مرتب مربیان به نیمه راه نرسیده تعویض و با شعار نخ نمای «شوک مثبت» دوباره نفرات تکراری و منتظر جانشین مغضوبین به اصطلاح غیرکارا گردیدند عجب حکایت است این فوتبال محلی و کند ما!

عملکرد شاهین در نیم فصل اول

علیرضا محمدی



اگر با اعتماد به نفس انتظار وقوع چیزی را داشته باشیم، پیرامونمان محقق می شود. ما همیشه هماهنگ با انتظاراتمان عمل می کنیم و انتظارات ما بررفتار و طرز تلقی اطرافیمان نیز تاثیر می گذارد. «برایان تریسی»

یوونتوس ایتالیا شاید یکی از ریشه دارترین تیم های ایتالیا و جهان باشد که هواداران دو آتیشه و پرشمار آن به شکل عجیبی تیم محبوب خود را حمایت می کنند. نوع ساپورت و حمایت طرفداران یوونتوس به گونه ای است که حتی زمانی که بدلیل برخی مسایل این تیم ریشه دار به لیگ پائین تر(دسته اول) ایتالیا فرستاده شد فوق ستاره های این تیم از جمله دل پیرو، پاول ندود، جان لویجی بوفون و... دراین تیم ماندند و تیم را به لیگ برتر ایتالیا رساندند. حتی یوونتوس با زلاتان ابراهاموویچ گلزن نیز پس ازاولین حضور خود در لیگ برتر به بقا درسطح اول فوتبال راضی شد تا کم کم به اقتدار گذشته دست یابد. در ایران نیز نحوه سقوط وصعود تیم ها به لیگ برتر تأمل برانگیز بوده اند. برخی تیم ها که



مشابه آسانسور مدام در بین لیگ برتر و لیگ دسته اول در حرکتند. پگاه گیلان، شیرین فراز کرمانشاه، صنعت نفت آبادان و... ازاین جمله اند ولی برخی تیم ها نیز با انسجامی بیشتر و با نگاهی منطقی ترلیگ برتر را فرارو قرار داده اند.

صبا باتری تیمی که ۳ سال گذشته به لیگ برترراه یافت پس از تثبیت خود در یکی دو سال گذشته به عنوان یکی از سهمیه های آسیایی ایران در جام باشگاه های آسیا حضور یافت. در سال جاری لیگ برتر با حضور استیل آذین پرهیاهو و با شانتاژهای تبلیغاتی آنچنانی در کنار دو تیم محبوب و مردمی شاهین و تراکتورسازی گویا فصلی جدید در تقویم لیگ رقم می زنند.

شاهین که درپنج هفته اول مسابقات به دلیل برخی مسایل تنها ۲ امتیاز کسب کرده بود و در ته جدول به سر می برد با حضور محمود یاوری (رکورد دار مربیگری در لیگ برتر) با کسب ۴ امتیاز ازدو بازی حساس مقابل پرسپولیس درتهران و شکست سنگین مس دربوشهر وکسب ۳ امتیاز در مقابل راه آهن درتهران و... علاوه بر بازی روان تر و پخته تر از تیم، وضعیت شاهین را در جدول به رده چهاردهم ارتقاء داد تا در نیم فصل لیگ برتر مجموعه تیم با تجدید قوا و هماهنگی بیشتر با بقا در لیگ برتر امسال پاسخی مناسب به هواداران پرشورهمیشگی خود داده باشند.

حال که خوشبختانه شاهین در آسمان لیگ برتر پرواز می کند می توان با نگاهی منطقی تر و به دور از احساسات سطح خواسته ها و انتظاراتمان را از این تیم محبوب شهرمان در حد قابل قبول نگه داریم و برای تثبیت جایگاه شاهین در سطح اول فوتبال ایران امیدوار باشیم. به امید موفقیت.....

مدیرعامل شاهین بوشهر:

باید بازیکنان بومی را به این استان بازگردانیم



مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی شاهین پارس بوشهر گفت: همه تلاش ما فراهم کردن زمینه بازگشت بازیکنان بوشهری حاضر در تیم های لیگ برتر فوتبال به این استان است. مجید حسینی کنگانی در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: هم اکنون هفت فوتبالیست بوشهری در تیم های لیگ برتر حضور دارند که بازگشت آنان به استان بوشهر، موجب رونق دوباره فوتبال این استان خواهد شد. حسینی کنگانی اظهار داشت: برای اینکه بتوانیم این بازیکنان را به استان بوشهر جذب کنیم و همچنین مانع خروج دیگر استعدادهای بومی شویم، باید با برخورداری از پشتوانه مالی قوی، زمینه های لازم را در این خصوص فراهم کنیم.

وی اضافه کرد: مبلغ قرارداد بازیکنان شاهین در این فصل در مجموع ۳۸ میلیارد ریال بوده است که از این مبلغ ۱۰ میلیارد ریال پرداخت شده در حالی که این رقم در تیم های دیگر بطور میانگین ۱۶۰ میلیارد ریال بوده است.

حسینی کنگانی یادآور شد: بازیکنان شاهین بسیار محبوب، محجوب و قانع هستند و مشکلات مالی نه تنها موجب کم کاری آنان نشده است بلکه پس از تغییرات ایجاد شده در کادر فنی و انجام اقدامات فرهنگی و لازم در باشگاه، حمایت و همدلی مطلوبی در باشگاه ایجاد شده است طوری که تاکنون چندین بار به عنوان با انضباط ترین و بااخلاق ترین تیم لیگ برتر انتخاب شده ایم.

حسینی کنگانی با انتقاد از حرکات ناشایست برخی تماشاگرنماها در دیدارهای خانگی گفت: اعتراض و حرکات ناشایست برخی از تماشاگران بیشتر به داوری بازی ها مربوط می شد که اگرچه مشکلات زیادی را برای تیم و باشگاه ایجاد کرد اما امروز این مشکلات کاهش یافته که نقش رسانه ها و کانون هواداران شاهین در این زمینه تعیین کننده بوده است.

ر maxچیست؟

زیبا راستیان



مقدار اکسیژنی که در اوج تمرینات هوازی در بافت های بدن به مصرف می رسد max Vo۲ نام دارد. این مقدار بر حسب میلی لیتر در دقیقه به ازاء هر کیلوگرم وزن بدن محاسبه می شود . کسانی که max Vo۲ بالاتری دارند، بیشتر می توانند در تمرینات فشرده استقامت داشته باشند. تحقیقات نشان می دهند که max Vo۲ با فشرده تر کردن تمرینات قابل افزایش است، به طوری که می تواند راندمان قلب را بین ۶۵ تا ۸۰ درصد بهبود بخشد این تمرینات بایستی در طول هفته سه تا پنج بار و هر بار به مدت بیست دقیقه انجام شود. برای افزایشmax Vo۲ انجام تمرینات زیر پیشنهاد می شود:

روش۱– به مدت ۵ دقیقه با حداکثر توان خود بدوید. مسافت طی شده را یادداشت کنید فرض می کنیم این مسافت ۱۹۰۰ متر است،۵ دقیقه استراحت کنید سپس همان مسافت را(۱۹۰۰ متر) با سرعت کندتر بدوید تا زمان آن طولانی تر شود. مثلاً به مدت ۶ دقیقه برسد. آنگاه ۳۰ ثانیه استراحت کنید. این کار را آنقدر انجام دهید تا حدوداً ۱۰ کیلومتر بدوید.

روش۳– به مدت ۴ دقیقه با حداکثر توان خود بدوید. مسافت طی شده را یادداشت کنید. چهار دقیقه استراحت کنید. به فرض ۱۵۰۰ متر را دویده اید. بار دوم همین مسافت را آهسته تر یعنی با زمان بیشتر بدوید. مثلاً به مدت ۵ دقیقه و ۳۰ ثانیه. سپس ۴۵ ثانیه استراحت کنید. این کار را آنقدر تکرار کنید تا بین ۵ تا ۱۰ کیلومتر را دویده باشید.

روش۳– به مدت ۱۵ دقیقه بدون استراحت بدوید. به گونه ای که انرژی تان را قبل از ۱۵ دقیقه از دست ندهید. در این روش می توانید max Vo۲ خود را محاسبه کنید. فراموش نکنید که مسافتی را که در این ۱۵ دقیقه دویده اید اندازه گیری و یادداشت کنید با استفاده از معادله زیرmax Vo۲ را محاسبه کنید(۱)

max Vo۲ =((۱۵ دقیقه) مسافت طی شده در ۱۵ دقیقه –۱۳۳) × درصد ۱۷۲] +۳۳،۳) /۱۵

اندازه معمولی max Vo۲ برای مردان بایستی بیشتر از ۶۷/۴ و برای زنان بیشتر از ۶۳ باشد. قابل ذکر است که مقدار Vo۲ max در ورزشکاران و غیر ورزشکاران است. معادله بالا در مورد ورزشکاران صدق می کند.

توجه: این تمرینات باید در هوای زمستانی و در یک روز آرام بدون باد انجام شوند. برای هوای گرم بخصوص در روش های ۱ و۲ مدت اولیه دویدن کوتاه تر است.

عواملی که بر max Vo۲ اثر می گذارند:

۱– عوامل ژنتیکی: یعنی توانایی شیمیایی بافت های ماهیچه برای استفاده از اکسیژن.

عوامل ژنتیکی نقش بسیارمهمی را در این مورد ایفا می کنند. وراثت می تواند ۲۵ تا ۵۰ درصد اثرگذار باشد. یک تئوری بیان می کند که کافی نبودن آنزیمهای اکسیده کننده در سلول های میتوکندری یا حتی کوچکی میتوکندری باعث کاهشVo۲ max در بعضی افراد می شوند. گاهی برون دهی قلب، غلظت خون، و ضربان قلب که در افراد گوناگون متفاوت هستند، باعث می شوند که max Vo۲ هز فرد مقادیر مختلفی باشد.

۲– سن و جنس: واضح است که max Vo۲ در آقایان همیشه رقم بالاتری است. حتی دختران و زنان غیر ورزشکار ۲۰ تا ۲۵ درصد نسبت به مردان غیر ورزشکار max Vo۲ کمتری دارند. با افزایش یک سال سن در مردها ۴۶درصد و در زنان ۵۴درصد max Vo۲ کاهش می یابد. بالاترینmax Vo۲ ثبت شده برای انسان مربوط به یک قهرمان اسکی باز نروژی است که ۹۶ میلی لیتر در کیلوگرم در دقیقه و در زنان این رکورد مربوط به یک اسکی باز با ۷۷ میلی لیتر کیلوگرم در دقیقه است.

۳– ارتفاع: max Vo۲ از ارتفاع ۱۶۰۰ متری به بالا کاهش می یابد. از ارتفاع ۱۶۰۰ متری به ازاء هر ۱۰۰۰ متر ۸ تا ۱۱ درصد این مقدار کم می شود. کم شدن max Vo۲ در ارتفاع در اثر کاهش خروجی قلب و همچنین کاهش ضربان قلب است. ضربان قلب به خاطر کاهش ناگهانی مقدار پلاسمای خون کم می شود و ارسال اکسیژن به ماهیچه ها را کاهش می دهد.

منابع:
www.biranmac.co.uk
آزمون های سنجش و آمادگی جسمانی،مهارتی و روانی
تالیف: دکتر رضا قراخانلو و دیگران انتشارات کمیته ملی المپیک

(۱) توضیح اینکه معادله ذکر شده در کتاب «آزمون های سنجش آمادگی جسمانی، مهارتی و روانی» صفحه ۲۰۱ به صورت اشتباه به چاپ رسیده است. چون بعضی از مطالب از جمله این معادله ترجمه از متون انگلیسی است که به جای اینکه از چپ به راست نوشته شود از راست به چپ ترجمه و به چاپ رسیده است که جای بسی تعجب و تاسف دارد.

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷



روی خط ایرانجوان

لیمر تبریزی ها بر علیه ایرانجوان

ایرانجوان بوشهر صفر — شهرداری تبریز ۵



گل ها: محمد سهیمی(۳۰و۴۳)، رسول علیزاده (۳۶)، بهنام داداش زاده(۸۰) و علی کریمی(۳+۹۰)

داور:رسول احمدی. اخراج: محمود بحرینی(۷۵) و حسین خسروی(۸۸) از تیم ایرانجوان

ایرانجوان بوشهر در هفته ششم لیگ دسته اول فوتبال کشور با ارائه یک بازی کسل کننده و بی روح در برابر شهرداری چی ها تبریز با شکست سنگین، صدای هواداران خود را درآورد. اگر فلاش بکی به عقب یعنی آذرماه۷۳ داشته باشیم بازی ایرانجوان را دربرابر پرسپولیس تهران را که بوشهری ها با ۵ گل تیم پرستاره پرسپولیس به زانو درآوردند، به خاطر خواهیم آورد در آن روز همه بومی بودند و تعصب و عشق به پیراهن ایرانجوان در رأس همه امور قرار داشت ولی حالا چی؟

نمایش سرد و بی حال سربازان خسته ناصر ابراهیمی در برابر گرگ های ترک، دل هر جنوبی را آزرد. این شکست به حدی دردناک بود که اکثر جوان های دو آتشه ایرانجوان به خودی و غریبه دشنام می گفته و شعارها ی علیه سرمربی شان باعث شد که ابراهیمی در رختکن غزل خداحافظی را بخواند. درست است که نتایج فوتبال غیر قابل پیش بینی است ولی آیا سطح کیفی شهرداری با ایرانجوان، پنج گل می باشد؟ باید دلیل سردرگمی و بی تعصبی بازیکنان وارداتی به بوشهر مشخص و درمان شود. تا خدای ناکرده در مصاف دیگر روی خشن فوتبال دوباره به رخ نشان ندهد. امید است مسئولین دلسوز ایرانجوان در پی رفع این معضل موفق باشند.

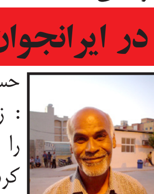
مدیرعامل باشگاه ایرانجوان:

دست و پا بسته مقابل تبریزیها بازی کردیم



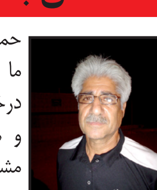
سیامک احمدی مدیرعامل باشگاه ایرانجوان، پس از شکست سنگین ایرانجوان مقابل شهرداری تبریز، به خبرنگار ما گفت: اصلاً بازی خوبی نبود، باید بررسی کنیم چرا بازیکنان حال بازی کردن را نداشتند. به سرپرست تیم گفته ام که بیاید تا در این زمینه شفاف سازی کند که دلیلش چه بود که دست و پا بسته مقابل تبریزیها بازی کردیم. به نظرمن اختلاف ایرانجوان با شهرداری، پنج گل نیست، البته اگر داور، پنالتی ما را اعلام می کرد و گلی که بدرستی به ثمر رساندیم مردود نمی کرد وضعیت و شرایط کنونی به وجود نمی آمد.

در ایرانجوان انگیزه وجود ندارد



حسین حیدری پیشکسوت ایرانجوان : زمانی که داور بازی گل ایرانجوان را مقابل شهرداری تبریز مردود اعلام کرد، وضعیت تیم بهم ریخت. اگر آن گل قبول می شد نتیجه چیزی دیگری رقم می خورد. بنده دوست دارم بیشتر از بچه های بومی استفاده شود. در تیم ایرانجوان انگیزه وجود ندارد احساس می کنم ایرانجوان در بوشهرغریب است. نبود بوشهری ها در بین بازیکنان ایرانجوان تاثیرمنفی روی این باشگاه قدیمی گذاشته. شایسته است مسئولین ایرانجوان با برگزاری جلسه در این خصوص در پی حل مشکل کنونی باشند.

مستحق باخت ۵ گل نبودیم



حمید معماری مربی ایرانجوان : بازیکنان ما بخوبی از وظیفه شان برنیامدند، درخصوص سمت چپ، با اخراج گلر و هافبک، شیرازه تیم بهم ریخت و مشاهده کردید که چه شسکت سنگینی به ما تحمیل شد. بازیکنان شهرداری تبریز در طول ۹۰ دقیقه با دوندگی و سرعت زیاد بازی می کردند در این رابطه باید بگویم یا بدن سازی خوبی انجام داده اند یا مسئله دیگری وجود داشته ما بازی تیم شهرداری را دیده بودیم انتظار بازی سختی را می کشیدیم ولی ما مستحق باخت ۵ گل نبودیم.

مزد زحماتشان را گرفتند



علیرضا طارمی مربی ایرانجوان : قبول داریم که ایرانجوان واقعاً ضعیف بازی کرد، فکر می کنم یکی از دلایل اصلی باخت سنگین ما در برابر شهرداری تبریز، دوندگی بیش از حد تبریزیها بود که اجازه تمرکز را به بازیکنان ما نمی داد آنها مزد زحماتشان را گرفتند. تیم شهرداری دو تفاوت عمده دیگر هم با ایرانجوان داشت، آنها دو ماه قبل از ما کار تمریناتشان را شروع نمودند و قراردادهای بازیکنانشان بالای ۹۰ میلیون تومان است در حالی که تیم ما فرصت آمادگی و یارگیری خوبی در اختیار نداشت و بالاترین سقف قرار داد بازیکنان تا۳۰ میلیون تومان است.

محمد دوانی رئیس هیات فوتبال استان بوشهر:

اطراف شاهین هاله ای از ابهام وجود دارد



– نظرتان در خصوص بازی های شاهین در دور رفت لیگ برتر فوتبال ایران چیست؟

– شاهین با تمام مشکلاتش بعد از صعود به لیگ برتر در امور باشگاه بوجود آمد، به دلیل عقب نشینی مسولان پارس جنوبی و مردد بودن تصمیم گیرنده ها در رابطه با مسئله مالی تیم، انصافاً خیلی با تدبیر بسته نشد.

– یعنی می گویید عجله درکار بود؟

– نه ببینید، مشکلاتی که وجود داشت و تردید های که هم درون تیم و حاشیه تیم وجود داشت باعث شد شاهین نامنظم و تقریباً بی برنامه بسته شود و الان هم تعداد زیادی از بازیکنان در تیم وجود دارند که نه تنها آقای یاوری بلکه هیچ مربی قبولشان ندارد.

– یعنی به درد لیگ برتر نمی خورند؟

– بله.

– با توجه به حمایت همه جانبه رسانه های استان و تماشاگران از شاهین، دور برگشت را چگونه می بینید؟

– ما در دور رفت هم در چند مسابقه بی جهت پیروز نشدیم، ما باید بازی با پیکان را می بردیم. اگر اراده و برنامه پیروزی با پیکان وجود داشت، قطعاً بازی را می بردیم، در برابر فجر سپاسی می پذیریم که فجر در مجموع با سیاست تر از ما بازی کرد، اما حداقل در یک ربع آخر بازی همه زمینه برای پیروی ما مهیا بود. یک چراهایی وجوددارد که باید بنشینند وروی آن تحلیل نمایند اگر در دور برگشت دچار اگر ها شوند کارمشکل می شود.

– شما از دور برگشت واهمه دارید؟

– بله، من واقعا بیم دارم.

– شما واقع بین هستید یا خوش بین؟

– من واقع بین هستم، خوشبین نیستم، البته دلم میخواهد که شاهین بماند، واقعا باید بماند دوربرگشت با ذخیره ۱۶ امتیاز کار خیلی سختی در پیش رو داریم.

– خودتان اگر مسئول کار بودید با این زمان کم چه کار می کردید؟

– حتماً بایستی ترمیم شود. نگاه کنید با استقلال تهران چطور گل خوردیم، باید فکری به حالش کرد.

– یعنی دفع های ناقص گلر و عدم پوشش و دفع مناسب از توپ های سرگردان در ۱۸ قدم خودی؟

– بله، ولی بحث من کلی است، گلر یا یک سوم دفاعی مان مشکل اساسی دارد از اول بازی ها مشخص بود. تیم ها شناختند و به ما ضربه زدند.

– به نظر می رسد که شما می خواهید بگوئید اولین ترمیم یا جذب بازیکن از دروازه بان شروع شود؟

– بله، معروف است که می گویند دروازه بان ۵۰ درصد تیم است. وقتی گلر نصف تیم است، یعنی نصف تیم مان عیب دارد، آقای روشنگر زحمت می کشد بازیکن باادبی است و من دستش را می فشارم ولی در حد خودش خوب است حد و توانش همین است.

– اگر مسئولین حمایت نکنند با این که بوی خوشی از بابت حمایت پارس جنوبی به مشام نمی رسد، تکلیف چیه؟

– اطراف شاهین هاله ای از ابهام وجود دارد.

– این هاله از داخل تیم بوجود آمده یا از خارج به داخل منتقل شده؟

– این مسئله از قبل هم وجود داشته و کم کم بروز می کند، باید مسئولین استان فکری به حال این مسئله کنند.

– شما به عنوان متولی فوتبال در استان، در پی رفع معضلات، دوست دارید چگونه قدم بردارید؟

– ما برای هر نوع همفکری و همکاری آمادگی داریم و داشته ایم، ولی هیچ گونه هم فکری و هم کاری از ما نخواستند. البته از این بابت دلخوری نداریم و کسی هم نمی تواند از ما ایراد بگیرد، چراهای پشت سرما وجود ندارد و ما چراها را نمی پذیریم.

– شنیده شده دو نفر از سه نفری که ازطرف باشگاه شاهین در لیست مازاد قرار گرفته شما و آقای وردیانی، حمید محمدی و عارف زبیدی را به ایرانجوان منتقل کرده اید، آیا این گفته صحت دارد؟

– خیر، ما هیچ دخالتی نکرده ایم و در این رابطه هیچ اطلاعی ندارم.

یاوری سرمربی شاهین بوشهر:

مطمئن باشید که شاهین در نیم فصل دوم متحول خواهد شد



– آقای یاوری اگر امکان دارد یک نگاه اجمالی داشته باشید به عملکرد شاهین در دور رفت؟

– ما از روز اول که کارمان را شروع کردیم، بچه ها خیلی زحمت کشیدند که اینجا رسیدند واقعاً الان روند رو به رشد داریم.

– از بازی های دور رفت راضی بودید؟

– نه، هیچ مربی عاقلی با توجه به اینکه در این شرایط جدول هست راضی نیست ولی من پتانسیل بچه ها را بالاتر از این می دانم. علاقه و احساساتشان نشان می دهد که قطعاً دارند زحمت می کشند. امید است در شرایط خوب بچه ها را به ایداه آل برسانیم.

– برنامه کاری شما در ایام تعطیلات نیم فصل چگونه خواهد بود؟

– در این ۱۳ روز باید حداکثر استفاده را ببریم، سه روز صبح و بعدازظهر بدنسازی انجام خواهیم داد، چهار روز کارهای تاکتیکی در دستور کارمان هست و شش روز بعد فوتبال و بازی تدارکاتی را انجام خواهیم داد.

– فکر می کنید به طور نسبی به چه میزان آمادگی برسید؟

– فکر کنم بین ۶۰ الی ۷۰ درصد کارمان بهتر بشه و بجایی برسیم که وقتی وارد مسابقات دور برگشت شویم با ۷۰ درصد آمادگی به فرم بازی نزدیک شویم.

– چند بازی تدارکاتی خواهید داشت؟

– احتمالاً سه بازی خواهیم داشت، از بندرلنگه، کازرون و گناوه دعوت داریم که دوست داریم بهترین برداشت را از این سه بازی داشته باشیم.

– برای رفع مشکلات فنی و جذب بازیکنان قابل و با تجربه با چه کسانی در تماس بودید؟

– در رابطه با جذب دروازه بان با گلرهای تراکتورسازی مهدی ثابتی و حسن رودباریان صحبتی داشته ام البته خودشان تماس گرفتند. مهدی ثابتی دوست داشت به شاهین بیاید ولی زمانی که در آخرین بازی تراکتور درون دروازه آنها ایستاد و عملکرد خوبی از خودش به نمایش گذاشت مسئله آمدنش به شاهین کنسل شد. رودباریان هم هنورمشخص نیست منتهی یک گلر جوان از فجر سپاسی بنام محمدی در تمرینات ما شرکت می کند که اگر به کارمان آمد آن را جذب خواهم کرد. با یک بازیکن سریع که هافبک مهاجم است به توافق رسیدیم که فعلاً از گفتن اسم معذوریم. نهایتاً اگر قرار است گلری به تیم اضافه کنیم باید یا در سطح ملی باشد یا با همین روشنگر بسازیم و او را حمایت کنیم.

– مسئله رضا جلالی به کجا رسید؟

– رضا جلالی که در فولاد بازی می کرد، بازیکن خوبی است. در حال حاضر با رضا جلالی ثابت بازیکن بوشهر اسبق تیم استقلال اهواز درتیم نفت آبادان حضور دارند که دکتر بیژن ذوالفقار نسب با هر دو آنها اختلاف پیدا کرده و آنها را کنار گذاشته، با رضا جلالی صحبت کردیم که قرار است بیاید. به هر حال خط دفاعی ما احتیاج به ترمیم دارد.

– شما سه بازیکن به نام های حمید محمدی، عارف زبیدی و امیرحسین محمدی را از لیست شاهین خارج کردید. چرا؟

– امیرحسین محمدی با مسئولان مس سرچشمه صحبت کرده بود، همین طور ارسطو جهانداری مدیرتیم شهرداری بندرعباس با من صحبت کرد که بازیکن شما با ما تماس گرفته و دوست دارد به بندرعباس بیاید، من هم گفتم وقتی که می خواهد برود دیگر دلیلی ندارد در تمرین ما شرکت کند. دو تای دیگر هم شاید در لیگ یک عملکرد بهتری داشته باشند، این طور که شنیدم مثل این که آقایان دوانی و وردیانی ترتیبی دادند که محمودی و زبیدی به ایرانجوان بپیوندند.

– یک سئوال که بعضی از شما خرده می گیرند این است که عنوان می کنند شما در خصوص بازیکنان شاهین اظهار می دارید که آنها لیگ برتری بازی نکردند، یا می گویند در سطح لیگ یک هستند. در این خصوص توضیح بفرمائید.

– من در این رابطه خیلی صحبت نکردم، من گفتم بچه ها به این باورند که دیگر لیگ برتری هستند. عنوان کردم که بچه ها به این باورند که از لیگ یک به لیگ برترآمدند. نهایتاً بچه ها شرایط شان خوب است.

– در حالتی که از لحاظ آماری شما ۱۴ امتیاز کسب کردید، اما عملکرد شاهین زیاد جالب نبوده، نظرتان در این باره چیست؟

– وقتی که از ۱۱ بازی ۱۴ امتیاز گرفتیم، چگونه می شود که ضعیف باشیم. شاید آن ۵ بازی که من نبودم را هم جزو بازی های ما محاسبه کرده اید.

– برای این که در دور برگشت شاهد رشد خوبی از عملکرد شما باشیم چه تفکری در سر دارید؟

– اگر بچه ها یک و نیم برابر خودشان نشوند و تکلیف شان با خودشان روشن نکنند موفقیت حاصل نمی شود. البته بچه های ما آدم های خالص هستند. امیدواریم با آمدن بازیکنان جدید، عملکردمان بهتر از دور رفت باشد مطمئن باشید که شاهین پارس جنوبی در نیم فصل دوم متحول خواهد شد.

ایوان پتروویچ هافبک شاهین:

در دور رفت می توانستیم بهتر باشیم



– در دور رفت، شاهین را چگونه مشاهده کردی؟

– من فکر می کنم شاهین تیم خوبی است و با تمریناتی که می کنیم نتایج خوبی را خواهیم گرفت، البته در دور رفت می توانستیم بهتر باشیم به نظر من مشکلات در تیم زیاد نبود تیم اما چون تیمی جوان و بی تجربه است و تمرینات آغاز فصل دیر شروع شد زمان برد تا با هم هماهنگ شویم و مطئمناً تیم شاهین طوری خوب می شود که بوشهری ها خوشحال شوند.

– در کدام پست ضعف داشتید؟

– من مربی نیستم که پاسخ شما را بدهم، ولی فکر می کنم در هر پست اگر یک بازیکن خوب جذب کنیم، وضعیت مان بهترمی شود. به عقیده من، یک دفاع وسط، و یک مهاجم باید در اولویت باشد.

جمال حق شناس مدافع شاهین بوشهر:

ما تلاش می کنیم شما هم دعا کنید



– در یک نگاه بازیهای شاهین را در دور رفت چگونه دیدی؟

– ما بد شروع کردیم ولی روز به روز هم با تجربه تر می شویم و هم بهتر بازی می کردیم ما تلاش می کنیم شما هم دعا کنید که در لیگ برتر بمانیم.

–به نظرخودت نقطه قوت تیمتان در کجاست؟

–ما از نظر بازی، سیستم و بدنی خوب هستیم البته در نتیجه گیری هم خوب عمل کردیم.

– ضعف تان چیست؟ – ضعف که داریم چون هنوز آن طور که باید باشیم بازی نکردیم.

– چرا؟ – چون فوتبالی که در بیرون بوشهر بازی می کنیم در خانه انجام نمی دهیم.

– چرا این گونه هستید؟ – والله نمی دانم.

– ته دلت چه حرفی داری؟ – امیدوارم به خدا که تیم شاهین در لیگ برتر بماند تا دل همه شاد شود.

عبدالرضا بازیاری کاپیتان شاهین :

خبرهای ناخوشایندی به گوش می رسد



– از وضعیت تیم شاهین در بازیهای دور رفت، صحبت کنید؟

– من فکر می کنم در دور رفت، هر بازی نسبت به بازی قبل بهتر ظاهر شدیم. البته این نظر شخصی من است. فقط در بازی با صبا دچار مشکل شدیم و این در فوتبال امریست طبیعی، مس کرمان هم در خانه خود از استیل آذین ۶ گل دریافت می کند. یا تیم پیکان در برابر سپاهان ۴ گل می خورد.

– به نظرت روند تیم تان چگونه بوده؟

– درست است تیم ما یه مقدار نوسان داشته ولی درکل روند رو به رشدی داشته، شما ببینید درسته که ما دقایقی در برابر فجر سپاسی تحت فشار بودیم ولی در اواخر بازی ما خیلی روی آنها فشار آوردیم، در مجموع راضی کننده است، فکر کنم ما روی نوار بد شانسی هستیم.

– آیا قول می دهید که شاهین را در لیگ برتر نگه دارید؟

– مردم مطمئن باشند فقط حمایت مسئولین می طلبد که تیم ما را کمک کنند خبرهای ناخوشایندی به گوش می رسد ولی امیدوارم مسئله مالی تیم حل شود چون این تیم متعلق به مردم است.

عباس پورخسروانی مهاجم شاهین:

نیم فصل اول، نیم فصل کم شانسی من بود



– در بازیهای دور رفت شاهین در لیگ برتر، شما خوب بازی می کردید ولی در امر گلزنی موفق نبودید؟

– در نیم فصل اول، نیم فصل کم شانسی من بود. توپ های که می زدم توی دروازه حریفان نمی رفت. انشاءا.. آن قدر تلاش خواهم کرد تا توپ هایم به هدف بخورد.

– شاهین در نیم فصل اول چگونه بود؟

– به گفته اکثر کارشناسان شاهین در نیم فصل اول خوب بازی می کرد و متاسفانه نتایج خوبی کسب نکردیم. امید است مشکلات حل شود و ما بتوانیم در امرنتیجه گیری بهتر عمل کنیم.

– آیا دور برگشت بهتر از دور رفت خواهید بود؟

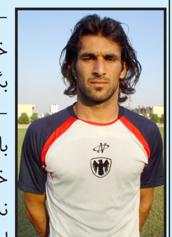
– بستگی به همت مسئولین دارد آنها حمایت کنند ما تمام تلاش مان را می کنیم که بهترین نتایج را برای شاهین و هواداران خونگرم بوشهری بدست بیاوریم.

– در لیگ برتر ماندگار خواهیم شد؟

– الان زود است که چنین قولی بدهیم، ولی ما سعی خودمان می کنیم انشاءا... که در لیگ برتر خواهیم ماند.

عبدالرضا کرمی هافبک شاهین:

امیدوارم در دور برگشت دیگر نوسان نداشته باشیم



– از وضعیت خودت در شاهین بگو؟

– اول فصل بازیهای نسبتاً خوبی از خودم به نمایش گذاشتم، اما مصدومیتم باعث شد چند بازی از ترکیب اصلی جدا شوم، پس از بهبودی نسبی، دوباره به ارنج اصلی وارد شدم و به روزهای اوج نزدیک شده ام. باور کنید من هر چه در توان داشته باشم برای شاهین به کار می گیرم و امید است در دور برگشت بهترین نتایج را کسب کنم.

– عملکرد شما در دور رفت چگونه بود؟

– تیم ما در دور رفت، پایین و بالای زیادی داشت، یعنی بازیهای خوب و بد و متوسط و ضعیف در کارمان بود. با تمرینات که در این ایام انجام می دهیم امید است در دور برگشت دیگر نوسان نداشته باشیم.



روی خط شاهین



می توانیم در دور برگشت جایگاه خوبی پیدا کنیم

احمد گزی عضو هیات مدیره تیم شاهین: من فکر می کنم به دلیل زمان کمی که در اختیار داشتم، تیم شاهین، قابل قبول بسته نشد. شوک تغییر مربی در تیم نیاز بود. زمانی که آقای یاوری هدایت شاهین بر عهده گرفت با تدبیر خویش تیم را از لحاظ جمع و جور کرد. کم فکر کنم می توانیم در دور برگشت جایگاه خوبی در جدول پیدا کنیم، البته با اضافه شدن چند بازیکن بخصوص گلر و دفاع، امید است نتایج درخشان تر کسب کنیم. در این راه مسئولین محترم می بایست همت کنند تا مشکلات شاهین مرتفع گردد.

سخت گل می زنیم و راحت گل می خوریم

هوشنگ ثابت پیشکسوت شاهین: از زمانی که در تیم شاهین تغییر سرمربی ایجاد شد، وضعیت از قبل بهتر شد. به نظرم اگر از روز اول آقای یاوری خودش تیم را می بست شرایط شاهین از وضعیت کنونی بهتر می شد. در شرایط فعلی و برای شرکت قوی در دور برگشت می بایست در پست های دروازه بان و دفاع، نیروهای جدیدی وارد تیم گردد. متاسفانه سخت گل می زنیم و راحت گل می خوریم این یک ضعف بزرگ است. امید است مسئولین فنی شاهین تا زمان در اختیار دارند در پی رفع مشکلات فوق نهایت تلاش خود را انجام دهند.

برای بقا در لیگ برتر کاری سختی در پیش رو داریم

پرویز عبدی پور پیشکسوت شاهین: بازی های شاهین در دور رفت بازی های متعادلی بود. در زمان کللی فرد از نظر بازی بد نبودیم ولی در بحث نتیجه گیری بدشانس بودیم، پس از آمدن آقای یاوری به تیم شاهین، شوک مثبت در سه بازی اول جواب داد و بعد از چند هفته نتایج قابل قبول نبود. برای بقا در لیگ برتر کاری بسیار سختی در پیش رو داریم، مسئولین باید از حمایت همه جانبه رسانه های تصویری، نوشتاری و تماشاگران نهایت استفاده ببرند چون در دور برگشت باید منتظر سختی های زیادی باشیم. به امید این که شاهین در لیگ برتر باقی بماند.

شرایط کنونی شاهین خوب نیست

علی پورشاکر پیشکسوت شاهین: با آمدن سرمربی جدید شاهین (محمود یاوری) حقیقتاً تیم شاهین تکان خوبی خورد، متاسفانه کللی فرد به دلیل عدم تجربه کافی در لیگ برتر، نتایج خوبی کسب نکرد و شرایط کنونی شاهین شرایط خوبی نیست. امید است مسئولین شاهین، چهار خطوط تیم را تقویت و ترمیم کنند. انشاءا.. که شاهین بازی های خانگی نبازد و با دو الی سه پیروزی که بدست خواهد آورد شرایط ماندگارش شکل قشنگ تر به خود بگیرد.